آیا قرارداد عینک مبنای مطلوب را برای آینده افغانستان فراهم می سازد؟

تقویت/ تحکیم قرارداد عینک-
نخستین معامله بزرگ استخراج معدن افغانستان

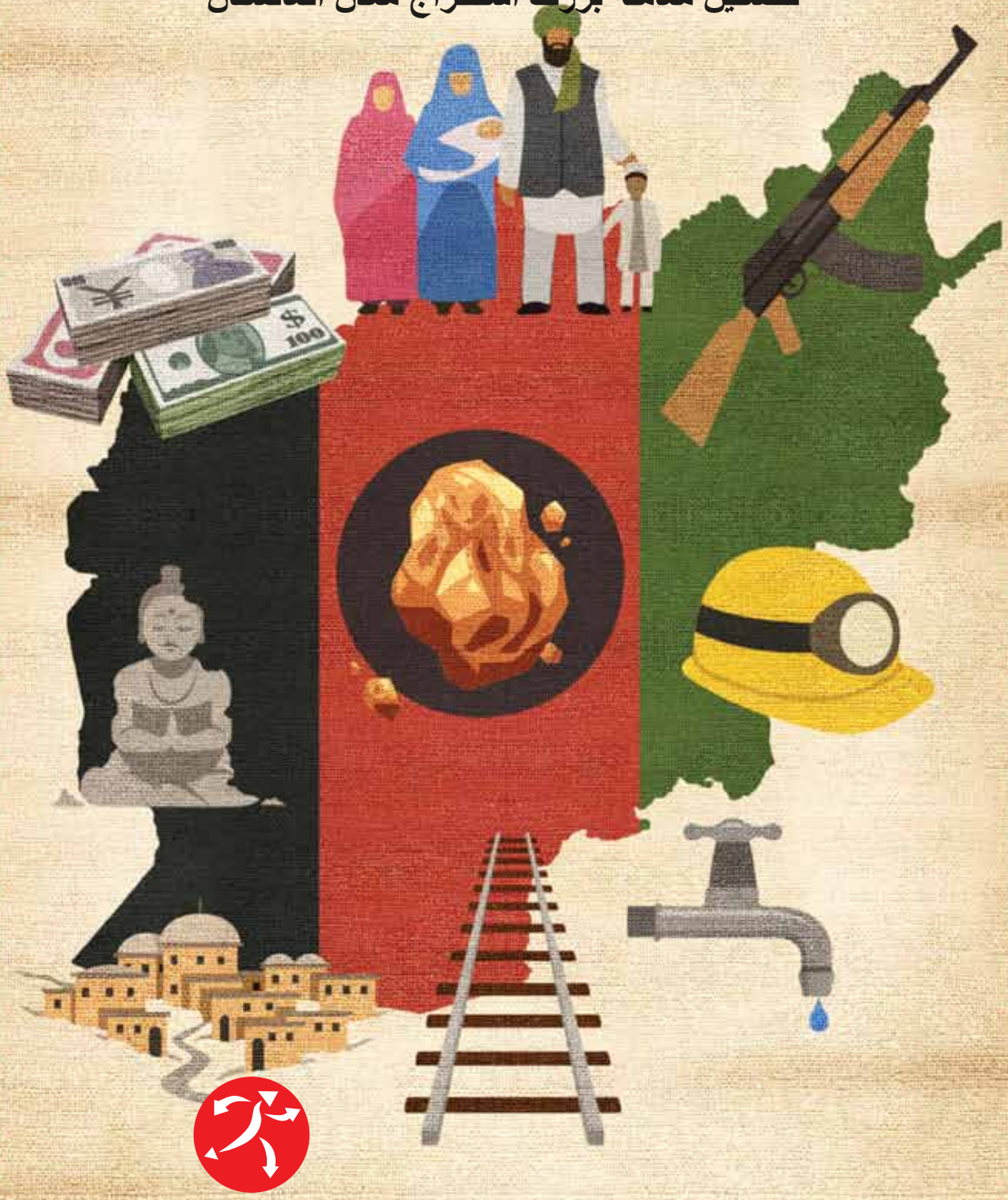

global witness

نومبر 2012

خبر انضمامی!

از زمان تکمیل این گزارش، وزارت معادن افغانستان اقدام برجسته انتشار بیش از 200 قرارداد مربوط به مواد استخراجی را اتخاذ کرده است. Global Witness از این حرکت مهم در راستای تحقق تعهدات عامه در قسمت شفافیت استقبال می کند، و اساساً به رسمیت شناختن این امر نشان دهنده حق مردم افغانستان در دسترسی و بررسی معاملات مربوط به دارایی های ارزشمند ملی آنها که به نمایندگی از آنها مذاکره می شود، می باشد.

درحالیکه قراردادهای منتشرشده تابحال عمدتاً مربوط به عملیات های کوچکتر و کم ارزش می باشند، یک تعداد توافقنامه های دارای اهمیت استراتژیک مثل قراردادهای نفت آمودریا، طلای قره زاغان و زغال گرمک غرب نیز در دسترس عموم قرار گرفته اند. اما، برای دستیابی به شفافیت کامل مورد نیاز برای تأسیس بنیانی درست برای سکتور نوظهور مواد استخراجی افغانستان باید تلاش بیشتری به خرج داد.

تا به تاریخ 30 اکتوبر 2012، ضوابط بزرگترین سرمایه گذاری خارجی در تاریخ افغانستان -معامله مس عینک- محرمانه باقی مانده است. می دانیم که مذاکرات بین کنسرسیوم سرمایه گذار چینی و دولت جمهوری اسلامی افغانستان جریان دارد و اصرار می ورزیم که این قرارداد طبق تعهد افغانستان به شفافیت و اصول "منفعت دوجانبه" و "همکاری برد-برد" چین منتشر گردد. در سطح وسیعتر، اقدامات بیشتر برای رسیدگی به شکاف های ذکرشده در فصل 1 (شفافیت قرارداد) ضروری است، که عبارتند از شفافیت در قراردادهای تابعه، فرعی و تأمین مواد؛ و معلومات عمومی درباره مالکین شرکت های منفعت برنده یا پیشنهادکننده برای انتفاع از سکتور مواد استخراجی. با انجام دادن این اقدامات بیشتر، افغانستان می تواند با ابتنا به اقدامات مثبتی که قبلاً صورت گرفتند برای دستیابی به یک سکتور مواد استخراجی حقیقتاً شفاف استفاده کند.

درباره Global Witness

Global Witness یک سازمان غیردولتی مستقر در لندن است که درباره پیوندهای بین منابع طبیعی، تعارض و فساد، و سوء استفاده های مربوطه زیست-محیطی و حقوق بشری به تحقیق و تفحص می پردازد. هدف ما ترویج اشکال بهبودیافته حکومتداری، شفافیت و حسابدهی در مدیریت سکتور منابع طبیعی می باشد تا تضمین کنیم که عواید حاصل از منابع بجای استفاده برای برای تمویل یا تجدید نیروی تعارضات، فساد یا چپاولگری دولتی، برای انکشاف صلح آمیز و پایدار بکار می رود. ما در سراسر آسیا، افریقا، امریکای جنوبی کار می کنیم و درباره فعالیت های شرکت ها و دول اروپایی، امریکای شمالی، آسیایی و افریقایی و نقش نظام مالی بین المللی تحقیق می کنیم.

به لحاظ تاریخی، تحقیقات، نشریات و همکاری ما با سیاستگذاران یک کتلست کلیدی در ایجاد پروسه Kimberely، برای بعهده گرفتن تجارت در الماس های تعارض، و "طرح ابتکاری شفافیت در صنایع استخراجی، برای ترغیب شفافیت در پرداخت ها و دریافت های مربوط به عواید منابع طبیعی، بوده است. ما یکی از نامزدان مشترک جایزه صلح نوبل سال 2003 بخاطر کار خود در باب الماس های تعارض بودیم.

برای معلومات بیشتر وب سایت www.globalwitness.org را ببینید.

تصدیق ها

Global Witness، در بررسی قرارداد عینک از حمایت بسیار ارزشمند شماری از متخصصین بهره برده است.

ما، بالاخص، می خواهیم قدردانی خویش را نسبت به این اشخاص ابراز کنیم:

- پروفیسور شِلدُن لیدر، انیل پیلماز، تارا وَن هو، آیگون کازیمووا، یوسف فراه، جودیث شونستینر و رسمیا کازیمووا در Essex Business و "پروژه حقوق بشر"، بریتانیا؛
- داکتر آنا الیزابت بَستیدا در مرکز قانون و پالیسی مواد معدنی، انرژی و پترولیم در پوهنتون دوندی، بریتانیا؛
- فیلیپ ریچز و سَندرا هیلی در Stone Chambers و حامیان انکشاف بین المللی؛ و
- کریستِن جنوویز و اماندا کیستلر از مرکز قانون بین المللی محیط زیست، واشینگتن دی. سی.

نقشه شماره یک. از ذخایر معتنابه معدنی و نفتی در افغانستان که [حق استخراج آنها] اعطا شده است یا در داوطلبی است.

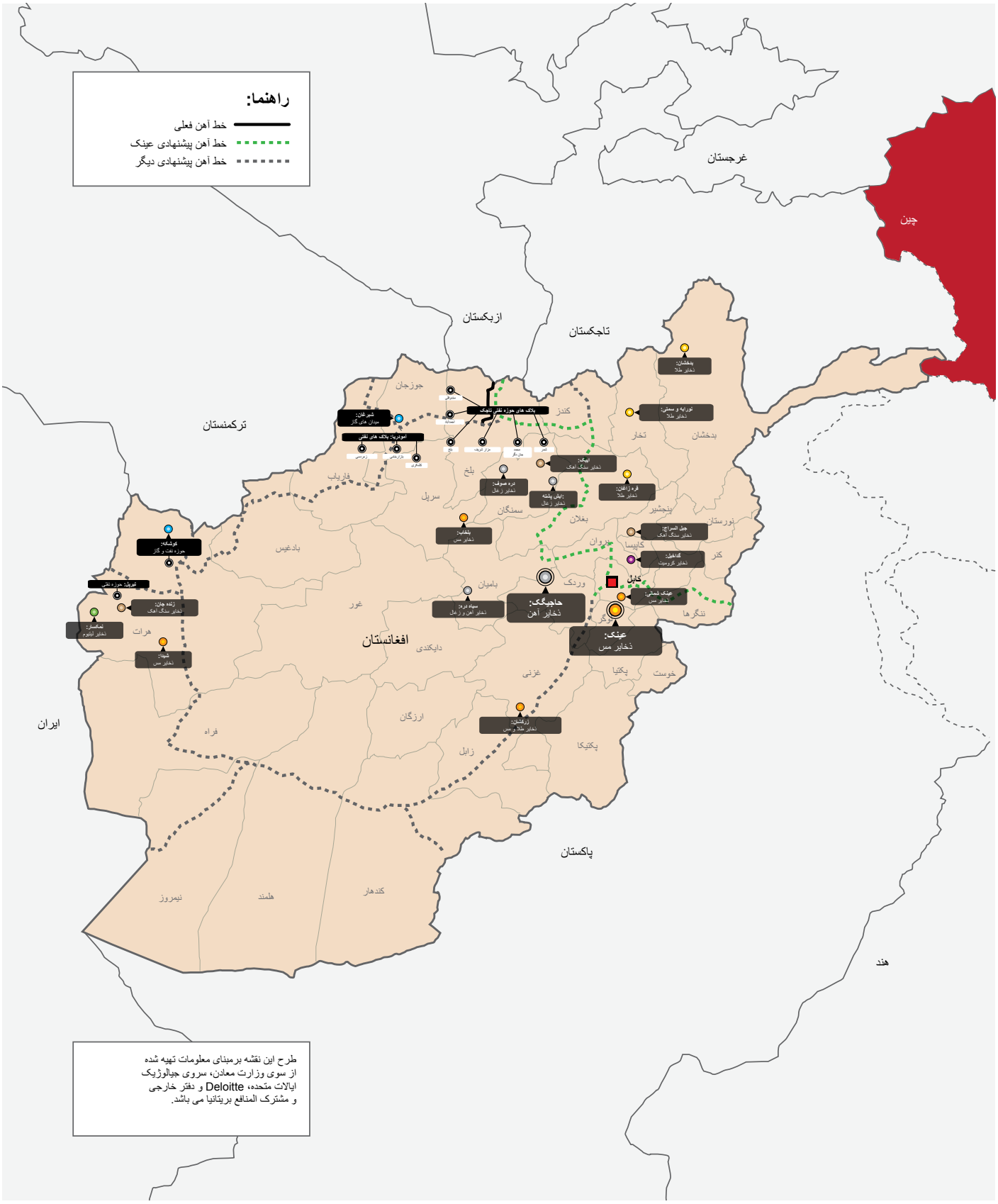

طرح این نقشه برمبنای معلومات تهیه شده از سوی وزارت معادن، سروی جیالوژیک ایالات متحده، Deloitte و دفتر خارجی و مشترک المنافع بریتانیا می باشد.

نقشه شماره دو. بعضی از ذخایر بالقوه و شناخته شده معدنی و نفتی مشخص در افغانستان تا به امروز را نشان می دهد. طبق اظهار وزارت معادن، یک سروی از 30% مناطق کشور وجود منابع معدنی با ارزش تخمینی 3 تریلیون دالر را آشکار ساخته است.

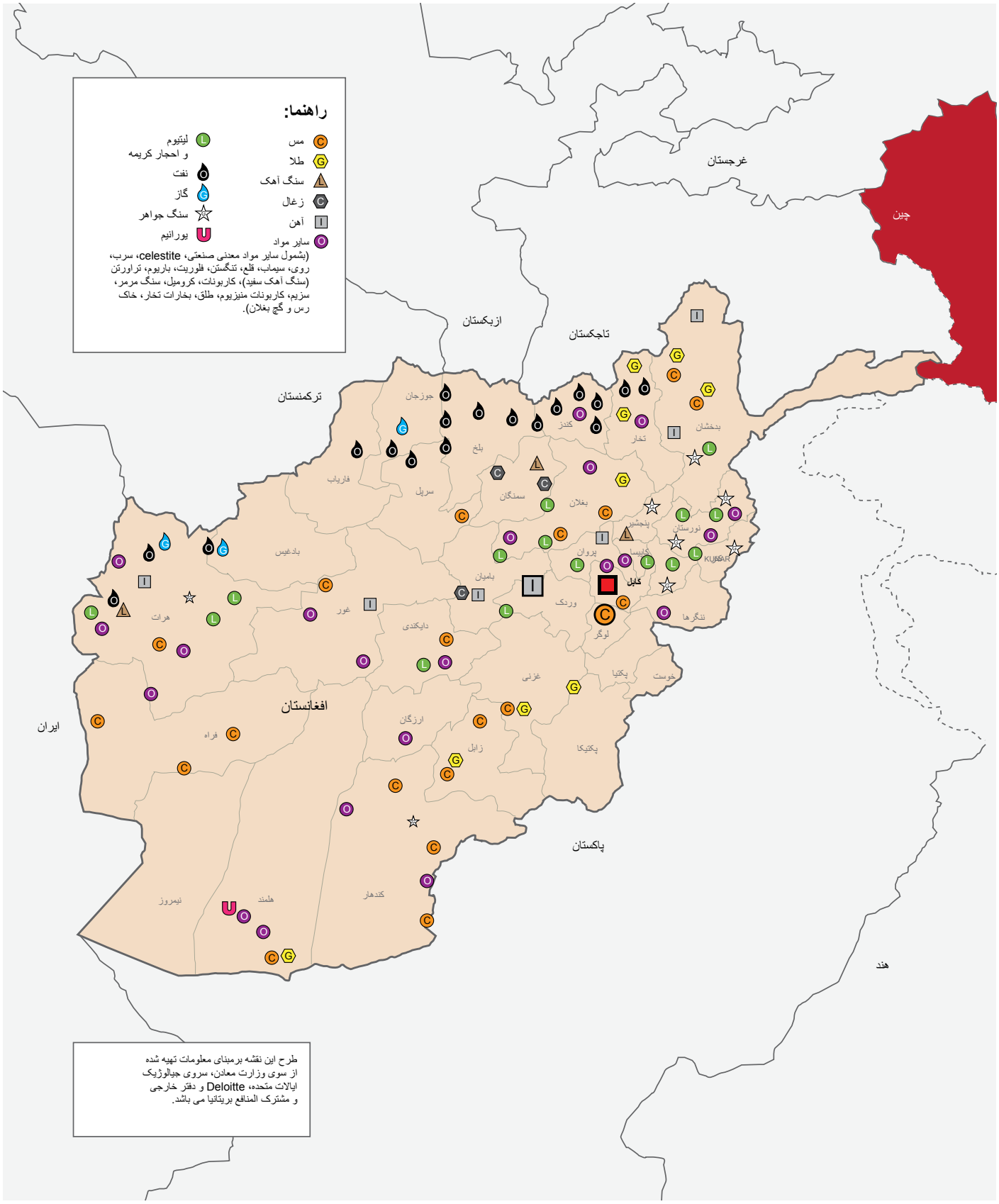

فهرست لغات و عبارات اختصاری

$	دالر امریکایی
Amicus curiae	یک جناح ثالث که برای ارائه نظر داوطلبانه به یک منازعه می پیوندد. نقش مصلح عبارتست از کمک به محکمه یا حکم در فیصله یک قضیه با ارائه معلومات و یک منظر متفاوت از منظر جناح ها.
قرارداد عینک	در این گزارش، قرارداد اصلی منعقدشده بین GIRoA و MJAM در می 2008 در رابطه با معدن مس عینک، به نام قرارداد عینک یاد می شود.
BFS	مطالعه امکانپذیری قابل پذیرش در بانک
کنسرسیوم	کنسرسیوم متشکل است از "شرکت گروه استخراجی چین" و "شرکت مس جیانگکسی لمیتد" که قرارداد عینک به آن اعطا شده است.
DAFA	Délégation Archéologique Française en Afghanistan.
DRC	جمهوری دموکراتیک کنگو
EIA	ارزیابی اثر زیست محیطی تحت قانون مواد معدنی افغانستان الزامی است.
EITI	طرح ابتکاری شفافیت در صنایع استخراجی
EMP	"پلان مدیریت زیست-محیطی" تحت قانون مواد معدنی افغانستان الزامی است.
صنایع استخراجی	در این گزارش، صنایع استخدامی منحیث نفت، گاز و صنایع بهره برداری معدنی تعریف می شوند.
FPIC	اصل توافق آزادانه، پیشاپیش و آگاهانه
GDP	محصول ناخالص داخلی
GIRoA	دولت جمهوری اسلامی افغانستان
میکانیزم شکایت	یک پروسه ساختارمند که امکان رسیدگی به منازعات یا شکایت های بین دو یا چند جناح دخیل در روابط کاری، حقوقی یا اجتماعی را فراهم می سازد.
IAP	"شورای بین المللی مشورتی" درباب "انکشاف منابع برای افغانستان" (که به نام هیئت مشورتی بین المللی" نیز شناخته می شود)- این اداره از سوی بانک جهانی تمویل می شود.
IAIA	انجمن بین المللی ارزیابی اثرات
ICMM	شورای بین المللی استخراج معدن و فلزات.
IFC	جامعه بین المللی باید:شرکت بین المللی مالی، بازوی بانک جهانی در انکشاف بخش خصوصی.
IMC	شورای بین-وزارتی که متشکل از وزرای شش وزارتخانه افغانستان می باشد. وزیر معادن ریاست گروه و وزیر مالیه معاونت ریاست را برعهده دارند.
ISAF	مأموریت امنیتی تحت رهبری قوای بین المللی حافظ صطح، NATO، در افغانستان.
JCL	شرکت مس جیانگکسی لمیتد، سهمدار اقلیت در سرمایه گذاری مشترک MJAM
MCC	شرکت گروه استخراجی چین، سهمدار اکثریت در کنسرسیوم
MDP	پلان انکشاف ماین.
MJAM	مواد معدنی عینک MCC-JCL، شرکت سرمایه گذاری مشترک تأسیس شده توسط کنسرسیوم برای پروژه عینک.
MPU	واحد حفاظت از استخراج معدن.
NEPA	اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان
OECD	سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی.
RAP	پلان کاری استقرار مجدد
UN	ملل متحد.
UNEP	یونسکو
UNESCO	سازمان تحصیلی، ملی و فرهنگی ملل متحد.
UNHRC	شورای حقوق بشر ملل متحد.
UNGPs	"اصول رهنما درباب کسب و کار و حقوق بشر: اجرای چوکات کاری "حفاظت، احترام و چاره جویی" پیشنهاد شده از سوی نماینده خاص ملل متحد جان راگی" و تصویب شده از سوی UNHCR در سال 2011. این چوکات کاری متشکل از سه رکن است: (1) وظیفه دولت در قسمت حفاظت از حقوق بشر؛ (2) مسئولیت شرکت در قسمت احترام به حقوق بشر؛ و (3) ضرورت به دسترسی بیشتر برای چاره جویی برای قربانیان سوء استفاده مرتبط به کسب و کار.

محتویات

پیش گفتار 8

خلاصه اجرایی 9
توصیه های اساسی 14

مقدمه 15
سکتور استخراجی افغانستان- پوتنشیل و چالش ها 15
چوکات شماره 1: نقش مرکزی جامعه بین المللی 16
تشخیص ریسک- تعهد به بهترین رویه 16
امتیاز واگذاری مس عینک 17
سخنی درباب روش 18
تحلیل Global Witness 18

1. شفافیت قرارداد 19
چوکات شماره 2: جزرومد فزاینده شفافیت قرارداد 20
چرا مسئله شفافیت در قرارداد اهمیت دارد 21
شفافیت و خلاصه های قرارداد 21
شفافیت و اسناد پروژه 22
شفافیت و قراردادهای مودل 22
توصیه ها درباب شفافیت 23

2. ساختار و تسوید قرارداد 24
استندردهای بین المللی 24
مطابقت با بهترین رویه 25
چوکات شماره 3: استندردهای شرکتی 25
مصونیت دولتی: چه وقت یک شرکت، یک شرکت نیست؟ 26
مهلت های واقع نگرانه؟ 26
حقوق رقیب 26
چه کسی درباره اینکه آیا پروژه آغاز شود یا خیر، تصمیم می گیرد؟ 26
خطاها و از قلم افتادگی ها در تسوید 27
توصیه هایی درباب ساختار و تسوید قرارداد 27

3. مشارکت اجتماع و میکانیزم های طرح شکایت 28
اهمیت مشارکت اجتماع 28
چوکات شماره 4: اجتماع محلی اطراف عینک چیست؟ 28
الف) دسترسی به معلومات 29
توصیه ها درباره دسترسی به معلومات 30
ب) شمول اجتماع 30
چوکات شماره 5: حفاظت از سرمایه گذاری های استخراج معدن 33
توصیه ها درباب شمول اجتماع 33
ج) طرزالعمل های طرح شکایت 33
چوکات شماره 6: مباحثات با اجتماع محلی 35
یک نظام عدلی خصوصی؟ 36
توصیه ها درباب طرزالعمل های طرح شکایت 36

4. شروط اقتصادی 37
ضرورت به معلومات کامل 37
چه وقت یک نرخ حق الامتیاز، واقعاً یک نرخ حق الامتیاز نیست؟ 37
چوکات شماره 7: درس هایی از لایبریا 38
آیا شروط مالی باید مورد مذاکره مجدد قرار بگیرند؟ 38
حقوق بر سایر مواد معدنی و منابع طبیعی 39
مصارف پروژه چیستند؟ 39
کمک به مأمور مالیاتی 40
توصیه ها درباب شروط اقتصادی 40

ادامه محتویات

5. امنیت 41
توصیه ها درباب امنیت 43

6. اقدامات حفاظتی زیست-محیطی 44
چه کسی از محیط زیست مراقبت می کند؟ 45
تعهدات زیست-محیطی 45
پلان های پروژه و شمول اجتماع محلی 46
چوکات شماره 8: مشارکت عمومی – یک قاعده افغانی و بین المللی 47
چوکات شماره 9: تجربه پاپوآ گینه جدید 48
اختتام و بعد از اختتام 49
توصیه ها درباب اقدامات حفاظتی زیست محیطی 50

7. حقوق آب و زمین 51
نظارت بر اقدامات حفاظتی 51
استقرار مجدد 52
پرداخت غرامت 52
استفاده از آب 52
توصیه هایی درباره حقوق ارضی و آبی 54

8. ضروریات اجتماعی 55
پروگرام مساعدتی 55
اشتغال 55
صحت و مصؤنیت 56
مراقبت صحی 57
تعلیمات 58
مسکن 58
زیربنا و تأمین برق 58
انجام تعهدات 58
اگر پروژه تمام شود چه؟ 58
توصیه های مربوط به اقدامات اجتماعی 59

9. مسائل باستانی و سایر مسائل مربوط به ساحه 60
چوکات شماره 10: قوه میراث فرهنگی 61
توصیه هایی درباره مسائل مربوط به میراث فرهنگی و سایر خطرات ساحوی 63

10. ارزیابی ها و نظارت 64
چوکات شماره 11: دولت جمهوری اسلامی افغانستان تاکنون چه کرده است؟ 64
ارزیابی ها 64
نظارت 65
هیئت های مسلکی مستقل 66
توصیه هایی درباره ارزیابی و نظارت 68

نتیجه گیری 69

ضمیمه 1: جدول مناقصه عینک 70

ضمیمه 2: معلومات عمومی درباره شرایط قرارداد عینک 71

ضمیمه 3: روابط کنسرسیوم با جامعه محلی 73

نوت های پایانی 74

پیش گفتار

در اپریل 2012، Global Witness یک تحلیل مقایسوی یک تحلیل مقایسوی از قرارداد مس عینک و قرارداد طلای قره زاغان را منتشر کرد. عینک به یک کنسرسیوم چینی اعطا شد، درحالیکه امتیاز قره زاغان به یک شرکت افغانی تحت پشتیبانی گروهی از سرمایه گذاران مورد حمایت JP Morgan اعطا گردید. قره زاغان در سال 2011، سه سال بعد از عینک تحت نظام جدید وزارتی در وزارت معادن، به امضا رسید.[1]

قرارداد قره زاغان در دسترس عموم قرار دارد، و این تحلیل منحیث یک پیشرفت، این نکته رایادآوری کرده است. اما، درمجموع، دریافته است که مبنای قراردادی برای پروژه قره زاغان ضعیف تر از مبنای عینک بوده است. این بدان معناست که تاهنوز درسی از تجربه عینک فراگرفته نشده است.

Global Witness حالا در حال بازنگری قرارداد عینک است چرا که این قرارداد، منحیث اولین توافقنامه عمده استخراج معدن افغانستان و بزرگترین سرمایه گذاری خارجی کشور، آهنگ تمام مذاکرات مربوط به استخراج مواد معدنی و نفتی آینده افغانستان را تعیین می کند و باید معیاری نیرومند برای تمام سرمایه گذاری های آینده کشور وضع کند.

اسهام عاجل و فوری هستند. قرار است که طی ماه های آینده، بخش اعظم ارزشمندترین ذخایر معدنی و نفتی افغانستان به فروش برسد. پروژه عینک، خود در نقطه ای بحرانی قرار دارد، و باید درباره نحوه بهره برداری از معدن و پروسه جاری استقرار مجدد مردم محل تصمیم گیری شود. در یک کلام، بنیادهای این سکتور اساسی امروز در حال شکل گرفتن است.

این گزارش با ارائه یک بررسی دقیق از قرارداد عینک برآنست تا نکات آموزنده کلیدی که باید در حال حاضر باید در نظر گرفته شوند را خاطرنشان بسازد تا تضمین گردد که عینک و تمام پروژه های آینده در این محیط بسیار پیچیده و فرار- به مثل [محیط های] غربی و غیرغربی- برمبنای درست به پیش می روند:

وزیر اسبق معادن "ابراهیم عادل" (راست جلو) در حال مصافحه با "شن هتینگ" مدیر عمومی MCC، سهمدار اکثریت کنسرسیوم، در جریان مراسم امضای قرارداد عینک، کابل، می 2008. این قرارداد چوکات کاری اولین پروژه بزرگ استخراج معدن و بزرگترین سرمایه گذاری خارجی تابحال را تعیین می کند. تقویت این قرارداد و فراگیری درس های جدید برای معاملات جدید ضروری است، تا تضمین شود که مردم افغانستان از ثروت معدنی و نفت خویش بهره مند می شوند. (کریدت: تصاویر انجمن خبری/Landov)

خلاصه اجرایی

در 25 می 2008، دولت جمهوری اسلامی افغانستان (GIRoA) قراردادی را با یک کنسرسیوم دولتی از کشور چین برای استخراج بزرگترین معدن مس شناخته شده در کشور در ولایت لوگر به امضا رساند- امتیاز واگذاری عینک.[أ] طبق تخمین بانک جهانی، این معامله می تواند با خلق عاید 541 ملیون دالر در سال برای GIRoA از سال 2016،[2] و ایجاد 5000 فرصت شغلی و وارد کردن ضروری ترین سرمایه گذاری های زیربنایی، نقشی کلیدی در آینده افغانستان ایفا کند.[3] اما این منافع بالقوه با پنهانکاری در ضوابط قرارداد، حفاظ های مفقود یا مبهم پروژه و شروط کلیدی اقتصادی که ضرورت است بر سر آنها مذاکره مجدد صورت بگیرد، به شکل جدی تحلیل می یابند.

کار در محل پروژه از قبل تحت الشعاع چالش های مختلف قرار دارد. کشف بقایای باستانی ارزشمند فرهنگ بودایی پیشرفت پروژه را به تعویق انداخته است، و در عین حال حملات در محل و تهدیدات آدم ربایی علیه کارکنان، امکانپذیری پروژه را زیر سوال برده است. بنابراین حالا وقت اساسی برای بررسی و تقویت مبنای قراردادی برای پروژه است، تا اطمینان حاصل شود که [قرارداد] بنیان درست را برای موفقیت در پروژه فراهم می سازد، و همچنانکه نوبت به توافق بر سر معاملات جدید استخراج معدن می رسد، سابقه [حقوقی] مورد ضرورت را وضع می کند.

این واقعیت که قرارداد برای این پروژه عظیم و مهم منتشر نشده است فی نفسه مشکل قابل توجهی است. Global Witness پیش نویس قریب به نهایی اپریل 2008 این توافقنامه را حاصل کرده است. باآنکه حالت مطلوب حاصل نشده است، ارزیابی ضوابط پیش نویس به ما امکان داده است تا ساحات ضعفی که در عینک به رسیدگی فوری ضرورت دارند، و درس های مثبت و منفی که باید در مذاکرات آینده قراردادهای واگذاری مدنظر گرفته شوند را شناسایی کنیم.

ضرورت به انتشار قرارداد، توافقنامه های فرعی و اسناد مربوطه پروژه به شکل کامل و بدون تأخیر در صدر توصیه های ما قرار دارد. بر سر جزئیات بیشتر درباب تطبیق قرارداد باید توافق حاصل شود تا رأیی برای اجتماعات محلی حاصل شود، دربرابر مخاطرات امنیتی حفاظت صورت بگیرد و امکان نظارت و دیدبانی قوی تر فراهم گردد. مواد مشخصی که ضوابط اقتصادی بیش از حد مطلوب و دسترسی به سایر منابع را اعطا می کنند نیز باید فوراً مورد مذاکر مجدد قرار بگیرند.

تقویت مبنای قراردادی برای عینک برای دسترسی به این هدف شورای دولتی چین اساسی است:

"ایجاد یک محیط دوستانه برای آرای عمومی، گام نهادن در جاده پالیسی انکشاف صلح آمیز، و حفاظت از وجهه و اعتبار خوب کمپنیم".4

کنسرسیوم یک کمپ (پس زمینه) برای اسکان کارگران در معدن مس اعمار کرده است، درحالیکه کارگران (منظره جلو) به سرعت مصنوعات و ساختارهای باستانی آن ساحه را از زیر خاک بیرون می کشند. محل پروژه عینک دارای تاریخی غنی و پرآشوب است. این منطقه در مرکز پادشاهی باستانی و قدرتمند بودیسم قرار داشته است،[5] و در دهه های اخیر مورد استفاده قشون شوروی و نیز مرکز آموزشی القاعده بوده است، که سه تن از کسانی که بعدتر در حملات 11 سپتمبر اشتراک کردند آموزش دیده بودند امروزه، فعالیت اکتشاف در عینک به دلیل پیشینه این محل مختل شده است[6]

(کریدت: جیرومی استارکی).

أ: در این گزارش، اصطلاح "قرارداد عینک" برای ارجاع به قرارداد اصلی پروژه عینک، که نسخه نهایی آن از سوی GIRoA و کنسرسیوم متشکل از شرکت ساختمانی متالورژیک چین (MCC)/شرکت مس جیانگکسی لمیتد (JLC) در می 2008 به امضا رسید، بکار می رود. این اصطلاح توافقنامه های فرعی را که متعاقباً در رابطه با پروژه عینک به امضا رسیدند، در بر نمی گیرد.

قرارداد عینک از سوی کنسرسیوم MCC/JCL به امضا رسید اما شروط شامل در قرارداد به MCC مربوط می شوند. به این لحاظ کنسرسیوم یک شرکت عملیاتی به نام شرکت مواد معدنی عینک MCC-JCL (MJAM) را برای مدیریت پروژه عینک تأسیس کرده است. اما، برای سهولت در ارجاعات، تمام نهادهایی که از شرکت های سرمایه گذار در پروژه عینک نمایندگی می کنند در این گزارش به نام "کنسرسیوم" یاد می شوند.

یافته های اصلی ب

1. شفافیت: نی قرارداد عینک و نی توافقنامه های خط آهن، امنیت و سایر توافقنامه هایی که به این قرارداد پیوند داده شدند و متعاقباً امضا شدند، در زمان چاپ [این قرارداد] در اختیار عموم قرار نداشتند. این بدان معناست که مردم افغانستان، پارلمان کشور، اجتماعات محلی و بخش های بزرگ دولت افغانستان به سندی که برای آینده افغانستان اهمیت اساسی دارد دسترسی نداشتند.

همچنین ماده ای در قرارداد برای انتشار عمومی قراردادهای فرعی یا عرضه قراردادهای مذاکره شده از سوی کنسرسیوم، و نیز کدام ماده درخصوص انتشار مالکیت انتفاعی شرکت های امتیاز گرفته وجود ندارد. فهم مقصد و منظور تمام توافقنام های پروژه ها و اینکه چه کسانی از آنها منفعت می برند یک از پیش شرط های ضروری برای حفاظت دربرابر فساد است. تحقیقات Global Witness در کشورهایی مثل جمهوری دموکراتیک کنگو (DRC) و زیمبابوه، برای مثال، نشان داده است که چطور ابهام درخصوص موضوعاتی مثل مالکیت انتفاعی موجب بروز خطراتی چون فساد و تمویل خارج از بودجه برای دلالان قدرت می شود.

2. ساختار و تسوید قرارداد: قرارداد ارجاعات مثبتی به استندردهای بین المللی مثل "اصول استوا" را در بر دارد، و ضرورت به مدیریت مسئولانه را تصدیق می کند. اما، درباره نحوه اجرای این استندردها با ابهام سخن رفته است و به درستی تعریف نشده است، که این امر سوالاتی را درباب امکان و چگونگی تطبیق این استندردها در عمل طرح می کند.

یک شکاف اساسی در قرارداد اینست که ماده ای را برای یک مرحله تصمیم نهایی درباره اینکه آیا باید برمبنای ارزیابی کامل مصارف و منافع متوقعه اقدام به بهره برداری کرد و چه وقت باید این اقدام صورت بگیرد، طرح نکرده است. این بدان معناست که هیچ کس به این سوال رسیدگی نمی کند که: اگر مصارف متوقعه استخراج معدن برای مردم افغانستان (بشمول اثرات نامطلوب اجتماعی، زیست-محیطی، حقوق بشری و فرهنگی) از منافع آن فزونی یابد، چه می شود؟

همچنین این قرارداد به اصل "مصونیت دولت" ارجاع نمی دهد. این [اصل] دولت یا مؤسسات دولتی را قادر می سازد که در بعضی شرایط خاص درخواست مصونیت از اعمال صلاحیت قضایی محاکم یک دولت دیگر نمایند. از آنجا که کنسرسیوم قسماً تحت مالکیت جمهوری خلق چین قرار دارد، مگر آنکه تدابیر احتیاطی اتخاذ شود، این خطر وجود دارد که این اصل بتواند منحیث مانعی برای اقدامات قضایی علیه این کنسرسیوم در رابطه با پروژه عینک ادعا شود.

3. مشارکت اجتماع و میکانیزم های شکایت: اعضای اجتماع در مصاحبه هایی که با Global Witness داشتند تشویش های جدی را درباره اثرات پروژه مطرح ساختند. اما، قرارداد مشوره با اجتماع محلی را الزامی نمی داند، و مکانیزمی برای رسیدگی به تشویش ها و شکایات این اجتماع وضع نمی کند. اگر از انجام تعهدات قرارداد امتناع شود، تنها راه مراجعه عدلی برای اجتماع از طریق پروسه حکمیتِ بسته است- به این معنا که آنها برای اقامه دعوا به نمایندگی خود باید به دولت اتکا کنند. در یوگاندا، ارجاع یک منازعه جاری مالیاتی برای یک پروژه عمده نفتی به حکمیت در سال 2011 موجب نارضایتی و شکوه مردم شد چرا که این کار به این معناست که شهروندان از اقدامات قضایی و فیصله هایی که می تواند تأثیرات قابل توجه بر زندگی آنها داشته باشد بی خبر نگهداشته می شوند.

وزارت معادن و کنسرسیوم در تلاش است تا این شکاف قراردادی را پر کند و مشکلات محلی را با انجام مشاوره های محلی و وضع یک "میکانیزم رسیدگی به شکایات" آسان بسازد. اما، بدون دسترسی به قرارداد، اسناد پروژه یا حمایت برای فهم کامل اثرات ممکنه، اجتماع در وضعیت نامساعد قرار می گیرد و قادر به اشتراک کامل نخواهد بود. در عین حال، چنانچه در ضوابط و شرایط قرارداد تصریح نشود، کنسرسیوم قانوناً مکلف به دخالت در این فعالیت ها نمی باشد. تأسیس یک پروسه قابل اعتماد و مطمئن برای رسیدگی به تشویش ها در حفظ مشارکت محلی و پیشگیری از شکایت هایی که موجب تشدید خصوت و تعارض در اطراف معدن می شوند، نقش محوری دارد.

4. مواد اقتصادی: افغانستان در مقام کسب عواید معتنابه از طریق پرداخت ها برای حقوق دسترسی، حق الامتیازها و مالیات ها قرار دارد. اما، پوتنشیل اقتصادی با ماده ای که می تواند امکان مطابقت در آینده را در صورتی که یک شرکت دیگر که روی یک پروژه معدن بدیل کار می کند با یک نرخ حق الامتیاز متفاوت با دولت به توافق برسد، فراهم می سازد، تحلیل رفته است. این [ماده] نی تنها بر معاملات مس، بلکه بر هرآن ماده معدنی دیگر، صرفنظر از ارزش مقایسوی بازار قابل تطبیق است، که این حالت نرخ حق الامتیاز را در معرض مذاکره برای کاهش در آینده قرار می دهد و فرصت های سرمایه گذاری آینده را با حذف انگیزه معاملات "معقول" حق الامتیاز برای سایر مواد معدنی کاهش می دهد.

به همین نحو، به نظر می رسد که قرارداد یک دوره انحصاری شش ماهه داوطلب شدن برای مواد معدنی یا سایر منابع طبیعی کشف شده در ساحه پروژه را به کنسرسیوم می دهد. این کار راه کنسرسیوم برای تقاضای حقوق به یک سلسله منابع به شمول زغال، چوب و آب را، مستقل از کار آن روی امتیاز عینک، هموار می سازد.

هر دو ماده می تواند برای کنسرسیوم بسیار ارزشمند باشد، و اثرات بالقوه بسیار عظیمی بر استفاده از منابع و منافع اقتصادی در سطوح محلی و ملی داشته باشد. در حال حاضر، توازن این مواد به شکل مفرطی به نفع کنسرسیوم و است و ضرورت است که دوباره بر سر آنها مذاکره صورت بگیرد.

غیر از نرخ اصلی حق الامتیاز، ارزیابی کامل اثر اقتصادی معامله غیرممکن است چرا که معلومات اساسی در دسترس قرار ندارد – برای مثال، تفصیلات توافقنامه های مربوطه در بخش زیربنا مثل خط آهن. منافع اجتماعی و اثرات بالقوه اجتماعی و زیست-محیطی قیمتگذاری و وارد محاسبات نمی شوند. تا زمانی که این معلومات برای ارزیابی در دسترس قرار نگیرند، تضمنات مالی معامله برای مردم افغانستان مبهم باقی می ماند.

5. امنیت: برای تضمین امنیت اطراف عملیات های استخراج معدن، GIRoA یک واحد حفاظت از استخراج معدن (MPU) خاص را ترتیب داده است. اما تجربه بین المللی نشان داده است که این نیروها، بدون تدابیر حراستی، می تواند به بخشی از مشکل تبدیل شوند.

مثال های متعدد ناراحت کننده ای از مشکلاتی که می تواند پیش بیاید وجود دارد. برای مثال، در پیرو معترضین علیه یک معدن ماین مدعی بودند که مورد شکنجه و سوء استفاده جنسی پولیس پیرو قرار گرفته اند، و در عین حال در DRC، اعضای اردوی کنگو و گروه های مسلح مالیات های غیرقانونی در بدل دسترسی به معادن وضع می کردند.

ب ارجاعات مربوط به نکات شامل در این بخش را می تواند در متن اصلی گزارش یافت.

پولیس از مجمتع پروژه عینک حراست می کند. دولت افغانستان برای تأمین امنیت در محلات استخراج معدن افغانستان واحد حفاظت از استخراج معدن را با 1700 پرسونل در عینک مقرر کرده است و برای تقرر مجموعاً 7000 افسر پولیس برای پروژه های آینده پلان دارد.
(کریدیت: برنت ای. هافمن، رجوع کنید به https:// www.facebook.com/buddhasofaynak).

قرارداد به "اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر" ارجاع می دهد که رهنمودهای روشنی درباب اقداماتی که شرکت و دولت برای حفاظت در برابر سوء استفاده های حقوق بشری از سوی نیروهای امنیتی باید اتخاذ کنند، ارائه می کند. اما، آنها صرفاً در صورتی مفید هستند که به اجرا درآیند. مگرآنکه جناح درباره نحوه اجرای اصول توافق کنند و آن را منتشر بسازند، و اجرای آن تنفیذ گردد و مورد نظارت قرار گیرد، این اصول بی فایده هستند و پوسته ای از استندردهای بین المللی را ارائه می کنند که با واقعیت پشتیبانی نمی شود.
یک تشویش عمده اینست که ترتیبات گسترده تر امنیتی برای پروژه عینک در یک توافقنامه جداگانه که در اختیار عموم قرار داده نشده است، بیان شده است. ممکن است نکات مشخصی مثل موقعیت های دقیق نیروهای امنیتی وجود داشته باشد که باید بنابه دلایل امنیت ملی محرمانه نگهداشته شود. اما، سایر موارد می توانند و باید در اختیار عامه قرار بگیرند، بشمول معلومات اساسی درباب اختیار MPU، ترتیب و مسئولیت های مربوطه دولت دولت و شرکت در قسمت امنیت و رسیدگی به شکایاتی که علیه نیروهای امنیتی طرح می شود. قطعاً، باید مشخص باشد که نیروهای امنیتی چطور بخاطر هرآن مورد سوء رفتار مورد استجواب قرار می گیرند.

6. حفاظ های زیست-محیطی: احتمالاً پروژه عینک، با توجه به اندازه و محل آن، اثرات زیست-محیطی جدی به همراه دارد. این خطرات که پروژه می تواند فشار اضافی بر منابع آب وارد کند و یا منجر به آلودگی آب شوند، خصوصاً با توجه به انشعابات بالقوه- برای مثال بر منبع تأمین آب ولایت کابل- ضرورت به ملاحظه خاص دارند.

خوشبختانه، قرارداد کنسرسیوم را متعهد می سازد که به مشکلات زیست-محیطی رسیدگی کند و از استندردهای بین المللی تبعیت نماید. اما، الزامی در این خصوص که اثرات زیست-محیطی مورد نظارت قرار گیرند تا که اثرات نامطلوب بتوانند مورد شناسایی و رسیدگی سریع قرار بگیرند وجود ندارد. قرارداد همچنین وزارت معادن را مسئول تأیید ارزیابی های زیست-محیطی تعیین نموده است- که این کار به شکل بالقوه فشار عمده ای بر ظرفیت این اداره وارد می کند و ریسک تعارض منافع را به بار می آورد.

قرارداد مشوره گیری از عامه را درباب حفاظ های زیست-.محیطی یا انتشار معلومات مربوطه الزامی نمی پندارد. این حالت برعلیه نظارت مستقل حفاظت های مهم زیست محیطی عمل می کند و می تواند مشارکت عمومی در پروژه را کاهش دهد.

سهمدار اکثریت کنسرسیوم، MCC، یک مناقشه زیست-محیطی را در کشور پاپوا گینه جدید گذرانده است. از سال 2010، پروژه معدن نیکل "رامو نیکو"ی آن درگیر یک منازعه طولانی برسر دعواهای صاحبان زمین های محلی مبنی بر اینکه روش انتخابی برای دفع ضایعات از پروژه می تواند اثرات زیست-محیطی نامطلوب جدی داشته باشد، بوده است. با آنکه محکمه سرانجام به نفع شرکت رأی صادر کرد، این منازعه سبب تأخیرات معتنابه در تولید شد، که ملیون ها دالر مصارف به بار آورد و سبب تبلیغات منفی رسانه ها برعلیه شرکت شد- که شرکت ها و نیزدولت خواهان پیشگیری از تکرار اینها در افغانستان خواهند بود.

7. حقوق زمین و آب: قرارداد حاوی شروط مهم برای محدود ساختن اثرات پروژه بر استفاده از آب است تا تضمین کند که با موضوعات مربوط به زمین به شکل مناسب رسیدگی می شود و غرامت آن پرداخت می گردد.

به طور مثال، برای آب، قرارداد صریحاً کنسرسیوم را از استفاده از آب زراعتی یا از محروم کردن هرآن کاربر فعلی از آبی که به شکل عادی برای زمین ها، قریه جات، منازل یا حیوانات خود استفاده می کند، منع ساخته است. در کشوری که عمدتاً وابسته به زراعت و مالداری است، و منابع آبی آن قبلاً تحت فشار هستند، این یک اقدام حفاظتی کلیدی محسوب می شود، خصوصاً با توجه به ماهیت آب-بر استخراج معدن مس.

اما، این شروط مثبت با عدم انتشار قرارداد- که به معنای عدم آگاهی اجتماع محلی از حقوقی که تحت ضوابط آن دارند، می باشد- تضعیف می گردد. همچنین سوالاتی درباره نحوه انجام رهنمودهای بین المللی در عمل، و مسئله اساسی نحوه نظارت بر اجرای قرارداد وجود دارد.

8. بسته اجتماعی: قرارداد کنسرسیوم را متعهد به انکشاف و تمویل یک برنامه کمکی برای ساحه محلی می کند، اما مشوره درباره پروژه را صرفاً با مقامات دولتی محدود می کند، و نی اجتماعات- که این خطر ایجاد یک پروژه فیل سفید [پرخرج و کم فایده] که ضروریات محلی را برآورده نمی سازد را به همراه دارد. همچنین قرارداد فاقد تعهدات درباب کیفیت زیربنایی که قرار است ارائه شود، می باشد –خالیگاهی که باید مورد رسیدگی قرار بگیرد.

دریای کابل در منظره نزدیک جلال آباد، افغانستان. دریای 700 کیلومتری آبگذر اصلی در بخش شرقی افغانستان است. چنانچه اقدامات حفاظتی مستحکمی طرح نشوند، پروژه عینک می تواند پیامدهای عمده ای برای محیط زیست افغانستان- خصوصاً آب و زمینی که مردم افغانستان به آن وابسته هستند- داشته باشد. تعهدات مثبت در قرارداد عینک برای حفاظت از محیط زیست و به حداقل رساندن اثرات نامطلوب حالا باید با طرزالعمل های مفصل مورد پشتیبانی قرار بگیرد و اجرا شود. *(کریدت: AP/انجمن مطبوعاتی).*

یک سوال بنیادی تر اینست که آیا شرکت های استخراجی اصولاً باید مستقیماً خدمات اجتماعی و زیربنا را مستقیماً فراهم و یا تمویل کنند یا خیر. ریسکی وجود دارد در این مورد که دولت دیگر در ساحه معدن، مکتب و شفاخانه فراهم نکند، به این دلیل که آنها قبلاً از سوی شرکت ها تأمین می شوند. این کار می تواند مردم محل را مورد احسان شرکت های استخراج معدن قرار دهد. برای مثال، مردم محل ممکن است، منحیث تنها راه دریافت خدمات اساسی، وادار به توافق با استخراج معادن شوند.

خوشبختانه، در قسمت استخدام، قرارداد کنسرسیوم را متعهد به آموزش و استخدام فیصدی مشخص شده از اتباع ملی افغانستان در سطوح مختلفی مهارتی می کند. اما، این ماده برای به قراردادی های فرعی لازم الاجرا نیست و بنابراین ممکن است اثر آن محدود شود.
ماده 39(أ) به کنسرسیوم اجازه می دهد که کارکنان افغان "طبق ضوابط قابل قبول برای [کنسرسیوم]" استخدام کند. این ماده توپ را در میدان کنسرسیوم قرار می دهد و می تواند در عمل به ضرر جمعیت افغان باشد.

9. مسائل مربوط به میراث فرهنگی و سایر ریسک های مختص به ساحه:
قابل تصدیق است که میراث فرهنگی غنی افغانستان یک منبع افتخار ملی است. این میراث، چنانچه بخوبی مدیریت شود، می تواند با ارائه سمبول های تاریخ جمعی به اقوام متنوع افغانستان یک عامل مهم اتحاد باشد و می تواند بنیان صنعت سیاحت در آینده را فراهم بسازد.

متأسفانه، میراث تاریخی افغانستان قبلاً طی سال ها چپاول و مشخصاً با نابودسازی عمدی در رژیم های سابق صدمه دیده است. بسیار تراژیک خواهد بود اگر نابودی میراث فرهنگی افغانستان، که نابودی مجسمه های بامیان از سوی طالبان ممثل آن است، در جستجو برای ثروت ناشی از مواد معدنی دوام و مشروعیت یابد. ساحه عینک، منحیث بخشی از سلطنت باستانی و قدرتمند بودیسم، از اهمیت تاریخی خاص برخوردار است. این ساحه در دهه 1960 منحیث یک محل باستانی شناسایی شده است و یک تیم باستانشناسی در سال 2004 مطالعات خویش را در آنجا آغاز کردند. تابحال، باستانشانسانی که در محل کار می کنند از صومعه ها، تندیس ها، مجسمه ها و دیگر آثار و مصنوعات باستانی با قدامت صدها سال خاکبرداری کرده اند.
با وجود این، قرارداد شامل ماده ای برای برخورد با محلات عمده باستانی در ساحه پروژه عینک نمی باشد. دولت و کنسرسیوم در حال همکاری هستند تا تضمین کنند که مصنوعات برآمده از منطقه عینک به شکل مناسب منتقل می شوند اما سوالاتی درباره اینکه آیا این اقدامات برای حفاظت از میراث بی قیمت افغانستان کافی هستند یا خیر، همچنان باقی می مانند.

10. ارزیابی ها و نظارت: قرارداد عینک ارزیابی اثرات زیست-محیطی و اجتماعی پروژه را الزامی می سازد و دیدارهای نامحدود رسمی برای نظارت بر محل را اجازه می دهد. اما، ماده ای برای روزآمدسازی ارزیابی ها در آینده، یا برای ارزیابی های اضافی در ساحاتی مثل حقوق بشر، وجود ندارد.

در قسمت نظارت، قرارداد به مفتشین رسمی اجازه می دهد که در "تمام اوقات معقول" از محل دیدار کنند، و کنسرسیوم را مکلف می سازد که گزارش های منظم به وزارت معادن ارائه کند و هرآن معلومات درخواستی دیگر را عرضه کند. اما، یک شکاف قابل توجه اینست که محدوده زمانی برای پاسخدهی کنسرسیوم به درخواست رسمی برای معلومات و اسناد مشخص نشده است.

یک هیئت متخصصین مستقل در حال حاضر از سوی بانک جهانی تمویل می شود و حداقل یک گزارش درباره قرارداد عینک تهیه کرده است- اما گزارش های آن در حال حاضر در اختیار عامه قرار ندارند، و دسترسی به این هیئت تابع تصویب قبلی وزارت معادن می باشد. از این جهت، قضاوت در مورد اینکه آیا هیئت واقعاً مستقل است، و اگر چنین است آیا این مشاوره مستقل با توجه به اینکه در معرض هیچگونه بررسی خارجی مورد دسترس عموم قرار نمی گیرد ارزش واقعی دارد یا خیر، کار دشواری است.

گذشته از این هیئت، نقش مهمی برای نهادهای مستقل مثل جامعه مدنی برای انجام در تأمین نظارت بر پروژه و ارائه بازخورد به مشاهدات و تشویش های اجتماع وجود دارد. اما، ماده ای برای اعطای حق دسترسی این نهادها به محل پروژه، به اجتماعات محلی یا به اسناد و معلومات کلیدی پروژه وجود ندارد.

در سطح وسیعتر، باید تصدیق شود که جامعه مدن برای کسب مهارت و تجربه در خصوص آنچه که یک سکتور جدید در افغانستان است به زمان و پشتیبانی ضرورت دارد. خطرات فزیکی، حقوقی و سیاسی که ممکن است با انجام تحقیق و صحبت درباره موضوعاتی که می تواند بسیار حساس باشد، به وجود بیاید، نیز باید مورد شناسایی و رسیدگی قرار بگیرد. تنها با ایجاد یک فضای واقعی برای گروه های جامعه مدنی، آنها می توانند سهم خود را در تقویت حاکمیت سکتور استخراجی ایفا کنند.

در سطح وسیعتر، باید تصدیق شود که جامعه مدن برای کسب مهارت و تجربه در خصوص آنچه که یک سکتور جدید در افغانستان است به زمان و پشتیبانی ضرورت دارد. خطرات فزیکی، حقوقی و سیاسی که ممکن است با انجام تحقیق و صحبت درباره موضوعاتی که می تواند بسیار حساس باشد، به وجود بیاید، نیز باید مورد شناسایی و رسیدگی قرار بگیرد. تنها با ایجاد یک فضای واقعی برای گروه های جامعه مدنی، آنها می توانند سهم خود را در تقویت حاکمیت سکتور استخراجی ایفا کنند.

به تازگی، یک آرامگاه یا مقبره باستانی بودایی در منطقه عینک مورد حفاری قرار گرفته است. فعالیت اکتشاف در عینک بخاطر گذشته آن مختل شده است. ضرورت به خاکبرداری مصنوعات تاریخی و پاکسازی ماین های زمینی جاگذاری شده در دوره شوروری فعالیت های معدنکاری در این محل را به تعویق انداخته است.
(کریدت: جیرومی استارکی).

توصیه های اساسی

توصیه های تفصیلی برای جوانب ذیدخل در متن ذیل بیان شده است. برمبنای ارزیابی ما، توصیه های اساسی Global Witness برای GIRoA و کنسرسیوم درباره پروژه عینک به قرار ذیل اند:

1. **انتشار قرارداد، توافقنامه های فرعی و اسناد مربوطه پروژه به شکل کامل و بدون تأخیر.**
2. **توافق و انتشار طرزالعمل های تفصیلی برای اجرای قرارداد. این طرزالعمل ها باید موادی را که رأیی برای اجتماعات محلی فراهم می کند بگنجانند، دربرابر مخاطرات امنیتی حفاظت کنند و نظارت و دیده بانی قوی تر و بازتر را امکانپذیر بسازند.**
3. **مذاکره مجدد بر سر شروط 6 و 20 (ج) را که ضوابط اقتصادی بیش از حد مطلوب و دسترسی به سایر منابع را اجازه می دهند.**

برای تمام پروژه های مواد استخراجی، GIRoA و شرکت های استخراجی مربوطه باید:

- طبق حکم جولای 2012 رییس جمهور کری، تمام توافقنامه های استخراج معدن، توافقنامه های فرعی و معلومات مهم پروژه را به شکل کامل، همراه با تفصیلات مربوط به مالکیت انتفاعی شرکت ها، در وبسایت های مربوطه وزارت و به شکل چاپی در موقعیت های تعیین شده قابل دسترس در محلات پروژه، با ترجمه دری و پشتو منتشر بسازند.
- متعهد شوند که استندردها و اصول مربوط به مناسب ترین و بهترین رویه بین المللی برای هر مرحله تمام پروژه های استخراجی را تطبیق می کنند، و درباره پروسه هایی که نحوه اجرای این استندرها را مشخص می کنند به توافق برسند و آنها را منتشر بسازند.
- قبل از اعطای اجازه اجرای هرآن پروژه جدید استخراجی یا بهره برداری از هرآن امتیاز واگذاری که قبلاً اعطا شده است، تمام منافع و مصارف متوقعه (بشمول اثرات زیست-محیطی، اجتماعی، حقوق بشری، فرهنگی و اقتصاد محلی) را ارزیابی کنند و نتایج این ارزیابی ها را منتشر کنند.
- متعهد شوند که اجتماع محلی و عامه مردم را در تمام جنبه های پروژه های استخراج معدن، بشمول تصمیم گیری اولیه درباره اینکه آیا اکتشاف و بهره برداری آغاز شود یا خیر، در ابتدای کار و به شکل مناسب دخالت بدهند.
- تضمین کنند که میکانیزم های شکایت از طریق مشوره با اجتماع متأثر طراحی شده است و شامل حفاظ هایی علیه فساد در سطح محلی یا ملی می باشد. ارجاعات نهایی نهادهای رسیدگی به شکایات باید منتشر شود و شرکت های استخراج معدن باید توافقنامه های خود برای پیروی از تصمیمات این نهادها را به نشر بسپارند.
- تضمین کنند که کارمندان MPU منحصراً از بین واحدهای آموزش دیده خاص و مورد اطمینان پولیس ملی استخدام می شوند، و تمام توافقنامه های استخراج معدن "اصول داوطلبانه" درباب امنیت و حقوق بشر که با الزامات کامل گزارشدهی پشتیبانی می شوند را ارجاع می دهند. شرکت های استخراج معدن را ملزم بسازند که برای حصول اطمینان از اینکه عملیات های آنها به خشونت و سوء استفاده های حقوق بشری کمک نمی کند تلاش مفتضی را انجام دهند.
- تضمین کنند که ظرفیت برای نظارت رسمی مؤثر بر پروژه های استخراج معدن وجود دارد، و از جامعه مدنی، پارلمان و رسانه ها برای نظارت مستقل بر بخش استخراجی حمایت کنند.
- به منظور فراهم ساختن امکان نظارت بیشتر بر پروژه های اصلی از سوی هیئت های متخصصین مستقل با جامعه بین المللی همکاری کنند. ارجاعات و گزارش های این هیئت ها باید به نشر برسند و دسترسی به آنها باید مستقل از GIRoA باشد.

اجتماع بین المللی باید:

- انکشاف ظرفیت و چوکات های کاری برای مدیریت و نظارت مؤثر بر پروژه های استخراجی را اولویت بندی کنند. تضمین کنند که این رویکرد در رویکرد اتخاذشده از سوی مشاورین تمویل شده بین المللی انعکاس یافته است.
- برای ظرفیت سازی در نهادهای GIRoA (ملی یا محلی)، پارلمان، جامعه مدنی و اجتماعات متأثر وجوه مالی، آموزش و حمایت بیشتر فراهم کنند تا تضمین شود که آنها می توانند در نظارت بر سکتور استخراج معدن دخالت مؤثر داشته باشند.
- شفافیت قرارداد، مشارکت اجتماع، و اقدامات حفاظتی اجتماعی، زیست-محیطی، حقوق بشری و فرهنگی را در چوکات های مشترک نظارت و ارزیابی برای مساعدت انکشافی به افغانستان ملحق بسازند. پرداخت های کمک های آینده را باید با عملکرد در برابر این معیارها پیوند بدهند.
- تصریح کنند که مشاورینی که برای ارائه مشاوره و حمایت به GIRoA درباره پروژه های استخراجی از سوی جامعه بین المللی تمویل می شوند از نمایندگی متعاقب از همتاهای شرکت در همان پروژه ها منع شده اند.
- همراه با GIRoA، اقداماتی را برای تضمین اینکه هیئت مشورتی مستقل از صلاحیت فعالیت کاملاً مستقل برخوردار است، و صلاحیت، ترکیب و گزارش های این هیئت به نشر می رسند، اتخاذ کنند.

مقدمه

سکتور استخراجی افغانستان- پوتنشیل و چالش ها

همچنانکه افغانستان به آینده بعد از انتقال سال 2014،[c] خویش نظر می افکند، پوتنشیل عظیم مواد معدنی و نفتی آن اهمیت اساسی می یابد. ارزش کمک های خارجی به این کشور برابر 15.7 ملیارد دالر در سال 2010/11 بود- که معادل نزدیک به 100% محصول ناخالص داخلی این کشور می باشد.[8] همانطورکه با اتخاذ مسئولیت کامل امنیت و اصلاحات خدمات شهری مخارج GIRoA[d] افزایش می یابد،[9] جستجوی یافتن راهی افزایش عواید ملی و کاهش و سرانجام، قطع وابستگی افغانستان به کمک های خارجی در آینده ادامه دارد. تلاش ها برای یافتن راه حل بر صنایع استخراجی و طرح های ابتکاری مرتبط به آن، "دهلیز منبع" و "راه ابریشم جدید"، متمرکز هستند.[e10]

اعلام وجود ذخایر به ارزش الی 3 تریلیون دالر از سوی دولت به شکل ذخایر معدنی و نفتی بشمول عناصر نادر، مس، آهن، طلا، نفت، کرومیت و یورانیم انتظارات مبنی براینکه استخراج معدن و کسب و کارهای پیش بینی شده مشتق از آن می تواند پاسخ نیازهای مالی آینده افغانستان باشد را برانگیخته است.[11] دو معدن منحیث منابع کلیدی عاید بالقوه ملی شناخته شده اند- ذخایر مس عینک در ولایت لوگر و ذخایر آهن حاجیگک در ولایت بامیان. طبق گزارش بانک جهانی، این معادن سالانه به طور متوسط 900 ملیون دالر الی سال 2031 عاید ایجاد خواهند کرد.[12] گروهی از واگذاری های کوچکتر نیز، با ظرفیت خلق 1 ملیارد دالر در سال تا همان تاریخ، در حال اعطا شدن است.[13]

صنایع استخراجی افغانستان، چنانچه بخوبی مدیریت شوند می توانند نیروی محرک انکشاف پایدار باشند و به رهایی کشور از وابستگی به کمک خارجی یاری کنند. اما، تجربه سایر کشورهای دارای منابع غنی مثل کمبوجیا، DRC، عراق، لیبیا و سیرالئون اخطار می دهد که بهره برداری از منابع می تواند شرایط فعلی خصومت، فساد، فرسایش زیست-محیطی، بیکاری و فقر را تشدید کند.

در خود افغانستان، منابع طبیعی دارای سابقه تمویل و تأمین فعالیت های خصومت آمیز است. مواد معدنی، احجار کریمه، زمین، و چوب یک منبع اساسی تمویل جنگ در جریان اشغال نیروهای شوروی، و در سال های متعاقب جنگ داخلی و حاکمیت طالبان بودند. امروزه، بسیاری از معادن در کشور همچنان از سوی اتحادیه های قاچاق جرمی و شبکه های شورشیان مورد بهره برداری قرار می گیرد.[14] ظرفیت پایین دولت در تنظیم عملیات های استخراج معدن نیز می تواند مستقیماً شکایت باشندگان محل را از طریق عدم پذیرش حقوق اشخاص بر زمین، آب و وسایل معیشت برانگیزد. طبق تحقیق خود ISAF این شکایت های محلی یکی از محرک های اصلی حمایت از شورشیان است.[15]

با توجه به تاریخ و شرایط فعلی افغانستان، سرعت، میزان و رویکرد به انکشاف سکتور مواد معدن می تواند ریسک های متوجه ثبات و رشد اقتصادی آینده کشور را افزایش دهد.

وزیر معادن وحیدالله شهرانی و سفیر سابق ایالات متحده کارل دبلیو. آیکنبری. جامعه بین المللی تعهدات مستحکم نسبت به حاکمیت درست در سکتور صنایع استخراجی افغانستان صورت داده است. در ماه می 2012، ایالات متحده یک توافقنامه همکاری استراتژیک را با افغانستان منعقد کرد، که شامل تعهد به حمایت از "تلاش های افغانستان برای حاکمیت بر ثروت منابع طبیعی خود از طریق یک چوکات کاری حسابده، کارآمد، مؤثر و شفاف که برمبنای بهترین رویه بین المللی ایجاد شود و از آن تفوق یابد" می باشد.

(کریدیت: وزارت امور خارجه، ایالات متحده/ Creative Commons).

c: تحت پروسه انتقال، مسئولیت کامل امنیت افغانستان در سال 2014 به نیروهای امنیتی ملی سپرده خواهد شد. در عین زمان، کشور مسئولیت کامل انکشاف خویش را برعهده خواهد گرفت.

d: در این گزارش، اصطلاح GIRoA به ادارات دولت میزبان که در سکتور مواد استخراجی افغانستان دخیل هستند اطلاق می شود. نهادهای کلیدی مربوطه عبارتند از: وزارت معادن که مسئولیت اصلی تنظیم، مدیریت و نظارت بر صنایع استخراجی را برعهده دارد؛ NEPA که طبق قانون محیط زیست، مسئولیت اصلی مسائل زیست-محیطی را بر عهده دارد؛ وزارت مالیه مسئول مدیریت مالی و وصول عواید مرتبط با استخراج معادن؛ وزارت امور داخله مسئول واحد حفاظت از استخراج معادن که امنیت محلات معدن را تأمین می کند؛ وزارت اطلاعات و فرهنگ مسئول موضوعات مربوط به باستانشناسی محل معدن؛ و شورای بین وزارتی (IMC) مسئول نظارت و تصویب داوطلبی قراردادهای کوچک و متوسط استخراج معدن و تصویب قراردادهای بزرگ استخراج معدن برای اجرا می باشد. سایر ادارات مهم شامل شورای وزیران که (همراه با پارلمان) موظف به تصویب قراردادهای بسیار بزرگ استخراج معادن هستند، و دفتر رییس جمهور و وزارت عدلیه می باشند.

e: بانک جهانی "دالان منبع" را به مثابه یک سلسله سرمایه گذاری ها و اقدامات برای کمک گرفتن از سرمایه گذاری های در مقیاس وسیع صنعت مواد استخراجی در ساحه های زیربنا، اجناس و خدمات برای ایجاد اقتصادی پویا و برخوردار از گزینه های متنوع سازی در یک ساحه جغرافیوی مشخص تعریف می کند. "جاده ابریشم جدید" یک طرح ابتکاری با پشتیبانی ایالات متحده برای انکشاف یک شبکه ترانسپورت، تجارت و انرژی در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی با افغانستان در قلب این [شبکه] می باشد.

چوکات شماره 1: نقش مرکزی جامعه بین المللی[16]

برای حمایت از استقلال اقتصادی افغانستان، جامعه بین المللی در حال همکاری با GIRoA به منظور انکشاف سریع سکتور مواد استخراجی کشور تا سال 2014 است. مساعدت آنها تا به امروز نقشی اساسی در سکتور ایفا کرده است و انکشاف ذخایر استخراجی عمده افغانستان را امکانپذیر ساخته است.

دونرها بشمول بانک جهانی، ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و آسترالیا مساعدت تخنیکی، حقوقی و مالی برای فعالیت هایی از قبیل موارد ذیل فراهم کرده اند:

- ترجمه و ارزیابی معلومات جیولوژیک جمع آوری شده در دوره شوروی، و انجام سروی های جدید جیولوژیک؛
- طرح و اصلاح قوانین، مقررات و پالیسی ها برای این سکتور؛
- راه اندازی و مدیریت پروسه ها و برنامه های داوطلبی برای جذب سرمایه گذاری بین المللی به سکتور؛
- مشاوره و حمایت حقوقی در مذاکرات قراردادهای مربوط به مواد استخراجی و قراردادهای زیربنایی مربوطه؛
- اجرا و نظارت بر پروژه های استخراج معدن؛
- ظرفیت سازی در وزارت معادن و سایر ادارات GIRoA؛ و
- حمایت از کار افغانستان برای حصول اعتبار تحت "طرح ابتکاری شفافیت در صنایع استخراجی".

این حمایت علاقه ای منحصربه فرد و قدرت نفوذ بر تعیین چوکات های کاری مستحکم حاکمیت برای بخش از ابتدای کار می دهد.

تشخیص ریسک- تعهد به بهترین رویه

GIRoA و جامعه بین المللی قبلاً ریسک های همبسته به انکشاف سکتور مواد استخراجی افغانستان را تصدیق کرده اند. کانفرانس بین المللی 2011 افغانستان در بن آلمان بر اهمیت بهترین رویه بین المللی برای تضمین اینکه ثروت معدنی افغانستان مستقیماً به مردم افغانستان منفعت می رساند، عاید حاصل می شود و از محیط زیست حفاظت صورت می گیرد، تأکید داشت. با ابتنا بر این، اعلامیه 2012 توکیو GIRoA و شرکای بین المللی آن را به "ایجاد یک "چوکات انکشاف صنایع استخراجی" که بر ثروت طبیعی افغانستان از طریق یک میکانیزم حسابده، کارآمد، مؤثر و شفاف که مبتنی بر بهترین رویه های بین المللی ساخته می شود و از آنها تفوق می یابد" متعهد ساخت."[17]

در جولای سال 2012، رییس جمهور کرزی حکمی صادر کرد که انتشار کامل تمام قراردادهای امضاشده در سه سال گذشته با شرکت های ملی و بین المللی را الزامی می ساخت.[18] این حکم یک گام بیشتر برای سکتور مواد استخراجی بر می دارد و وزارت معادن را مکلف می سازد که پلانی برای شفافیت قرارداد "برمبنای اصول توافق شده بین المللی و با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به آینده کشور" طرح کند- و بازهم صریحاً بیان می کند که قراردادها باید به شکل کامل (بجای انتشار به شکل خلاصه) منتشر شوند.[f]

این حکم مبتنی بر اقدامات مثبتی است که افغانستان قبلاً اتخاذ کرده است. یک انکشاف خوشایند عبارتست از کاندیداتوری افغانستان برای "طرح ابتکاری صنایع استخراجی"- یک استندرد جهانی که شفافیت عواید را ترویج می دهد، همچنانکه توافقنامه "تذکاریه تفاهم" بین وزارت های مالیه و معادن "برای همکاری بر سر شفافیت در عواید استخراج معدن و مبارزه با فساد" است.[19]

وزیر معادن، وحیدالله شهرانی همچنین به انجام عملیات های استخراج معدن "با شفافیت کامل"، و انتشار تمام معلومات قرارداد به لسان های ملی و لسان انگلیسی در ظرف 48 ساعت از اعطای هر قرارداد، تعهد بسته است.[21h]

گزارش ذیل بررسی می کند که چطور اولین و بزرگ ترین قرارداد واگذاری معادن افغانستان تا به امروز- واگذاری امتیاز مس عینک- از این تعهدات فصیح ستودنی حمایت می کند.

درنگ و تأمل درباره قرارداد عینک حالا بنابه دو دلیل اهمیت اساسی دارد:

- **برای تضمین اینکه پروژه عینک بر مبنای درست انجام می شود:** عینک یک پروژه عظیم برای افغانستان است، و چوکات کاری تعیین شده قبل از آغاز بهره برداری، تعیین خواهد کرد آیا پروژه به افغانستان به منفعت به بار خواهد آورد یا کشور را متضرر خواهد ساخت. اهمیت اساسی دارد که نقاط ضعف در قرارداد هرچه سریعتر مورد شناسایی و رسیدگی قرار بگیرند، تا تضمین شود که پروژه از قوی ترین مبنای ممکن برخوردار است.
- **برای تطبیق درس ها [ی آموخته شده از این قرارداد] به قراردادهای آینده.** عینک، منحیث اولین اعطای امتیاز بزرگ مواد معدنی کشور، نقطه مرجعی است برای تمام قراردادهای دیگر واگذاری امتیاز، اعم از بزرگ و کوچک. مشخصاً، قرارداد بسیار عظیم آهن حاجیگک در حال حاضر تحت مذاکره است، و یک سلسله واگذاری امتیازات بهره برداری از ذخایر طلا، مس و نفت قرار است اکه در ماه های آینده اعطا شوند.[22] تقویت و واضح سازی این قراردادها می تواند در انکشاف یک محیط کاری بهبودیافته و مناسب برای شمول مسئولانه شرکت ها در سکتور استخراج معدن افغانستان نقشی ایفا کند.

قرارداد، البته صرفاً یک بخش ماجرا است. موفقیت نهایی سکتور مواد

---

f: "طرح ابتکاری شفافیت صنایع مواد استخراجی" (EITI) یک استندرد جهانی است که شفافیت عواید را از طریق یک پروسه تحت نظارت دولت، شرکت ها و جامعه مدنی ملی ترویج می دهد. افغانستان در سال 2010 برای EITI نامزد شد، و در حال حاضر اقداماتی برای تبعیت از استندرد EITI اتخاذ می کند. برای تفصیلات بیشتر درباره EITI، لطفاً رجوع کنید به http://eiti.org. باید یادآور شد که Global Witness در هیئت EITI منحیث ناظر اشتراک می کند.

g: سایر اقدامات مثبت عبارتند از تعهد وزارت نسبت به منشور منابع طبیعی، که اصول واضحی را برای مدیریت درست منابع از کشف تا بهره برداری ارائه می کند.1 وزارت معادن با حمایت جامعه بین المللی همچنین در حال انجام یک بررسی کامل از قوانین، مقررات و طرزالعمل های مربوط به سکتور مواد استخراجی، و کار با اداره ملی حفاظت از محیط زیست بر روی مقررات زیست-محیطی می باشد.

h: یک سوال مهم که باید به آن پاسخ داده شود اینست که چرا قراردادهای استخراج معدن و، مشخصاً، قراردادی به اهمیت عینک در زمانی امضا شد که چوکات کاری تنظیمی جامع برای سکتور مواد استخراجی افغانستان تا هنوز به طور کامل شکل نگرفته بود.

استخراجی همچنین به وجود چوکات کاری تنظیمی جامع، ادارات دولتی با ظرفیت، اراده و هماهنگی برای مدیریت و نظارت مؤثر بر سکتور، فضا برای نظارت مستقل و اتخاذ یک استراتژی مناسب ملی از سوی دولت برای مدیریت بلندمدت مبنای منابع طبیعی کشور بستگی خواهد داشت. اما، قرارداد شایسته توجه خاص است چرا که ضوابط معامله و تعهدات الزام آوری که شرکت استخراج معدن باید از آنها تبعیت کند را بیان می کند. این جنبه حتی وقتی که قرارداد مربوط به یک پروژه عمده و بلندمدت مثل عینک است، و در زمینه ای که قوانین، مقررات و پالیسی ها برای سکتور مواد استخراجی تاهنوز در حال انکشاف است، اهمیت بیشتر می یابد.[i]

امتیاز واگذاری مس عینک

ساحه عینک، منحیث بخشی از سلطنت باستانی و قدرتمند بودایی، از اهمیت تاریخی قابل توجه برخوردار است.[23] امروزه، شهرت عینک بیشتر ناشی از داشتن یکی از غنی ترین ذخایر استخراج ناشده مس جهان است. این منطقه در 35 کیلومتری کابل در ولایت لوگر موقعیت دارد.

امتیاز مس عینک در دوره تصدی وزیر اسبق معادن، ابراهیم عادل، اعطا گردید. کنسرسیومی متشکل از "شرکت ساختمانی متالورژیک چین" (MCC) و "شرکت مس جیانگکسی لمیتد" (JCL) (که باهم "کنسرسیوم" نامیده می شوند) منحیث پیشنهادکننده مورد رجحان در سپتمبر سال 2007 انتخاب شد. کنسرسیوم متعاقباً یک شرکت عملیاتی به نام "مواد معدنی عینک MCC-JLC" (MJAM) برای مدیریت پروژه تأسیس کرد.[24]

جزئیات پیشنهادات اصلی ارائه شده برای اعطای امتیاز در اختیار عامه قرار داده شده است و به نظر می رسد که بسته ارائه شده از سوی کنسرسیوم قوی ترین شرکت پیشنهاددهنده بوده است. وزارت معادن و کنسرسیوم، هردو تأکید دارند که پروسه داوطلبی "شفاف" و مطابق با "بهترین رویه بین المللی" بود.[25] اما، باید یادآور شد که پروسه داوطلبی در گزارشی از سوی مشاور اسبق وزارت معادن مورد انتقاد قرار گرفت و اتهامات رسانه ای درباره فساد [در این پروسه] در نومبر سال 2009 به نشر رسیدند.[26] این اتهامات اثبات نشده اند و Global Witness پروسه داوطلبی را در چوکات این گزارش بررسی نکرده است.

GIRoA و کنسرسیوم قرارداد عینک را در می 2008 به امضا رساندند. این قرارداد که "قرارداد اصلی" نام گرفته است می تواند منحیث یک توافقنامه چوکات کاری که اصول و تعهدات اساسی را بیان می کند توصیف شود. به جنبه های مشخصی مثل خط آهن پروژه مختصراً پرداخته شده است و تفصیلات آن برای مذاکره و نهایی سازی در توافقنامه های جداگانه واگذاشته شده است.

طبق قرارداد، به کنسرسیوم حق اکتشاف و بهره برداری از ذخایر مس به میزان تخمینی 240 ملیون تن مواد[27] که ارزش آن برابر با 43 ملیارد دالر گزارش شده، اعطا شده است.[28] در عوض، کنسرسیوم یک بسته سرمایه گذاری به ارزش حداقل 2.9 ملیارد دالر ارائه می کند.[29] این بسته شامل یک مبلغ پرداختی برای بهبود امکانات به ارزش 808 ملیون دالر (قابل پرداخت در سه قسط) و سرمایه گذاری معتنابه سرمایه برای پرداخت مصارف پروژه هایی مثل ساخت خط آهن، مرکز تولید برق و منبع تأمین آب می باشد.[30] قراردادهای فرعی برای هریک از این عناصر، و برای ترتیبات امنیتی و دسترسی به سایر مواد معدنی ضروری برای فعالیت های بهره برداری به امضا رسیده اند.
طبق قرارداد، به کنسرسیوم حق اکتشاف و بهره برداری از ذخایر مس به

نقشه شماره سه. نقشه ای که موقعیت عینک را نشان می دهد

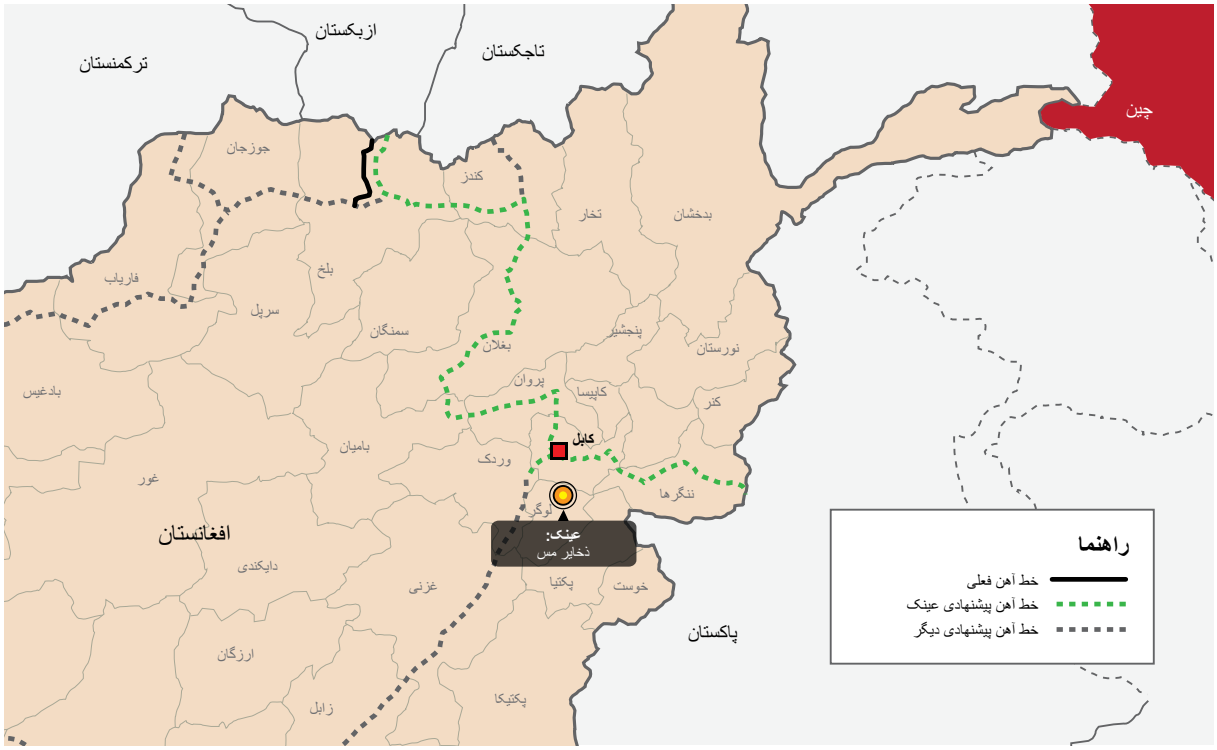

i: یک سوال مهم که باید به آن پاسخ داده شود اینست که چرا قراردادهای استخراج معدن و، مشخصاً، قراردادی به اهمیت عینک در زمانی امضا شد که چوکات کاری تنظیمی جامع برای سکتور مواد استخراجی افغانستان تا هنوز به طور کامل شکل نگرفته بود.

میزان تخمینی 240 ملیون تن مواد[27] که ارزش آن برابر با 43 ملیارد دالر گزارش شده، اعطا شده است.[28] در عوض، کنسرسیوم یک بسته سرمایه گذاری به ارزش حداقل 2.9 ملیارد دالر ارائه می کند.[29] این بسته شامل یک مبلغ پرداختی برای بهبود امکانات به ارزش 808 ملیون دالر (قابل پرداخت در سه قسط) و سرمایه گذاری معتنابه سرمایه برای پرداخت مصارف پروژه هایی مثل ساخت خط آهن، مرکز تولید برق و منبع تأمین آب می باشد.[30] قراردادهای فرعی برای هریک از این عناصر، و برای ترتیبات امنیتی و دسترسی به سایر مواد معدنی ضروری برای فعالیت های بهره برداری به امضا رسیده اند.

از زمان امضای قرارداد عینک، این پروژه در معرض چالش های مختلف قرار گرفته است. امنیت بالاخص با حملات راکتی بر منطقه عینک و تهدید کارکنان کنسرسیوم از سوی آدم ربا ها مشکل آفرین بوده است.[31] همچنین تأخیرات قابل توجهی به دلیل ضرورت به ماین زدایی منطقه پروژه، خاکبرداری از بقایایی باستانی منطقه و استقرار مجدد باشندگان محلی پیش آمده است. در حال حاضر انتظار نمی رود که کار تولید در زودترین حالت تا ختم سال 2014 آغاز شود.[32] یکی از مزایای این تأخیر اینست که فرصتی برای GIRoA و کنسرسیوم برای بررسی و تقویت چوکات کاری مبتنی بر قرارداد پروژه عینک فراهم می سازد. افزایش شفافیت، حسابدهی و شمول اجتماع برای تأمین رضایت مردم محل در مورد پروژه، رسیدگی به تشویش های محلی و تضمین یک وضعیت برد-برد برای مردم افغانستان و کنسرسیوم ضروری است.

سخنی درباب روش

با توجه به تعلیق انتشار قرارداد امضاشده عینک، Global Witness پیش نویس اپریل سال 2008 را مورد بررسی قرار داده است. باآنکه این پیش نویس نسخه امضاشده نیست، ما می دانیم که جمله بندی آن نهایی است، به استثنای مواد مالی و امنیتی، شرایط نهایی درباب تعهدات استخدام و معلومات اضافی در ضمایم.

این گزارش همچنین برمبنای ملاقات ها و تحقیق انجام شده در دوره بین جون 2010 و اگست 2012 در افغانستان، ایالات متحده و اروپا است. متن گزارش در اگست 2012 نهایی شد.

Global Witness، در ارزیابی ضوابط قرارداد عینک، ورودی هایی از جانب متخصصین استخراج معدن، حقوق بشر و محیط زیست دریافت کرده است و با اعضای اجتماع محل پروژه عینک و با جامعه مدنی افغانستان دیدار داشته است.

ما همچنین بهترین رویه بین المللی برای قراردادهای استخراج معدن را با در نظر گرفتن اسنادی بشمول چوکات پایداری "شرکت مالیه بین المللی" (IFC) [33]، اصول انکشاف پایدار "شورای بین المللی استخراج معدن و فلزات"[34]، منشور منابع طبیعی، اصول رهنما برای کسب و کار و حقوق بشر (UNGPs)،[35] شورای حقوق بشر ملل متحد (UNHRC)،[36] توافقنامه مودل انکشاف معدن که از سوی انجمن بین المللی وکلا در حال تهیه شدن است[37]، اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر،[38] رهنمود تلاش مقتضی برای زنجیره های تأمین مسئولانه مواد معدنی از ساحات متأثر از خصومت و پرخطر "سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی" (OECD)،[39] کتاب رهنما برای ارزیابی پروژه استخراج معدن EIAs تهیه شده از سوی اتحادیه جهانی قوانین محیط زیست[40]، رهنمودهای IAIA،[41] و چوکات کاری برای استخراج معدن مسئولانه.[42]

تحلیل Global Witness

تحلیل ذیل ده ساحه اصلی تشویش در قرارداد که ضرورت به توجه فوری برای رسیدگی به بعضی از چالش های فوق الذکر و تضمین پایداری بلندمدت پروژه دارند را ذکر می کند. اینها به قرار ذیل اند:

1. شفافیت قرارداد
2. ساختار و تسوید قرارداد
3. مشارکت اجتماع و میکانیزم های طرح شکایت
4. مواد اقتصادی
5. امنیت
6. اقدامات حفاظتی زیست-محیطی
7. حقوق زمین و آب
8. بسته اجتماعی
9. مسائل مربوط به میراث فرهنگی و سایر ریسک های مختص به ساحه
10. ارزیابی ها و نظارت

نکات 1، 2 و 10 - شفافیت قرارداد، ساختار و تسوید قرارداد، و ارزیابی ها و نظارت، موضوعاتی هستند که ساحات مختلف را دربر می گیرند. هفت نکته متباقی به موضوعات مشخصی مربوط هستند و به ترتیب تاریخی با آنها برخورد می شود. از این بخش ها 1 (شفافیت قرارداد)، 5 (امنیت) و 10 (ارزیابی و نظارت) از اولویت ها هستند و شایسته توجه خاص در این زمان می باشند.

ما برای هر ساحه توصیه هایی را به تفصیل بیان کرده ایم:

- برای کنسرسیوم و GIRoA، به منظور بهبود حاکمیت بر پروژه عینک؛
- برای GIRoA، به منظور ملاحظه دروس آموخته شده از عینک برای تمام پروژه های استخراج معدن جاری و پلان شده؛ و
- برای جامعه بین المللی، درباب اینکه چطور تمویل و حمایت خارجی باید برای حمایت از اهداف مشترک یک سکتور استخراج معدن شفاف و حسابده که از بهترین رویه بین المللی پیشی می گیرد، همراستا با تعهدات صورت گرفته در کانفرانس های بن و توکیو و توافقنامه همکاری استراتژیک افغانستان-ایالات متحده، فراهم شود.

1. شفافیت قرارداد

همانطور که بخش ذیل نشان می دهد، یکی از تشویش های اصلی ما کمبود شفافیت در مواد قرارداد و تضمنات متعاقب آن برای پایداری پروژه است.

تأخیر در انتشار قرارداد عینک و قراردادهای فرعی آن مانعی بنیادی در تضمین حاکمیت درست بر پروژه ایجاد می کند و خارج از حفظ تعهدات فعلی دولت در خصوص شفافیت در این سکتور است.

قرارداد عینک در می سال 2008 در دوره وزیر پیشین به امضا رسید. طبق اظهارات وزیر شهرانی، وزیر فعلی که مسئولیت وزارت معادن را در جنوری 2010عهده دار شده است، قرارد توافق شده در دوره پیش از وی، تا زمانی که تمام قراردادهای فرعی به اجرا در نیامده اند، نمی تواند منتشر شود.[43] وی در اپریل سال 2011 به Global Witness اظهار داشت که این کار باید الی ختم سال 2011، زمانی که قرارداد عینک باید در اختیار عموم قرار می گرفت، انجام می شد. اما، الی اگست 2012 قرارداد و قراردادهای فرعی هیچیک منتشر نشدند. این بدان معناست که مردم افغانستان، پارلمان آن، اجتماعات محلی و بخش های بزرگ دولت افغانستان به اسنادی که برای آینده افغانستان اهمیت اساسی دارد دسترسی ندارند.

طی گفتگوهایی با وزارت معادن بعضی از مقامات به Global Witness اظهار داشته اند که آنها به قرارداد دسترسی ندارند.[44] این حالت می تواند آن دسته از کارکنان وزارت معادن که موظف به مذاکره درباره اجرای قرارداد هستند را در شرایط نامساعد قرار بدهد. در عوض، آنها ناگزیرند که بر آنچه که به آنها گفته شده است که در قرارداد شامل است اتکا کنند. برعلاوه، یکی از وکلای بین المللی که در جریان تسوید و مذاکر قرارداد به GIRoA مشاوره می داد حالا درباره اجرای قرارداد به کنسرسیوم مشوره می دهد.[45] برای ایجاد اعتماد در پروسه های عقد قرارداد، مهم است که اقدامات حراستی برای مشاورین بین المللی وضع و اجرا شود تا از هر نوع مشاهده تعارض منافع جلوگیری به عمل آید.

جزئیات مختصر پیشنهادهای ارائه شده از سوی کنسرسیوم و رقبای آن (رجوع شود به ضمیمه 1)[46] و همچنین خلاصه جزئیات الزمات انکشاف اجتماعی و زیربنایی کنسرسیوم (رجوع شود به ضمیمه 2) در اختیار عموم قرار گرفته است.

همچنین قرارداد عینک به "هیئت مشورتی بین المللی" (IAP) ارائه شد- هیئتی متشکل از متخصصین استخراج معادن، که قرارداد را به لحاظ "منصفانه بودن" مورد بررسی قرار داد و "پیشنهادات سازنده برای تضمین تبعیت از قرارداد در جریان ساخت و ساز و تولید اولیه" ارائه کرد.[47] گزارش IAP عمومی نیست اما Global Witness یک کاپی از آن را تهیه کرده است، که در وبسایت Global Witness موجود است.

شفافیت- نخستین گام بسوی حسابدهی

j: مشاور مربوطه به Global Witness اظهار داشته است که نقش وی در قرارداد عینک در یک مجمع باز مورد مذاکر قرار گرفته بود و مشارکت وی بشمول توضیح لسان قرارداد به جناح ها و کمک به آنها در رسیدن به یک "توافق دوجانبه" بود. وی همچنین اظهار داشت که شمول وی در پروسه داوطلبی عینک حق دسترسی به هیچ "معلومات غیرعمومی که موجب اعطای مزیت نابجا می شد" را به وی نداد، چرا که مشاوره های GIRoA به لسان انگلیسی انجام نمی شد و او در "هیچ مباحثه مربوط به پالیسی تبعیت یا انفاذ یا هیچ پلانگذاری یا تدوین استراتژی برای آینده، در مقابل کنسرسیوم" سهیم نبوده است. برعلاوه، مشاور توضیح داده است که قبل از آنکه وی کار با کنسرسیوم را آغاز کند مباحثات و ارتباطات گسترده ای، بشمول بحث و ارتباط با وزارت معادن، صورت گرفته بود، و "هیچ انتقادی برمبنای کدام تعارض منافع منحیث یک مانع مطرح نشد". اما Global Witness طی مراوداتی که با وزارت معادن داشت اطلاع یافته است که رفتن مشاور به شرکت سرمایه گذار محدودیت های شامل در قرارداد وی برعلیه ارائه خدمات درباب پروژه به یک جناح دیگر را به شکل بالقوه نقض کرد، و وزارت معادن از تصمیم رفتن وی اطلاع نداشت.

چوکات شماره 2: جزرومد فزاینده شفافیت قرارداد[48]

این امر به شکل فزاینده ای در سطح بین الملل تصدیق می شود که شهروندان حق دارند که قراردادهایی را که به نیابت از آنها برای دارایی های عظیم ملی مورد توافق قرار گرفته است را ببینند. "انستیتوت دیده بان عواید" تعداد فزاینده ای از دولت هایی که انتشار قراردادهای مربوط به مواد استخراجی را منتشر می کنند را ثبت کرده است. برای مثال:

- گینه: قانون نامه 2011 استخراج معدن انتشار تمام قراردادها در جریده رسمی و در وبسایت دولت را الزامی می شمارد.
- نیجر: قانون اساسی سال 2010 انتشار تمام قراردادهای منابع طبیعی و همچنین عواید منابع طبیعی را به شکل جداگانه و برحسب هر شرکت الزامی می پندارد.[49]
- DRC: یک حکم مربوط به سال 2011 انتشار قراردادهای مربوط به نفت، استخراج معدن و جنگلداری را در ظرف 60 روز از انفاذ آنها الزامی محسوب می کند.[50]
- کنگو-برازاویل: بسیاری از توافقنامه های تسهیم معلومات خویش را در وبسایت های دولتی منتشر می سازد.
- تیمور شرقی: تمام قراردادهای تسهیم تولید ساحه دریای تیمور را منتشر می کند.
- سائو تومه و پرینسیپ: مدیریت عواید نفتی سال 2004 نشر عمومی تمام قراردادهای نفتی را الزامی تلقی می کند. اینها را می توان در دفاتر معلومات عمومی این کشور یافت.
- لایبریا: قانون EITI سال 2009 انتشار عمومی قراردادهای معدنی و جنگلداری را الزامی می شمارد.[51]
- ایالات متحده: متن کامل کرایه ها (قراردادها)ی مواد معدنی و معلومات مربوطه درباره پرداخت های آن به نشر می رسد. قراردادهای مربوط به خلیج مکزیکو در دسترس عموم قرار دارد.
- عراق: دولت منطقوی کردستان تمام توافقنامه های تسهیم تولید نفت خام را منتشر ساخته است.
- غنا: مهم ترین قراردادهای نفت خام از سوی وزارت انرژی برای دانلود در دسترس قرار دارند.
- دنمارک: قرارداد مودل سال 2005 اجازه دسترسی به قراردادها در مواردی که "مصالح عامه مهمتر از محرمیت است" را می دهد.
- کولمبیا: قانون آزادی معلومات افشای قراردادهای مواد استخراجی را اجازه می دهد.
- بولیویا: بسیاری از توافقنامه های تسهیم معلومات خویش را در وبسایت های دولتی منتشر می سازد.
- پیرو: قراردادهای مودل خویش و بسیار از توافقنامه های نهایی هایدروکاربن و استخراج معدن را منتشر می کند.
- سیرالیون: قانون جدید نفت خام انتشارت تمام قراردادهای نفتی را الزامی محسوب می کند.

یک مثال قابل توجه از بخش خصوصی پایپ لاین باکو-تبلیسی-سیهان (BTC) است که در آن کنسرسیوم تحت رهبری BP قراردادهای پروژه را برای کمک به مدیریت انتظارات محلی و رسیدگی به تشویش ها درباره اثرات اجتماعی و زیست-محیطی به شکل عمومی منتشر ساخت.[52]

---

k: "انستیتوت دیدبان عواید" در "محرمانگی قراردادها"ی سال 2009 خود موضوع شفافیت قرارداد را به تفصیل مورد بررسی قرارداد. این نهاد طی این بررسی استدلال های سنتی در خصوص پنهانکاری را منسوخ کرد و چند مطالعه موردی که اثرات مثبت شفافیت را نشان می داد ارائه کرد. رجوع کنید به http://www.revenuewatch.org/publications/contracts-confidential-ending-secret-deals-extractive-industries

l: وزیر شهرانی در ماه جون 2011 در ورکشاپ تخنیکی سالانه «منشور منابع طبیعی» در آکسفورد حضور یافت و از جانب هیئتی در این رویداد سخنرانی کرد. این منشور منحیث "نقطه ارجاع پایدار برای وزارت [معادن] در انکشاف قوانین و مقررات مواد معدنی [افغانستان]" توصیف شد. رجوع کنید به "گزارش تخنیکی سالانه منشور منابع طبیعی، آکسفورد، جون 2011"، 19 اگست 2011. قابل دسترسی در http://www.naturalresourcecharter.org/printpdf/2032. [تاریخ آخرین دسترسی 21 سپتمبر 2011].

چرا مسئله شفافیت در قرارداد اهمیت دارد

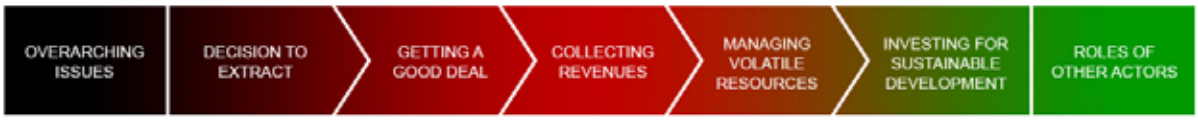

زنجیره ارزش منابع طبیعی مراحلی را بیان می کند که طی آن یک محصول مدیریت می شود و ارزش آن محقق می گردد- از تصمیم گیری برای استخراج الی استفاده نهایی از عواید. شفافیت در تمام این مراحل در پروژه عینک امری ضروری است. قرار دادن معلومات در اختیار عموم کلید تضمین این است که تصمیمات درست اتخاذ می شوند، ضوابط معامله را می توان بررسی کرد و می توان مدیریت و نظارت مؤثر بر پروژه های استخراجی داشت.

شفافیت قرارداد برای هر دخالت معنار اجتماعات محلی، مدیریت حسابده و نظارت بر پروژه اهمیت بنیادی دارد. دسترسی به این اسناد کلید فهم ماهیت تعهداتی است که دولت و شرکت منعقد کرده اند، و پیش شرطی برای شناسایی و رسیدگی به ریسک های جدی که می تواند با کار استخراج همراه باشد و نظارت مؤثر بر توافقنامه ها است.[k]

شفافیت قرارداد برای هر دخالت معنار اجتماعات محلی، مدیریت حسابده و نظارت بر پروژه اهمیت بنیادی دارد. دسترسی به این اسناد کلید فهم ماهیت تعهداتی است که دولت و شرکت منعقد کرده اند، و پیش شرطی برای شناسایی و رسیدگی به ریسک های جدی که می تواند با کار استخراج همراه باشد و نظارت مؤثر بر توافقنامه ها است[53]

ممکن است تعداد کمی از مواد وجود داشته باشند که بنابه دلایل تجاری یا امنیتی ضرورت باشد خارج از حوزه عمومی نگه داشته شوند. موجه است که، برای مثال، معلوماتی که ماهیتاً دارای حساسیت تجاری هستند یا یک ریسک واقعی امنیتی را به بار می آورند (مثل جزئیات مربوط به محل استقرار نیروهای امنیتی) محرمانه نگه داشته شوند. مهم است که صرفاً زمانی و تا میزانی که مطلقاً ضروری است از ارائه معلومات خودداری شود. ادعاهای مشروع در خصوص محرمیت نباید به یک عذر سطحی برای ممانعت از افشای ضوابط قرارداد که بنابه مصالح عامه باید منتشر شوند تبدیل شوند.

شفافیت و خلاصه های قرارداد

انتشار خلاصه جزئیات قرارداد کافی نیست. مهم است که متن کامل قراردادها نیز در اختیار عامه قرار داده شوند، تا که بتوان معلومات خلاصه را به لحاظ صحت بررسی کرد و اطمینان حاصل کرد که جزئیات اساسی حذف نشده اند. اهمیت انتشار با قرارداد سال 2011 طلای قره زاغان که هردو سند خلاصه جزئیات و متن کامل ضوابط آن در اختیار عامه قرار گرفت بخوبی تجسم می یابد. خلاصه این قرارداد به ایجاد 280 فرصت شغلی بعد از شروع پروژه ارجاع می دهد اما یک نکته جزئی مهم را از قلم می اندازد- که این مشاغل صرفاً "تا حدی که عملی است" به افغان ها سپرده می شود.[54] صرفاً با نگاه کردن به ضوابط کامل قرارداد این امکان برای افغان ها فراهم می شود که این شرط اساسی را که بر منافع بالقوه در دسترس آنها در این پروژه تأثیر گذار است، ببینند.

برای عینک، وزارت معادن حالا اقدام مثبت طرح جزئیات تعهدات منفعت اجتماعی در قرارداد برای عموم را اتخاذ کرده است (رجوع شود به ضمیمه 2). اما، در بخش آموزش این جزئیات منتشرشده به اتخاذ ترتیبات آموزش "نیروی کار عمومی" از سوی شرکت ارجاع می دهند.[55] در مقایسه، قرارداد به "آموزش اشخاص مناسب دارای تابعیت افغانی" ارجاع می دهد- بدون الزام مشخص برای ارائه آموزش به مردم محل. این ناهمخوانی یکبار دیگر ضرورت انتشار کامل قراردادها برای اینکه امکان بررسی صحت اسناد خلاصه فراهم شود، و به ایجاد اعتماد مردم محل به ادعاهای عمومی GIRoA و کنسرسیوم کمک کند، راخاطر نشان می سازد.

طی سال های اخیر، تصدیق اهمیت شفافیت به افزایش تعداد دولت هایی که قراردادهای مواد استخراجی خویش را منتشر می کنند منجر شده است (رجوع شود به چوکات شماره 2). برخلاف پیش بینی های ناخوشایند مبنی بر فرار سرمایه گذاران، علاقه به منابع این کشورها همچنان رو به رشد است. یک مثال جالب مربوط به پیرو است که در آن انتشار قرارداد مشخصاً برای ایجاد یک محیط باز سرمایه گذاری برای جذب سرمایه گذاری خارجی بیشتر طرح شد.[56] به نظر می رسد که این رویکرد موفقیت آمیز بوده است بطوریکه پیرو تصویب 28 ملیارد دالر در پروژه های استخراج معدن را در جون 2012 اعلام کرد.[57]

در راستای این قاعده نوظهور، وزیر شهرانی به انجام عملیات های استخراج معدن[58] "کاملاً شفاف"، و انتشار جزئیات قرارداد به لسان های ملی و به انگلیسی در ظرف 48 ساعت از اعطای هر قرارداد، متعهد شده است.[59m] اما، تابحال صرفاً تعداد اندکی از قراردادهای مواد استخراجی به شکل کامل منتشر شده اند و هیچیک از اینها به هر سه لسان مرتبط- دری، پشتو و انگلیسی- در دسترس نیستند. به تبعیت از حکم اخیر رییس جمهور کرزی، مهم است که تعهدات نسبت به شفافیت قرارداد تبدیل به یک واقعیت شود تا که تمام افغان ها بتوانند توافقنامه هایی که به نام آنها به امضا رسیده است را ببینند، و بتوان بر تعهدات صورت گرفته در چوکات این توافقنامه ها نظارت کرد. ضرورت است که رویکردی سازگار در سراسر سکتور استخراجی وجود داشته باشد تا وجود یک میدان بازی هموار برای تمام شرکت های استخراج معدن و نفت خام که در افغانستان کار می کنند تضمین شود.

m: به تازگی ضرورت اطلاع رسانی عمومی در خصوص فعالیت های سکتور مواد استخراجی در قوانین افغانستان نیز مد نظر گرفته می شوند. قانون و مقررات سال 2010 استخراج معادن انتشار ضوابط عینی قراردادها در وبسایت دولت در ظرف 10 روز از امضای آنها، و گزارش های سالانه دریاب منافع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم ناشی از فعالیت های استخراج معدن "طبق بهترین رویه بین المللی برمبنای "طرح ابتکاری شفافیت صنایع استخراجی" را الزامی می پندارد.

شفافیت و اسناد پروژه

درحالیکه شفافیت قرارداد اولین گام مهم به سوی چنین عملیات های "کاملاً شفاف" است، قراردادهای فرعی و قراردادهای خدماتی نیز، در پهلوی اسناد کلیدی پروژه مثل اسناد ارزیابی اثرات، برای نظارت و حسابدهی اهمیت اساسی دارند. انتشار معاملات فرعی- **همراه با جزئیات مالکین منفعت-برنده نهایی[o] شرکت های منعقدکننده این قراردادها-** می تواند به حفاظت در برابر تصرف قراردادهای ارزشمند حاصله از پروژه از سوی نخبگان کمک کند و نیز می تواند به پیگیری جریان های مالی کمک کند.[60]

قانون جدید نفت خام سودان جنوبی، با الزامی برای انتشار "معلومات مالکیت انتفاعی" شرکت ها که حق بهره برداری به آنها داده شده است و توافقنامه های تسهیم تولید، راه پیش رو را نشان می دهد.[61]

تجربه کشورهایی مثل DRC و زیمبابوه نشان می دهد که پنهانکاری می وواند چه اثرات مالی و سیاسی مخربی به همراه داشته باشد. Global Witness درباره پیوندهای بین مالکین شرکت های استخراج معدن و چهره های سیاسی، پولیسی و نظامی گزارش داده است. تحقیقات ما آشکار ساخته است که اسهام معادن دولتی به سرمایه گذاران خصوصی در قبال کسری از ارزش آنها و استفاده از نهانگاه های مالیاتی و پنهانکاری های قضایی به فروش می رسد، که به شکل بالقوه دولت را از عواید استخراج معدن محروم می سازد و ریسک تمویل خارج از بودجه به نفع دلالان اصلی قدرت را ایجاد می کند.[62]

در خود افغانستان، مثال های متعددی از پروژه های ساخت و ساز با تمویل بین المللی وجود دارد که در آنها ترتیبات عقد قرارداد اجازه داده است که پول ضایع شود، به شکل نابجا استفاده شود و در بعضی موارد به شکل بالقوه به کنشگران دخیل در خصومت و فساد منتقل گردد.[63] **ضرورت است که این ریسک ها شناسایی شوند و اقدامات حفاظتی در تسوید قراردادهای مواد استخراجی از ابتدا گنجانده شوند.**

شفافیت و قراردادهای مودل

Global Witness می داند که مجموعه ای از ضوابط استندرد قرارداد برای قراردادهای آینده در حال تهیه شدن است. یک "قرارداد مودل" برای هر نوع واگذاری امتیاز تهیه می شود تا که، برای مثال، تمام امتیازات آینده طلا را بتوان بر مبنای ضوابط "قرارداد طلای مودل" یکسان اعطا کرد.[64] این کار در صورت اجرا باید امکان اتخاذ رویکرد سازگار به تمام قراردادهای واگذاری امتیاز در آینده را فراهم سازد. برای آنکه این رویکرد مؤثر واقع شود، مهم است که این قراردادهای مودل در اختیار عموم قرار داده شوند تا که بتوان ضوابط آنها را به شکل کامل به بررسی گرفت و به تشویش ها از همان ابتدا رسیدگی کرد. البته، ضروری است که قراردادهای مودل تجربه های گذشته، خصوصاً درس های گرفته شده از پروژه عینک، را مد نظر بگیرند. **قراردادهای مبتنی بر شکل های مودل نیز باید به نشر برسند تا که در خصوص هرآن انحراف از متن مودل حسابدهی وجود داشته باشد.**

---

n: در زمان تحریر [این متن]، صرفاً دو قرارداد به شکل کامل در بخش انگلیسی وزارت معادن موجود هستند (قرارداد طلای سال 2011 قره زاغان و قرارداد سمنت سال 2011 هرات). بخش دری وبسایت حاوی کاپی های کامل قرارداد سال 2011 سمنت هرات، قرارداد سال 2011 کرومیت گداخیل و قرارداد سال 2012 معدن زغال مالومه بود، درحالیکه به نظر می رسد بخش پشتوی این وبسایت صرفاً حاوی خلاصه های قرارداد است. وزارت معادن همچنین اعلام کرده است که توافقنامه سال 2011 هایدروکاربن آمودریا برای بررسی عمومی در دسترس است اما Global Witness پاسخی در قبال درخواست یک کاپی از این توافقنامه دریافت نکرده است.

o: "نیروی عملیاتی اقدام مالی" یک "مالک انتفاعی" را چنین تعریف می کند: "شخص (یا اشخاص) حقیقی که یک مشتری را در تصاحب یا کنترول دارد و/یا شخصی که یک معامله به نمایندگی از وی انجام می شود. این تعریف همچنین اشخاصی را که کنترول مؤثر نهایی بر یک شخص یا تنظیم حقوقی اعمال می کنند، شامل می شود."

توصیه ها درباب شفافیت

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- **قرارداد عینک و توافقنامه های مربوطه را بدون تأخیر بیشتر به نشر برسانند.** این قراردادها باید به شکل کامل، همراه با ترجمه دری و پشتو، به شکل الکترونیکی در وبسایت های وزارتخانه های مربوطه و به شکل چاپی در ساحه تعیین شده ای که به آسانی در دسترس اجتماعات متأثر از پروژه قرار داشته باشد، منتشر شوند.

- **اسناد ایجاد شده در رابطه با قرارداد عینک،** بشمول قراردادهای فرعی، قراردادهای خدماتی، ارزیابی ها، مطالعات، گزارش ها و توصیه های متخصصین را منتشر کنند. **این اسناد باید در وبسایت های وزارتخانه های مربوطه و به شکل چاپی به تمام لسان های مرتبط در دسترس قرار بگیرند.**

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- **هرآن قرارداد استخراجی مودل را قبل از نهایی سازی در معرض مشاوره عموم قرار دهد.**

- **تمام قراردادهای مودل نهایی** را به شکل چاپی و الکترونیکی همراه با ترجمه به لسان های نهایی منتشر بسازد.

- **تمام قراردادهای موجود مواد استخراجی را همراه با ضمایم و قراردادهای فرعی به شکل چاپی و الکترونیکی همراه با ترجمه به لسان های محلی منتشر بسازد.** در مواردی که شروط محرمیت قابل تطبیق هستند، GIRoA باید برای فراهم ساختن امکان انتشار درباره اصلاحات آنها به مذاکره بپردازد. اسناد مربوطه پروژه بشمول قراردادهای خدمات، ارزیابی ها، مطالعات، گزارش ها و توصیه های متخصصین باید به نشر برسند.

- **همچنانکه قراردادهای آینده مورد مذاکره قرار می گیرند عامه مردم را در این مذاکرات دخیل بسازد و قراردادهای نهایی را فوراً پس از امضا، همراه با جزئیات مالکیت انتفاعی شرکت های طرف قرارداد به نشر برساند.** تضمین کند که ترجمه ها منتشر می شوند و برای در اختیار نهادن قراردادها به اجتماعات محلی در زودترین فرصت ممکن بعد از امضای آنها اقدامات لازم را اتخاذ کنند.

- تضمین کند که الزامات فعلی بر **سیاستمداران و مقامات عامه برای اعلام هرآن منفعت کاری برآورده می شوند** و درباره پروسه های تحقیق و رسیدگی به تعارض بالقوه منافع به توافق برسند.

- مشاورین حقوقی و سایر مشاورینی که برای ارائه مشاوره به GIRoA در خصوص پروژه های استخراجی استخدام می شند را از اتخاذ متعاقب نمایندگی شرکت همتا در عین پروژه برای یک مدت مشخص منع کند و تضمین کند که این ممنوعیت به اجرا در می آید.

اجتماع بین المللی باید:

به مشاورین حقوقی آموزش دهند که آنها برای گنجاندن اقدامات حفاظت از شفافیت در قراردادها بشمول الزامات برای انتشار معلومات مالکیت نهایی شرکت ها و ساختارهای شرکتی و برای انتشار زیربنا، خدمات و قراردادهای فرعی مربوطه تمویل می شوند. تضمین کنند که وکلای بین المللی برای تضمین انکشاف تخصص محلی با همتاهای افغانی خود به کار ادامه می دهند.

- تصریح کنند که مشاورین حقوقی تمویل شده از سوی دونرها که برای ارائه مشاوره به GIRoA درباره یک پروژه استخراج معدن استخدام می شوند از اخذ متعاقب نمایندگی شرکت همتا در عین پروژه ممنوع هستند.

- آموزش و حمایت به وزارتخانه های مرتبط، مقامات محلی و جامعه مدنی درباره اینکه آنها چطور می توانند با در نظر گرفتن تجربیات در سطح بین الملل، قراردادهای بخش استخراجی را به شکل کامل در دسترس اجتماع محلی قرار بدهند، ارائه کنند.

- شفافیت قراردادها و مالکیت انتفاعی شرکت های سرمایه گذار، همراه با قابلیت دسترسی به قراردادها را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی به افغانستان بگنجانند. در وهله اول، این امر باید بر "چوکات کاری حسابدهی دوجانبه توکیو" تطبیق شود.

2. ساختار و تسوید قرارداد

بخش ذیل نشان می دهد که چطور خطاها و از قلم افتادگی ها در ساختار و تسوید قرارداد می تواند بر تطبیق آن طبق استندردهای بهترین رویه بین المللی به پروژه و بر توانایی GIRoA در مدیریت پروژه اثرگذار باشد. این بخش تشویش های مربوط به اینکه آیا شرکت های تحت حمایت دولت می تواند "مصونیت دولتی" از تعقیب قضایی را درخواست کند یا خیر خاطرنشان می سازد و ضرورت به رسیدگی به این امر توسط GIRoA را در قوانین و قراردادهای آینده نشان می دهد.

قرارداد عینک ارجاعات مثبتی به استندردهای بین المللی طرح شده برای حفاظت از مردم و محیط زیست می دهد، و ضرورت مدیریت مسئولانه معدن را تصدیق می کند. اما، این اقدامات مثبت با ابهامات موجود در موار ذیل تضعیف می شوند:

- کدام استندردهای بین المللی تطبیق خواهند و این استندردها چطور در عمل اجرا خواهند شد؛
- پلان ها و جدول های زمانی چطور توصیه های صورت گرفته از جانب ارزیابی های اجتماعی و زیست-محیطی را مد نظر می گیرند؛
- آیا ارزیابی کامل تمام منافع و اثرات قبل از آنکه تصمیم نهایی درباره اقدام به بهره برداری اتخاذ شود انجام خواهد شد یا خیر؛ و
- تعریف ناقص یا مفقود.

استندردهای بین المللی

ماده 3 کنسرسیوم را ملزم می سازد که "تمام عملیات ها و فعالیت ها را به شکل صحیح و طبق بهترین استندردها و رویه های بین المللی در عرصه انجنیری معدن انجام دهد" و تحت ماده 15، کنسرسیوم "به تعهدات گسترده ای متعهد شده است. درخصوص حفاظت از محیط زیست، بشمول. تمام پالیسی های حفاظت زیست-محیطی و اجتماعی بانک جهانی و اصول استوا و اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر."

همچنین ضرورت به مدیریت مسئولانه با استقبال مورد تصدیق قرار گرفته است. تحت ماده 15، کنسرسیوم مکلف است که "فعالیت های خویش را به لحاظ تخنیکی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و زیست-محیطی مسئولانه انجام دهد تا اهداف انکشاف پایدار و مسئولیت هایی که از سوی [قرارداد، قانون افغانستان و معاهدات قابل تطبیق بین المللی بشمول پروتکل های توکیو] الزامی شمرده می شوند برآورده گردند."

اما، جالب توجه است که قرارداد به تطبیق بهترین استندردهای بین المللی در اجرای عملیات های استخراج معدن فرا می خواند درحالیکه چنین الزامی تاهنوز برای اقدامات حفاظتی زیست-محیطی و حفاظتی وجود ندارد.

دره دریا در ولایت لوگر. تطبیق استندردهای بین المللی مستحکم و روزآمد برای تضمین اینکه محیط زیست و مردم افغانستان از اثرات مطلوب استخراج معدن مصون می مانند ضروری است.
(کریدیت: اریک سوتفین کورتسی از afghanistanmatters.com).

برعلاوه، شروط عملیاتی در قرارداد که بیانگر نحوه پلانگذاری و اجرای فعالیت ها در آینده هستند، صریحاً این ارجاعات مثبت به استندردها و بهترین رویه های بین المللی را مد نظر نمی گیرند. **این بدان معناست که، در عمل، مشخص نیست که این استندردها چطور تطبیق خواهند شد، که این حالت ریسک وجود تملق به استندردهای بین المللی که در واقعیت تحقق نمی یابند را ایجاد می کند.**

ضرب المثل چینی: هیچ چیز را نمی توان بدون قاعده یا معیار به انجام رساند.

برای مثال، تحت شروط عملیاتی، کنسرسیوم ملزم به تهیه یک "مطالعه امکانپذیری قابل پذیرش در بانک" (BFS) و یک "پلان انکشاف معدن" (MDP) قبل از آغاز بهره برداری از معدن، و ارائه یک "زمانبندی پروژه که تاریخ فعالیت ها را ذکر کند، می باشند. اینها اسناد کلیدی هستند که تعیین خواهند کرد که چطور، کجا و چه وقت بهره برداری صورت می گیرد.

برای منطبق ساختن اسناد با استندردها و بهترین رویه بین المللی، آنها باید استندردهای بهترین رویه بین المللی را به شکل کامل مد نظر بگیرند. برای مثال، اگر از «چوکات پایداری» IFC و «اصول و رهنمودها» ی بانک جهانی تبعیت می شود، باید برای مشارکت مقتضی اجتماعات محلی، ادارات دولتی و متخصصین وقت اختصاص داده شود تا تضمین شود که اثرات بالقوه در مصارف مد نظر گرفته می شوند، و برای به حداقل رساندن و کاهش اثرات نامطلوب پلانگذاری صورت می گیرد. به این ترتیب می توان گفت که از این استندردها تبعیت کامل صورت می گیرد.

اما، تحت قرارداد، BFC صرفاً منحیث "یک مطالعه امکانپذیری که با عمق و جزئیات کافی تهیه شده است تا که مطالعه به شکل معمولی برای نهادهای بین المللی قرضه دهی قابل پذیرش باشد"، تعریف شده است، درحالیکه MDP اصلاً تعریف نشده است. بدون جزئیات بیشتر، درخصوص اینکه هر سند چطور و تا چه میزان مکلف به مدنظر گرفتن رهنمودهای بهترین رویه است ابهام وجود دارد.

این منظر از سوی هیئت مشورتی مستقل بانک جهانی به اشتراک نهاده شده است، که متعهد شده است: "[IAP] اصطلاح [BFS] را تا حدی که برای کاربرد عملی کفایت کند و تضمین کند که استندردهای بین المللی حفظ می شوند، به تفصیل مورد ملاحظه قرار نداده است." [65]

مطابقت با بهترین رویه

استندردهای بین المللی رویه عبارتند از قواعد و طرزالعمل های تهیه شده از سوی صنعت استخراج معدن جهان و دیگران طی دوره های طولانی بررسی و تجربه تخنیکی. آنها برای حفاظت از منافع تمام جناح ها- شرکت های عملیاتی، سرمایه گذاران، اجتماعات و دولت های میزبان- طراحی شده اند. این استندردها برای انعکاس یافته ها و تجربیات جدید در سکتور صنایع استخراجی دائماً در حال تکامل هستند. برای پروژه عمده ای مثل عینک، فعالیت در محیط پرچالش، به نفع تمام جوانب ذیدخل است که این آموزه جهانی را با تضمین اینکه جدیدترین و بهترین استندردها و رویه های بین المللی برای جهت دهی به هر جنبه پروژه، در هر مرحله مورد استفاده قرار می گیرد، مد نظر بگیرند.

همانطورکه قرارداد بیان می کند، مشخص نیست که انکشافات استندردهایی که به آنها ارجاع داده شده است چطور مد نظر گرفته خواهند شد. برای مثال، «اصول استوا» امسال به روز رسانی شده و قرار است که مورد تجدید نظر کامل قرار بگیرند.[66] آیا این تجدیدنظرها بر قرارداد عینک تطبیق خواهند شد؟

استندردهای مختلف از قوت های متفاوت برخوردار هستند. برای نمونه، اصول و رهنمودهای بانک جهانی رهنمودهای خوبی درباب موضوعاتی مثل ارزیابی های زیست-محیطی ارائه می کنند، درحالیکه «چوکات پایداری» IFC (که اصول استوا مبتنی برآن است) در ساحاتی مثل اسکان مجدد اجباری و حقوق کارگر مفید واقع می شود. **قرارداد برای انعکاس دادن این امر باید تطبیق بهترین و روزآمدترین استندردها و اصول موجود بین المللی را برای هر بخش و هر مرحله پروژه الزامی بسازد.**

مصونیت دولتی: چه وقت یک شرکت، یک شرکت نیست؟

از آنجایی که دو سرمایه گذار در کنسرسیوم، MCC و JCL، قسماً تحت مالکیت جمهوری خلق چین قرار دارند، ممکن است اصل مصونیتدولتی مطرح شود. طبق این اصل، اعمال یک دولت از اعمال صلاحیت قضایی یک دولت دیگر مصون است. این اصل از از اقامه اقدامات قانونی علیه دولت در صورت عدم رضایت آن جلوگیری می کند. این اصل می تواند بر ادارات دولتی بشمول شرکت های تحت مالکیت دولت تطبیق شود. استثناهایی در خصوص این مصونیت وجود دارد، بشمول استثناهای مربوط

چوکات شماره 3: استندردهای شرکتی[67] MCC

MCC، سرمایه گذار اکثریت در پروژه عینک، دارای استندردهای مختص به خود در مدیریت پروژه های استخراج معدن می باشد. MCC "گزارش های پایداری" درخصوص ماهیت و نحوه تطبیق این استندردها منتشر می کند.

- تعهدات به حفاظت از محیط زیست؛ ارزیابی و به حداقل رساندن اثرات زیست-محیطی برای تحقق انکشاف متوازن اقتصاد و محیط زیست.
- ساخت اجتماعات متوازن، همراه با ترویج استخدام محلی، انکشاف اجتماع و زیربنا به منظور نیل به انکشاف عمومی. احترام به فرهنگ های محلی، حل و فصل منازعات "در ریشه" و پیوستن فعال به اجتماع محلی برای ایجاد یک محیط خارجی مطلوب برای شرکت.
- تلاش های ضدفساد، بشمول بررسی شرکت های تابعه.
- روابط هماهنگ و پایدار نیروی کار، با اتحادیه های کارگری برای کارمندان، یک محیط کاری صحی و مصون و سرمایه گذاری در بخش معارف و آموزش.

بنابراین، رسیدگی به ضعف های موجود در ساختار و تسوید قرارداد عینک برای تضمین مطابقت پروژه با استندردها و اهداف خود MCC اهمیت دارد.

بیجینگ- جایی که دفتر مرکزی MCC، سهمدار اکثریت در آنجا مستقر است. کنسرسیوم، منحیث اولین سرمایه گذار عمده استخراج معدن افغانستان، می تواند نقشی حیاتی در ایجاد یک نمونه برای پیروی شرکت های آینده ایفا کند.

به معاملات تجاری، اما این استثناها از یک کشور تا کشور دیگر تفاوت دارند و همیشه مشخص نیست که در عمل چطور تطبیق خواهند شد. در یک مورد اخیر در هانگ کانگ، این سوال که آیا DRC می تواند بر مصونیت دولتی اتکا کند به قدری نامشخص بود که قاعده اصلی واژگون شد، و آنگاه دوباره واژگون شد، بطوریکه قضیه سرانجام به محکمه نهایی استیناف هانگ کانگ رفت، که از مصونیت دولتی دفاع کرد.[68] چنین اقدامات قضایی پرهزینه، زمان بر و دارای نتایج نامعین هستند، بنابراین به نفع تمام جناح هاست که از ضرورت به آنها خودداری کنند. **در هر پروژه ای که سرمایه گذار تماماً یا قسماً تحت مالکیت یک دولت خارجی قرار دارد، این ریسک که اصل مصونیت دولتی بتواند مانعی برای اقامه عملی علیه شرکت از سوی GIRoA شود باید از ابتدای کار مورد شناسایی و رسیدگی قرار بگیرد.**

مهلت های واقع نگرانه؟

ریسک های بالقوه ناشی از فقدان انسجام و رهنمودهای تفصیلی در چوکات قرارداد با مهلت های محدود ساخت و ساز ترکیب می شوند. طبق ماده 13، کنسرسیوم ملزم است که ساخت و ساز "در ظرف شصت (60) ماه از تاریخ مؤثر عقد قرارداد استخراج معدن" تکمیل کند، و این دوره "نباید بخاطر هیچ گونه تأخیری که ناشی از قصور [کنسرسیوم]، قراردادی های فرعی آن یا هرآن مؤسسه وابسته به [کنسرسیوم]" است تمدید شود. بدون جزئیات بیشتر، مشخص نیست که، برای مثال، تأخیری به دلیل ضرورت به رسیدگی به یک مشکل زیست-محیطی که کنسرسیوم مسبب آن است، چطور دسته بندی می شود. این حالت ابهامی را که می تواند برای انجام سریع کار ساخت و ساز به منظور فرار از جریمه ها بر کنسرسیوم فشار وارد کند افزایش می دهد. در عمل، در مواردی که موضوعاتی مثل پاک کاری ماین های زمینی و خاکبرداری های باستانشناسی در محل مطرح شده اند، جناح ها توانسته اند که درباره تأخیرات در عملیات به توافق برسند، بنابراین به نظر نمی رسد که این ماده تا به این تاریخ اثری داشته است. اما، همچنانکه این منابع خارجی تأخیر مورد رسیدگی قرار می گیرند، ممکن است این حالت تغییر یابد. همچنانکه قراردادهای آینده مورد مذاکره قرار می گیرند، از این ریسک بالقوه نیز باید جلوگیری شود.

حقوق رقیب

حقوق ملکیت کنسرسیوم غالباً با مواد اجتماعی و زیست محیطی در قرارداد در رقابت قرار می گیرند. حقوق کنسرسیوم بر زمین، آب و مواد معدنی برای عملیات های استخراج معدن می تواند در عمل با حقوق اجتماع تحت مواد اجتماعی ذکر شده در قرارداد در تعارض قرار بگیرد.

ضرورت است که اولویت های بین این دو مجموعه متعارض مواد با دقت متوازن شود و بخوبی حفظ شود. از آنجا که اجتماع یکی از جناح های قرارداد نیست، در صورت منازعه بر سر تعهدات قرارداد، احتمالاً حَکَم بیشتر بر حقوق ملکیت کنسرسیوم تأکید خواهد کرد تا بر حقوق اجتماعی و اقتصادی خارجی.

این مشکل را می توان با تصریح وزنی که باید به حقوق چنین جناح ثالثی قائل شد، یا با ارجاع قوانین بین المللی یا اسنادی که سبب می شوند یک حَکَم یا محکمه افغانی در تفسیر خود وزن مناسب به موضوعات اجتماعی و زیست-محیطی بدهند، رفع کرد.

چه کسی درباره اینکه آیا پروژه آغاز شود یا خیر، تصمیم می گیرد؟

کنسرسیوم ملزم است که در جریان اکتشاف اولیه BFS و MDP را برای بررسی و تأیید از سوی وزارت معادن تهیه کند. اما، برای آنکه وزارت امکانپذیری حقیقی پروژه را ارزیابی کند ضرورت است که BFS تمام اثرات بالقوه پروژه را به شکل متقضی مدنظر بگیرد. برای مثال، فعالیت های فعلی اقتصادی مثل زراعت ممکن است تحت تأثیر اثرات زیست-محیطی نامطلوب استخراج معدن قرار بگیرد. این یک مصرف بالقوه است که باید هنگام ملاححظه امکانپذیری مجموعی پروژه عینک مدنظر گرفته شود. در آماده ساختن BFS، تمام مصارف و منافع بالقوه اجتماعی، زیست-محیطی، حقوق بشری، فرهنگی و اقتصاد محلی (بشمول سناریوهای بدترین حالت) باید شناسایی و شامل شوند.

یک پرسش اساسی اینست که اگر این مصارف پیش بینی شده از منافع استخراج بیشتر شود، چه می شود؟ چنانکه پیداست، به نظر نمی رسد که این سناریو از سوی قرارداد پیش بینی شده باشد. درحالیکه وزارت معادن ملزم به تأیید BFS و MDP است، شروطی وجود ندارند که بیان کنند در صورتی که ارزیابی اثرات منفی و مصارف پیشنهاد کند که بهره برداری نباید در حال حاضر انجام شود، چه می شود. در حال حاضر، فشار شدیدی برای آغاز هرچه سریعتر پروژه برای ایجاد جریان عواید وجود دارد، اما تصدیق این نکته نیز ضروری است که ممکن است این کار به نفع مصالح علیای افغانستان نباشد. قرارداد باید مشخصاً ملزم بسازد که تصمیم درباره اینکه آیا پروژه آغاز شود یا خیر باید بعد از تهیه و بررسی سند ارزیابی کامل مصارف و منافع اتخاذ شود.

خطاها و از قلم افتادگی ها در تسوید

در حالت کلی تر، تسوید قرارداد باید مورد بررسی قرار گیرد. بسیاری از اصطلاحات کلیدی یا تعریف نشده اند و یا تعاریف آنها با تفصیلات کافی همراه نیست. برای مثال، با آنکه در سراسر قرارداد به اصطلاح "قانون مواد معدنی" ارجاع داده شده است و این اصطلاح در تفسیر قرارداد نقش اساسی دارد، تعریفی برای آن ارائه نشده است. با فرض آینکه قانون مواد معدنی درحال بازنگری است، آیا قانون جدید بر قرارداد تطبیق خواهد شد؟ ابهاماتی از این دست می تواند به منازعات زمان بر و پرهزینه بین GIRoA و کنسرسیوم در آینده منجر شود.

توصیه هایی درباب ساختار و تسوید قرارداد

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- تصریح کنند که برای هر بخش و هر مرحله پروژه، آنها جدیدترین استندردهای مربوط به بهترین رویه بین المللی را تطبیق خواهند کرد.
- تضمین کنند که تعهدات گسترده نسبت به قانون افغانستان و استندردهای بین المللی با طرزالعمل های مشخص و مفصل همراه هستند یا بدانها ارجاع می دهند.
- برای تصریح موضع نسبت به مصونیت دولتی بشمول توافقنامه فسخ مبتنی بر قرارداد هرآن حق مصونیت دولتی که ممکن است دارا باشد و یک اظهارنامه کتبی از جانب جمهوری خلق چین که موضع وی نسبت به اقدامات قانونی که ممکن است پیش آیند (بشمول دعواها برای قرارداد، قصور و/یا تخلف از مقررات) اقدامات لازم را اتخاذ کنند.[69]
- در صورتی که ارزیابی مصارف و منافع پیش بینی شده پروژه عینک پیشنهاد کند که بهره برداری نباید در زمانی که فعلاً پلان شده است انجام شوند، بر سر طرزالعمل ها به توافق برسند.
- به توافق برسند که پلان های فعالیت های عملیاتی ضرورتِ به حداقل رساندن و کاهش اثرات اجتماعی، زیست-محیطی، حقوق بشری، اقتصاد محلی و فرهنگی را به شکل کامل مد نظر می گیرند.
- ایضاحات صورت گرفته در قرارداد را بررسی کنند و در مورد آن به توافق برسند تا تضمین کنند که توازن بین حقوق شرکتی و حقوق اجتماعی و زیست-محیطی وسیع تر حفظ می شود.
- مسوده قرارداد را بررسی کنند و درباره تعاریف اصطلاحات کلیدی که دارای تعریف ناکافی یا فاقد تعریف هستند به توافق برسند.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- تضمین کند که نکات آموزنده از قرارداد عینک در آماده سازی قراردادهای مودل و در مذاکرات قراردادهای واگذاری امتیاز در آینده مدنظر گرفته می شوند.

اجتماع بین المللی باید:

- برای ارائه مشاوره حقوقی و آموزش به کارکنان در وزارتخانه های مربوطه درباب تسوید و ساختار قرارداد، استندردها و بهترین رویه بین المللی برای هر ساحه پروژه و درباره مسائل تخنیکی مثل مصونیت دولتی پشتیبانی لازم را فراهم کند.
- الزامات برای تطبیق استندردها و بهترین رویه بین المللی روزآمد و مقتضی بر پروژه های استخراج معدن را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی به افغانستان بگنجانند.

3. مشارکت اجتماع و میکانیزم های طرح شکایت

یک نقطه ضعف عمده در پروژه عینک این است که پروسه ای را برای دخالت دادن اجتماع متأثر از پروژه طرح نکرده است، و حاوی میکانیزمی برای رسیدگی به شکایات و تشویش های اجتماع نمی باشد. این مشکل با پنهانکاری مستمر در قسمت اسناد پروژه، که به این معناست که اجتماع محلی برای معامله معلومات ناقص دارد، تشدید می شود.

بخش ذیل نشان می دهد که چطور این مشکل موجب تضعیف پروژه شده است و درباره اقداماتی که GIRoA در حال حاضر برای رفع این ضعف ها در قرارداد اتخاذ می کند به بحث می پردازد.

اهمیت مشارکت اجتماع

برای اجتماع محلی، پروژه عینک پوتنشیل ایجاد فرصت های شغلی، تعلیم و تربیه، آموزش و تأمین خدمات بهبودیافته محلی، که به آنها بسیار نیازمند هستند،را داراست. در عین حال، ریسک هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ممکن است اجتماع متحمل از دست دادن زمین و سایر اثرات بر محیط زیست، منبع تأمین آب و وسایل تأمین معیشت محلی شود. اگر منافع متوقعه تحقق نیابند و یا به شکل غیرمنصفانه ای به نفع افراد مشخصی و به مصرف اجتماع وسیع تر باشند، احتمالاً موجب خشم و مخالفت اجتماع با پروژه خواهند شد. این حالت می تواند به نوبه خود موجب حمایت از شورش و بی ثباتی در اطراف معدن شود. Global Witness قبلاً شکایات مکرری را از جانب اعضای اجتماع محلی شنیده است: نشانه های هشدار که باید منحیث یک موضوع عاجل به آنها رسیدگی شود (رجوع شود به چوکات شماره 5). در عین حال، باید به اثر سکتور صنایع استخراجی بر مردم افغانستان به مثابه یک کل توجه داشت- خصوصاً اجتماعاتی که در نزدیکی ذخایر استخراجی واقع نیستند. **مشارکت محلی و ملی، هردو، برای انکشاف موفقیت آمیز سکتور ضروری است.**

به نفع شرکت است که "مشارکت" اجتماع در پروژه را تأمین کند. اگر اجتماع به مخالفت با فعالیت های استخراج معدن برخیزد، این کار می تواند تضمنات جدی به همراه داشته باشد، بطوریکه اوضاع محل را وخیم تر بسازد و استخدام و حفظ کارکنان را برای کنسرسیوم به شکل بالقوه دشوارتر نماید. تشویش های امنیتی و مخالفت محلی با پروژه می تواند تأخیرهای پرهزینه در فعالیت های استخراج معدن را نیز افزایش دهد و شهرت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال، این کار تلاش ها برای مبارزه با شورش را بی اثر خواهد کرد، مخارج امنیتی را افزایش خواهد داد، دریافت عواید استخراج معدن را به شکل بالقوه به تأخیر خواهد انداخت و تلاش ها برای جذب سرمایه گذاری های باکیفیت بین المللی به سکتور را تحت تأثیر قرار خواهد داد. چنانکه ذیلاً تذکر رفته است، دسترسی به معلومات، دخالت اجتماع، و طرزالعمل های مناسب طرح شکایت کلید تأمین مشارکت اجتماع هستند.

چوکات شماره 4: اجتماع محلی اطراف عینک چیست؟

ولایت لوگر، که عینک در آنجا موقعیت دارد، غالباً متشکل از قرات روستایی است و در جمله مناطق با بالاترین میزان فقر و بیکاری در افغانستان محسوب می شود.[70] جمعیت آن مرکب از اقوام مختلف است و شامل اقوام چادرنشین کوچی است که تعداد آنها در فصول مختلف متفاوت است.[71] مسائل مالکیت زمین پیچیده و توأم با تنش های طولانی بین گروه های قومی مختلف هستند. این تنش ها با راجسترسازی ناقص زمین در رژیم های گذشته و جابجایی های جمعیتی در طی دهه های اخیر تعارض تشدید شده اند.[72] اجتماع محلی عمدتاً وابسته به زراعت و مالداری است، که این امر دسترسی به زمین و موجودیت آب را برای تأمین معیشت آنها ضروری می سازد. در حال حاضر، بیش از چهار بر پنج حصه خانوارها در این ولایت به زمین آبیاری شده دسترسی دارند. بیش از نصف جمعیت به آب نوشیدنی مصون دسترسی ندارند و سطح سواد، به خصوص در بین زنان و جمعیت کوچی، پایین است.[73]

ساحه واگذاری عینک دو ولسوالی،[74] wبا جمعیت 24500 نفر واقع در 29 قریه در داخل و اطراف ساحه پروژه (در هردو ولایت لوگر و کابل) را پوشش می دهد.[75] تابحال پنج قریه منحیث قریه هایی که مستقیماً از فعالیت های استخراج معدن متأثر می شوند، شناسایی شده اند: ولی کیلای، کوز چنارَی، آدم کیلای، بار چیناریا و سیسو تنگی. طبق سروی های وزارت معادن، 117 خانواده مربوط به این قریه ها می شوند، که از این تعداد 62 خانواده جزو خانواده های ساکن هستند و متباقی به مناطق و کشورهای دیگر بشمول پاکستان سفر کرده اند.[76] اعمار یک مزبله (ساحه ای برای نگهداری مواد ضایعاتی ناشی از عملیات های استخراج معدن) نیز اثر مستقیمی خواهد داشت، و ارزیابی هایی از 11 قریه، بشمول 450 خانواده برای کمک به تعیین موقعیت آن انجام شده است.[77] همچنانکه پروژه پیشرفت می کند و کار روی خط آهن و سایر کارهای مربوطه انجام می شود، ممکن است این عملیات ها اثرات بیشتری روی قریه ها و خانواده های دیگر بگذارد.

الف) دسترسی به معلومات

برخلاف بهترین رویه بین المللی،[p] قرارداد تهیه معلومات برای اجتماع درباره پروژه و اثرات آن را الزامی تلقی نمی کند. همچنین بیان نمی کند که چه کمکی برای فهم تضمنات پروژه برای اجتماعات ارائه خواهد شد تا که آنها بتوانند به شکل مؤثر در مشاوره ها و ارزیابی ها دخیل باشند و ساحات ریسک یا تشویش را در مراحل اولیه شناسایی کنند..

یک کارتون استخراج معدن از آسیای مرکزی. معلومات درباره پروژه های استخراج معدن ممکن است تخنیکی و پیچیده باشند. صرفاً انتشار قراردادها کفایت نمی کنند. همچنین ضرورت است که حمایتی که اجتماعات متأثر برای فهم تضمنات (معناهای ضمنی) پلان ها و اسناد پروژه ضرورت دارند نیز به آنها داده شود. صرفاً در اینصورت آنها می توانند در فرآیند پروژه دخالت مؤثر داشته باشند.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012).

خارج از قرارداد، وزیر معادن اخیراً سندی در خصوص پروژه، بشمول یک "پلان کاری استقرار مجدد" (RAP) را منتشر ساخته است. این سند نمایانگر یک گام عمده به جلو در عرصه ارائه و در دسترس قرار دادن معلومات مربوط به پروژه است. این سند معلومات تفصیلی درباره اقداماتی که GIRoA برای استقرار مجدد باشندگان پنج قریه ای که تحت تأثیر مستقیم پروژه عینک قراردارند، انجام می دهد، ارائه می کند. و رهنمودهای بین المللی که از آنها پیروی می شود، نتایج سروی های اجتماعی-اقتصادی انجام شده از قریه های متأثر، تشویش های مطرح شده تا به امروز، پلان ها و پیشرفت صورت گرفته در جبران و استقرار مجدد آنها را بیان می کند. RAP همچنین خلاصه ای از الزامات اجتماعی و الزامات مربوط به زیربنای کنسرسیوم تحت قرارداد را ارائه می کند.[78]

تهیه و انتشار RAP یک گام مورد استقبال و مهم است، اما کارهای بسیار بیشتری باید انجام شود. اساساً، قرارداد اصلی و قراردادهای فرعی عینک در اختیار عموم قرار نگرفته اند، و نیز تعهدی در قبال انتشار اسناد کلیدی دیگر مثل BFS نیز صورت نگرفته است. بدون انتشار کامل، اظهارات عامه درباره تعهدات مبتنی بر قرارداد را نمی توان به شکل مستقل بررسی کرد. برای مثال، خلاصه RAP از الزامات اجتماعی کنسرسیوم به الزامات قراردادی برای حفاظت از حقوق عرفی بر آب اشاره نمی کند.[79] در نتیجه، این صرفاً یک تصویر ناقص از الزامات شرکت به اجتماع ارائه می کند. قصور مداوم در انتشار قرارداد می تواند انتظارات غیرواقعبینانه را افزایش دهد، و در سطح کلی تر، یک جو عدم اعتماد ایجاد کند، و روابط دولت و شرکت را با اجتماع به شکل بالقوه تضعیف کند. این حالت همچنین توانایی اجتماع محلی و جامعه مدنی در نظارت بر اجرای ضوابط پروژه را محدود می سازد. این امر یکبار دیگر بر اهمیت انتشار عمومی قرارداد عینک و اسناد کلیدی پروژه تأکید می کند.

در لایبریا، انستیتوت انکشاف پایدار، که یک گروه محلی جامعه مدنی است، یک ورکشاپ برای توضیح مفهوم رضایت آزادانه، پیشاپیش و آگاهانه به اجتماع دایر می کند. اجتماعات محلی می توانند در تصمیم گیری های مربوط به مدیریت منابع طبیعی به شکل مؤثر مشارکت داشته باشند و تضمین کنند که از آنها منفعت می برند. ..... چنانچه فرصت، ابزارها و پشتیبانی ضروری به آنها ارائه شود.

p: برای مثال، رجوع کنید به استندرد اجرای شماره 1 پالیسی شرکت مالی بین المللی درباب پایداری زیست-محیطی و اجتماعی (که یک نسخه بازنگری شده آن در 1 جنوری 2012 قابل انفاذ گردید)، که افشای معلومات مرتبط پروژه به اجتماعات متأثر و مشاوره و مشارکت آنها از ابتدای کار را الزامی می پندارد. همچنین رجوع کنید به اصل UNGP 18 ها و اصل 10 شورای بین المللی استخراج معدن و فلزات "اصول انکشاف پایدار.

گذشته از انتشار، مهم است که حمایتی که برای فهم تضمنات اسناد پروژه و، در سطح وسیع تر، اثراتی که پروژه های استخراج معدن می توانند داشته باشند به اجتماعات ارائه شود. GIRoA مصروف انجام مشوره، سروی و تمرکز بر ملاقات های گروهی با اعضای اجتماع محلی در عینک است، اما گزارش های منتشرشده این فعالیت ها نشان می دهند که به قدر کافی کار صورت نگرفته است.[80] به نظر می رسد که دخالت اجتماع تا به این تاریخ بر توافق بر سر سطوح پرداخت غرامت برای زمین، جمع آوری معلومات اقتصادی-اجتماعی بر قریه های متأثر، تشریح استخدام متوقعه و منافع اجتماعی حاصل از پروژه و ثبت تشویش های عمومی مطرح شده تمرکز داشته است.[81] اما، این صرفاً بخشی از داستان است. اجتماع همچنین ضرورت دارد که بداند پروژه چه اثراتی بر محیط زیست و حقوق بشر و پلان های مدیریت این اثرات، برای مثال، می تواند داشته باشد. این کار می تواند با مباحثه با اجتماع در خصوص اینکه برای فهم اثرات احتمالی و اسناد پروژه، بشمول هرآن مشاوره حقوقی یا تخنیکی، به چه کمکی ضرورت دارند، آنگاه تلاش برای فراهم سازی آن کمک، انجام شود. همچنین می توان به آنها پیشنهاد کرد که از یک معدن موجود دیدن کنند، تا که بتوانند با مردم محل برای دادن ذهنیتی از آنچه که تجربه کرده اند و موضوعاتی که باید از آن آگاه باشند، صحبت کنند.MCC [q] فعلاً پروژه ای در پاکستان دارد که می تواند مقایسه کننده خوبی برای اجتماع عینک باشد.[82]

توصیه ها درباره دسترسی به معلومات

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- تضمین کنند که قرارداد و اسناد کلیدی پروژه در اختیار و دسترسی کامل اجتماع محلی قرار گرفته اند، و در این قسمت مشخصاً اعضا و گروه های بی سواد اجتماع که د معرض خطر به حاشیه راندن شدن قرار دارند (مثل زنان) را در نظر بگیرند.
- با اجتماع برای اتخاذ اقدامات اضافی برای آنها برای فهم بهتر اثرات بالقوه استخراج معدن بر آنان به توافق برسند؛ اقداماتی از قبیل دیدار از معادن فعلی شرکت (با آزادی دیدار با اجتماعات محلی و متخصصین اطراف این معادن به شکل مستقل).

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

تضمین کند که به اجتماعاتی که به شکل بالقوه متأثر می شوند از ابتدا و به شکل مداوم درباره پروژه های پلان شده/ بالقوه معلومات ارائه می شود. این امر باید قبل از شروع هر پروژه بودجه بندی شود، و باید دقت خاص مبذول شود تا تضمین گردد که گروه های محروم بالقوه مثل زنان، جوانان و اقلیت های محلی می توانند به معلومات دسترسی دارند.

اجتماع بین المللی باید:

- درباره در دسترس قرار دادن قراردادهای صنایع استخراجی به شکل کامل به اجتماع محلی، با در نظر گرفتن تجربیات بین المللی، به وزارتخانه های مربوطه آموزش و پشتیبانی ارائه کنند.
- آموزش و پشتیبانی به مقامات محلی و جامعه مدنی ارائه کنند تا که آنها بتوانند در تضمین اینکه قراردادهای صنایع استخراجی در دسترس اجتماع محلی قرار می گیرند،کمک کنند.
- دسترسی اجتماع به معلومات را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی افغانستان بگنجانند.

---

q: شرکت هایی که در کشورهای دیگر پروژه های استخراج معدن را در دست دارند امکان دیدار از سایر معادنی که عملیات آنها را انجام می دهند، فراهم ساخته اند. اما، باید یادآور شد که برای آنکه این دیدارها منفعت واقعی به همراه داشته باشد، دیدارکنندگان باید فرصت، زمان و آزادی صحبت با اعضای اجتماع اطراف معدنی که دیدار می شود را داشته باشند. (رجوع کنید به میرندا و دیگران، 2005، چوکات کاری برای استخراج مسئولانه معادن: رهنمودی درباب تکامل استندردها، 2005، ص. 69). قابل دسترسی درhttp://www.frameworkforresponsiblemining.org/pubs/Framework_20051018.pdf.

ب) شمول اجتماع

یکی از ضعف های قرارداد عینک این است که بیان نمی کند که اجتماع چطور در پروژه مشارکت می کند. این قانون مقرر می دارد که:کنسرسیوم و وزارت معادن اکنون در حال وضع میکانیزم هایی برای مد نظر گرفتن ضروریات و خواسته های اجتماع محلی هستند اما سوالات در مورد نحوه سازماندهی این میکانیزم ها باقی می ماند- مشخصاً اینکه آیا اقدامات حفاظتی کافی برای تضمین اینکه اجتماع به مثابه یک کل، در برابر فرقه های خاص یا دلالان محلی قدرت، مشارکت می کنند وجود دارد یا خیر.

اهمیت مشارکت محلی در شعار شرکت عملیاتی کنسرسیوم MJAM انعکاس می یابد:

"به مردم محل خدمت کن، به مردم محل منفعت برسان"[83]

برای تبعیت از الزامات قراردادی و قوانین و اصول افغانستان و بین الملل، معلومات تفصیلی درباره هر مرحله پروژه باید به شکل کافی و پیشاپیش در دسترس اجتماع متأثر قرار بگیرد تا بتوانند آنها را مورد ملاحظه قرار دهند و درباره آن تبصره کنند. **اما، در حال حاضر قرارداد نحوه ارائه این معلومات، و میکانیزم های مشاوره و مشارکت را بیان نمی کند.**

قرارداد کنسرسیوم را متعهد می سازد که از اصول استوا تبعیت کند که این اصول به نوبه خود مستلزم مشاوره آزادانه، پیشاپیش و آگاهانه با اجتماعات متأثر در تمام مراحل پروژه هستند.[84] همچنین کنسرسیوم متعهد می شود که از قانون محیط زیست افغانستان تبعیت کند. "اشخاص متأثر می توانند نظر خود درباره پروژه، پلان، پالیسی یا فعالیت پیشنهادی، ارزیابی مقدماتی، اظهاریه اثرات زیست-محیطی، ثبت نهایی نظرات و پلان جامع تخفیف اثرات، قبل از ... تصویب بیان کنند ... و به اداره ملی حفاظت از محیط زیست [باید اثبات شود] که اشخاص متأثر از فرصت های معنادار برای مشارکت در استماعات محلی برای اظهار نظرات خود درباره این موضوعات در زمان مناسب، برخوردار می باشند."[85]

در یک سطح بین المللی، افغانستان از طریق تعهد خویش به حمایت از اصل رضایت آزادانه، پیشاپیش و آگاهانه (FPIC)[s] برای مردمان محلی در خصوص پلان ها یا پروژه هایی که به شکل بالقوه بر دسترسی آنها به زمین، آب، مواد معدنی و یا سایر منابع اثرگذار است، یک گام بیشتر بر می دارد.[86] وضع طرزالعمل های مشورتی در مطابقت با این اصل سطح بالاتر به تضمین اینکه مشارکت اجتماع در تمام مراحل پروژه وجود دارد کمک خواهد کرد.

درباب موضوعات زیست-محیطی، اصل 10 اعلامیه ریو بیان می کند که "مسائل زیست محیطی با مشارکت تمام شهروندان مربوطه به بهترین شکل مدیریت می شوند"، درحالیکه در چین تدابیر مشروط برای «مشارکت عامه در ارزیابی اثر زیست-محیطی» طرزالعمل های را مشخصی برای مشارکت عامه در حفاظت از محیط زیست بیان می کند.[87]

یک کارتون استخراج معدن از آسیای مرکزی. این تصویر مشکلاتی را مجسم می سازد که می تواند هنگامی که شرکت های استخراج معدن حمایت مقامات محلی یا گروه های ذی نفوذ را، به خرج جمعیت وسیع تر محلی،خریداری می کنند ممکن است رخ بدهد. اهمیت دارد که افغانستان از این تجربیات درس بگیرد، و برای حفاظت در برابر پیدایش چنین مشکلاتی در سکتور استخراجی خود سیستم های کنترول و مقابله را وضع کند.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012).

---

r: در این گزارش چنین پنداشته می شود که ارجاع به «اصول استوا» در این قرارداد به نسخه 2006 این اصول است. اما، اصول استوا و سایر استندردهای بین المللی ارجاع داده شده در قرارداد تعریف نشده اند. می دانیم که فقدان تعریف قبلاً به عدم توافق بر سراینکه کدام نسخه های استندردهای بین المللی ارجاع داده شده باید تطبیق گردند (مثلاً نسخه فعلی، یا نسخه های قدیمی تر که حالا منقضی شده اند) منجر شده است.

s: FPIC الزامی می سازد که: (1) اجتماع از اعمال زور، ارعاب، دسیسه، اجبار یا فشار دولت یا شرکت آزاد باشد؛ (2) زمان کافی برای ملاحظه تمام معلومات مرتبط قبل از ملاحظه توافق یا عدم توافق با هرآن طرح پیشنهادی ارائه شده به اجتماع داده شده باشد؛ (3) تمام معلومات مرتبط برای اتخاذ تصمیم ضروری به لسان مناسب به اجتماع ارائه شده باشد. اجتماع باید به معلومات مستقل و، در صورت درخواست، به متخصصین امور حقوقی و تخنیکی دسترسی داشته باشد؛ و (4) از حق پذیرش یا عدم پذیرش هر طرح پیشنهادی برخوردار باشد..(اکسفام آسترالیا 8 اگست 2011).

یک کارتون استخراج معدن از آسیای مرکزی. این تصویر مشکلاتی را مجسم می سازد که می تواند هنگامی که شرکت های استخراج معدن حمایت مقامات محلی یا گروه های ذی نفوذ را، به خرج جمعیت وسیع تر محلی،خریداری می کنند ممکن است رخ بدهد. اهمیت دارد که افغانستان از این تجربیات درس بگیرد، و برای حفاظت در برابر پیدایش چنین مشکلاتی در سکتور استخراجی خود سیستم های کنترول و مقابله را وضع کند.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012).

برعلاوه، UNGP های تایید شده از سوی UNHRC با حمایت صریح چین رهنمودهای واضحی برای دولت ها و شرکت ها درباره الزامات مربوطه شان در قسمت حفاظت و رعایت حقوق بشر ارائه می کنند.[88] شرکت ها ملزم هستند که پروسه های مداوم تلاش مقتضی که باید شامل "مشاوره معنادار با گروه هایی که به شکل بالقوه متأثر می شوند"، با بذل توجه خاص به اثرات بالقوه حقوق بشری بر گروه هایی که "در معرض ریسک بالای آسیب پذیری یا به حاشیه رانده شدن" قرار دارند.

اما، فقدان شروط قراردادی درباره شمول اجتماع موجب ممانعت از عمل در این جبهه نمی شود. در عمل، شرکت عملیاتی کنسرسیوم، MJAM به Global Witness تأیید کرده است که "قبل از، در جریان و از زمان عقد قرارداد استخراج معدن عینک" با اجتماع محلی مشاوره انجام داده است. شرکت بیان می کند که اجازهیک ارزیابی اجتماعی و زیست-محیطی برای پروژه انجام داده است که شامل مصاحبه با باشندگان است. شرکت همچنین مدعی است که مکرراً سران قومی را برای شنیدن نظرات و پیشنهادات آنها درباره پروسه پروژه به ملاقات فراخوانده است.[89] همانطورکه فوقاً بیان شد، GIRoA نیز مصروف انجام سروی ها، مشاوره ها و گروه های تمرکز درباره جنبه های مشخص پروژه (زمین و استقرار مجدد) بوده است.

"اگر این اجتماعات ناکام بمانند کار این معدن رونق نخواهد گرفت. خطر شماره یک جواز اجتماعی فعالیت است." [90]

متخصص استخراج معدن بانک جهانی، مایکل استتلی، که درباره پروژه عینک در یکی از مقالات "وال استریت ژورنال" نوشته دیون نیسنباوم، توضیح می داد، جون 2012.

درحالیکه شمول اجتماع عمل مثبتی است، سوالات درباره اینکه کدام معلومات به کدام قریه ها و چه وقت ارائه می شوند، چه دخالتی در ساحاتی مثل اثرات زیست-محیطی و حقوق بشری وجود دارد، و نتایج شمول اجتماع چه تأثیر عملی بر پلان های پروژه خواهند داشت، همچنان باقی می مانند. همچنین مشخص نیست که چطور مشاوره های کنسرسیوم و وزارت معادن باهم کار می کنند. برای مثال، چطور شکایت های طرح شده از سوی اعضای اجتماع به کنسرسیوم به وزارت رسانده می شود؟ کنسرسیوم تا چه سطح ناگزیر است که نتایج مشاوره های وزارت را مدنظر بگیرد؟ یک سوال اساسی مربوط به جامعیت مشاوره است- آیا مشارکت حقیقتاً تمام قریه های متأثر را مد نظر می گیرد و آیا اشخاصی که کنسرسیوم با آنها دیدار می کنند منحیث نماینده اجتماع وسیع تر تلقی می شوند؟ بهتر است بجای نادیده گرفتن این سوالات بر سر یک پروسه واضح برای مشارکت با اجتماع متأثر، که باید به شکل یک توافقنامه امضاشده بین تمام سه جناح باشد تا که کاملاً الزام آور باشد، به توافق رسید.

دقت خاص باید مبذول شود تا تضمین گردد که گروه های محروم بالقوه مثل زنان و اقلیت های قومی و مذهبی نیز بخشی از این پروسه باشند. قرارداد کنسرسیوم را ملزم می سازد که "به سنت های مذهبی و فرهنگی افغانستان احترام بگذارد"،[91] که شرط حائز اهمیتی است. در عین حال، این خطر وجود دارد که این شرط به مانعی برای، مثلاً، منفعت بردن زنان از فرصت های استخدام و تعلیم و تربیه در پروژه عینک تبدیل شود. وزارت معادن، از طریق ملاحظه ضرورت مد نظر گرفتن زنان در سروی های اجتماعی-اقتصادی اجتماع عینک، آغاز مثبتی در این خصوص داشته است.[92]

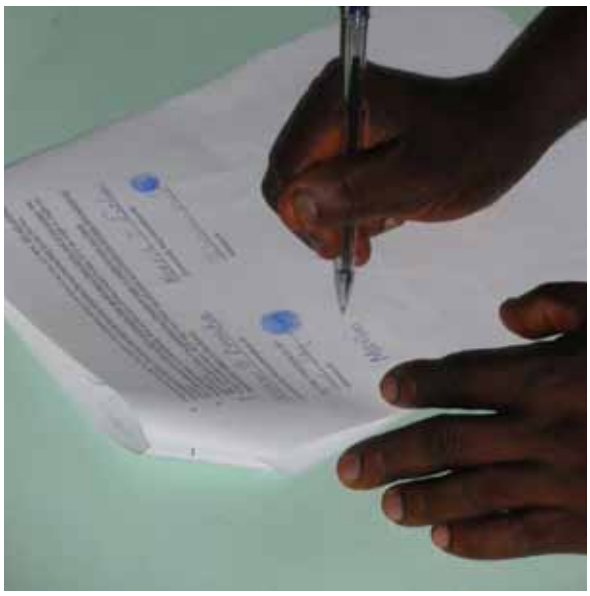

توافقنامه اجتماعی منعقد شده بین یک شرکت واقعه نگاری، اجتماع محلی و اداره محلی در جمهوری دموکراتیک کنگو. مشارکت مداوم اجتماع برای تضمین اینکه پروژه بدون مخالفت محلی به اجرا در خواهد آمد و به نفع تمام جناح ها است، اهمیت کلیدی دارد. یک رویکرد پرکاربرد در سکتور منابع طبیعی اینست که اجتماعات متأثر مستقیماً با دولت و شرکت به توافق برسند تا که بدانند که وعده های داده شده به آنها به لحاظ قانونی قابل انفاذ است.

چوکات شماره 5: حفاظت از سرمایه گذاری های استخراج معدن[t]

برای سرمایه گذاران، شفافیت بیشتر و رضایت آزادانه، پیشاپیش و آگاهانه در تمام مراحل فعالیت صنعت مواد استخراجی می تواند منافع معتنابهی به باور آورد:

- مشاوره زودهنگام امکان شناسایی ریسک های بالقوه را فراهم می سازد، و موجب تحقق صرفه جویی های مالی می شود.
- رسیدگی به تشویش های اجتماع قبل از آنکه به شکایت تبدیل شوند احتمال موفقیت و تأثیرگذاری بیشتری دارد. اگر از ابتدا به مشکلات رسیدگی نشود، ممکن است در مراحل بعدی تدابیر پرهزینه و به شکل بالقوه ناموفق تسکینی را الزامی بسازد.
- مخالفت محلی می تواند سبب افزایش اعتراضات و خشونت در هرآن مرحله شود، که این امر به شکل بالقوه به تعلیقات، تأخیرهای پرهزینه منجر می شود و در نهایت قابلیت دوام پروژه را تحت تأثیر قرار می دهد. ممکن است دولت های میزبان وادار شوند که عملیات ها را متوقف بسازند، جوازها را لغو کنند و یا جریمه وضع کنند و ممکن است وضعیت مالی پروژه در معرض خطر قرار بگیرد.
- خصومت های محلی می تواند امنیت کارکنان معدن را به خطر بیندازد، محیط کاری را تحت تأثیر قرار دهد و استخدام و حفظ کارمندان را مشکل تر بسازد.
- تبلیغات منفی می تواند بر تصویر و شهرت شرکت اثرگذار باشد، و مذاکره با دولت های میزبان و جذب وجوه مالی برای پروژه را دشوارتر بسازد.
- تقاضا برای بروندادهای پروژه می تواند با تحریم ها تحت تأثیر قرار بگیرد، درحالیکه عرضه مواد ضروری مثل منابع آب می تواند با ممانعت های اجتماع تحت تأثیر قرار بگیرد.
- حصول کمک محلی در سطح وسیع می تواند به تضمین ادامه پروژه از طریق تغییرات در نظام حاکم کمک کند.

توصیه ها درباب شمول اجتماع

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- تضمین کنند که شروط مشخصی برای درخواست FPIC اجتماع محلی در تمام مراحل پروژه وجود دارد، و این کار با یک توافقنامه امضاشده از سوی اجتماع و کنسرسیوم پشتیبانی می شود.
- مسئولیت های مربوطه GIRoA و کنسرسیوم را بیان کنند و بر سر آن به توافق برسند تا تضمین شود که حقوق بشر تحت UNGPs حفظ می شود و مورد احترام قرار می گیرد.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- استندرد FPIC اجتماعات محلی را به تمام پروژه های صنایع استخراجی تطبیق کنند، و این کار را با تصمیم اولیه برای بهره برداری از یک واگذاری آغاز کنند، و این استندرد را در تمام قراردادهای آینده مواد استخراجی بگنجانند.
- تضمین کنند که پروسه های شمول اجتماع تمام اعضای اجتماع بشمول گروه های قلیت قومی، زنان و جوانان را مد نظر می گیرند.
- **UNGP ها را در تمام قراردادهای صنایع استخراجی بگنجانند.**

اجتماع بین المللی باید:

- آموزش و حمایت برای ارتقای ظرفیت به منظور ارزیابی و رسیدگی کامل به پیامدهای استخراج ارائه کنند.
- برای ارتقای ظرفیت به منظور شمول مؤثر اجتماع محلی و برای ارتقای ظرفیت به منظور اجرای UNGP ها آموزش و حمایت ارائه کنند.
- مسئله شمول مؤثر اجتماع را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی به افغانستان بگنجانند.

---

t: برای ملاحظه تفصیلی تر و مثال های مشخص منافع سرمایه گذاری در کسب رضایت اجتماع، رجوع کنید به: ساهن چی، هرز اس و لا وینا ای، "قضیه تجاری برای رضایت اجتماع"، انستیتوت منابع جهان [ایالات متحده امریکا]، می 2007. قابل دسترسی درhttp://pdf.wri.org/development_without_conflict_fpic.pdf. [تاریخ آخرین دسترسی 15 سپتمبر 2011].

ج) طرزالعمل های طرح شکایت

وقتی که شکایت های اجتماع مطرح می شوند، مهم است که طرزالعملی برای رسیدگی بهنگام به آن به منظور جلوگیری از ایجاد تنش و انگیزش بالقوه خصومت وضع شده باشد. طبق قرارداد، GIRoA یا کنسرسیوم می توانند هرآن منازعه برخاسته در رابطه با پروژه عینک را به حکمیت (یک سیستم محرمانه و خصوصی برای رفع منازعات که خارج از سیستم محکمه عمل می کند) ارجاع دهند. اما، از آنجا که اجتماع محلی یکی از جناح های قرارداد نمی باشد، این بدان معناست که گزینه رفع منازعه برای این گروه وجود ندارد. آنها می توانند برای مشکلاتی که تحت پوشش قانون افغانستان قرار دارد از محاکم ملی استفاده کنند، اما در مواردی که تشویش های آنها به تعهداتی که صرفاً در قرارداد صورت گرفته اند (مثل تعهدات شرکت در قسمت عدم استفاده از آب زراعتی) مربوط می شود، آنها نمی توانند از طرف خود اقدامی اتخاذ کنند. در عوض، اعضای اجتماع ناگزیر خواهند بود که به تمایل GIRoA برای اقدام به نمایندگی از آنها اتکا کنند.

وزارت معادن در حال حاضر برای پر کردن این شکاف در حال طراحی یک "میکانیزم رسیدگی به شکایات" برای پروژه عینک است. طبق اظهارات وزارت، میکانیزم کمیته ای خواهد داشت متشکل از نماینده های وزارتخانه های مربوطه، شرکت، یک مؤسسه غیردولتی، شوراها (شوراهای محلی/ اجتماعی)- بشمول شوراهای زنان، و حکومت محلی/ ولایتی. منازعات حل ناشده به وزارت ارجاع داده خواهد شد و نتایج آنها در یک دیتابیس به ثبت خواهد رسید.[93]

باآنکه این یک آغاز خوشایند است، سوالات کلیدی که مؤثریت آن را تعیین خواهند کرد، باقی می مانند. **مهم است که اینها در طراحی میکانیزم به شکل کامل مورد ملاحظه و رسیدگی قرار بگیرند، و توصیه های مربوط به میکانیزم های طرح شکایت که در UNGP ها بیان شده اند را انعکاس دهند.**

برای مثال:

- اعضای اجتماع ضرورت خواهند داشت که بدانند از چه حقوقی برخوردار هستند، تا که بتوانند هنگام نقض این حقوق شکایت خود را طرح کنند. بازهم، شفافیت قرارداد این امکان را فراهم می سازد.
- اجتماع ضرورت دارد که میکانیزم را مشروع تلقی کند، بنابراین نماینده های کمیته باید مورد اعتماد و احترام باشند.
- همچنین باید اقدامات حفاظتی برای شاکیان وضع شوند، خصوصاً اگر شکایت علیه شخص موظف در کمیته، یا مرتبط با آن، باشد.

البته، نیل به اینها در بافت افغانستان دشوار است، اما اگر قرار است که میکانیزم به شکل مؤثر عمل کند مهم است بررسی شود که چطور می توان اینها را انجام داد. باتوجه به اندازه نسبتاً کوچک اجتماعی که مستقیماً متأثر می شوند، یک گزینه می تواند شروع کار با یک نشست عمومی، که درباره آن پیشاپیش به شکل کامل اطلاع داده شود، باشد.و در این جلسه به کل اجتماع توضیح داده شود که برای چه کارهایی پلان شده است، معلومات و یک مدت برای ارائه تشویش ها یا پیشنهادات (به شکل کتبی یا لفظی به یک

بزرگان قریه در یک شورا در ولایت لوگر. برای آنکه میکانیزم رسیدگی به شکایات عینک به شکل مؤثر به شکایت ها و تشویش های محلی رسیدگی کند، مهم است که در طراحی آن از مشوره های اجتماع به شکل کامل بهره گرفته شود، و ساختار آن مورد توافق گروه های متأثر بالقوه پروژه قرار بگیرد.
(کریت: عکس اردوی ایالات تتحده از دگرمن گلچرست/-Cre ative Commons).

نماینده مستقل)، و طرزالعملی برای مدنظر گرفتن آنها ارائه شود. **پروسه نهایی باید کتباً تأیید شود، و از سوی کنسرسیوم مورد توافق قرار بگیرد تا که بر شرکت الزام آور باشد، و توافقنامه مربوطه باید به نشر برسد. ضرورت است که نظارتی باز و مستقیم بر سراسر پروسه وجود داشته باشد تا تضمین شود که پروسه عادلانه و صادقانه است و تلقی می شود.**

موضوع دیگر این است که آیا وزارت معادن، با توجه به تعارض های بالقوه در خصوص رابطه آن با شرکت استخراج معدن، نهاد مناسب برای اتخاذ تصمیم نهایی درباره شکایات است یا خیر.

چوکات شماره 6: مباحثات با اجتماع محلی

در نومبر 2011، Global Witness با تعدادی از اعضای اجتماع متأثر از پروژه عینک دیدارهایی را صورت داد. بعضی از تشویش های مطرح شده بر دشواری های فعالیت در محیط فعلی، و ضرورت اتخاذ اقدام در حال حاضر، تأکید داشتند. در آن زمان، اینها شامل موارد ذیل بودند:

- هیچ معلومات رسمی درباره پروژه عینک به اجتماع ارائه نشده بود.
- وعده های داده شده از سوی مقامات ارشد محلی در گذشته عملی نشده است. برای مثال به نقض تعهد مبنی بر استقرار مجدد اجتماعات در همان ساحه اشاره شد.
- این قریه ها بین کابل و لوگر تقسیم شده اند و اعضای اجتماع به شورای متفاوت می روند. یک رویکرد ناسازگار به مشاوره با بزرگان اجتماع وجود دارد، بنابراین ممکن است مشخص نباشد که چه کسی به نمایندگی از اجتماع مورد مشوره قرار می گیرد.
- شکی وجود دارد مبنی بر اینکه اعضای اجتماع عمداً جدا نگه داشته می شدند تا از ایجاد یک رأی متحد در اجتماع جلوگیری شود.
- خطر به حاشیه رانده شدن گروه های مشخص اجتماع وجود دارد.
- ضرورت بود که دولت به شکل باز درباره قرارداد صحبت کند.
- اشخاص و قریه های مشخصی به دلیل ارتباط شان و دینامیک قدرت در محل به شکل نامتناسب از فرصت های استخدام و آموزش بهره مند می شوند.
- تشویش هایی مبنی بر اینکه به دلیل تاریخچه خصومت در آن ساحه، سطح تحصیل در اجتماع محلی پایین است و بنابراین کمتر احتمال دارد که آنها برای کورس های آموزشی سطح بالا که از سوی شرکت استخراج معدن ارائه می شود، اشتراک کنند. در مجموع، بر اهمیت بسته مزایا که ضروریات ساحه محلی را انعکاس می دهد تأکید شد.
- ارجاعات به اشخاصی که از ساحات خارج از منطقه عینک هستند و مدعی اند که بخشی از اجتماع متأثر می باشند.
- درکی در این مورد که سطوح آب در چاه ها با عملیات های حفر چاه اکتشافی تحت تأثیر قرار می گیرد.[u]

کنسرسیوم و شرکت، هردو، به شکایت های قبلی طرح شده پیرامون اثر پروژه بر یک قبرستان اجتماع ارجاع دادند.[94] خوشبختانه، کنسرسیوم مستقیماً با اعضای اجتماع برای حل این مشکل دیدار کرده است. اما جای بحث است که اگر در ابتدا درباره حساسیت های فرهنگی با اجتماع مشوره صورت می گرفت، این مشکل در درجه اول مطرح نمی شد. این وضعیت بر ضرورت شمول و مباحثه در ابتدای کار تأکید می کند.

u: مباحثات صورت گرفته با زمین شناسان پیشنهاد می کنند که وقوع چنین اثر آبی در این مرحله از عملیات نامحتمل است. اما، تشویشی هایی از این دست باید مورد تحقیق و بررسی قرار بگیرند و، در صورتی که کار پروژه علت آنها نباشد، این امر باید به اجتماع توضیح داده شود.

یک نظام عدلی خصوصی؟

استفاده از حکمیت برای حل و فصل منازعات بین GIRoA و شرکت استخراج معدن نیز امری پرمسئله است. از آنجا که حکمیت ها به شکل پیشفرض، محرمانه می باشند اقدامات و قضاوت ها به شکل عمومی اعلام نمی شوند. این بدان معناست که می توان اجتماع محلی و مردم افغانستان به مثابه یک کل را از تصمیماتی که می تواند پیامدهای جدی برای آنها داشته باشد بی اطلاع نگه داشت. برای مثال، در یوگاندا ارجاع یک منازعه جاری مالیاتی یک پروژه بزرگ نفتی به حکمیت سبب شکایت مردم شده است.[95]

برای جلوگیری از وضعیت مشابه در افغانستان، توصیه می شود که GIRoA و کنسرسیوم بر سر عام ساختن و انتشار جریانات حکمیت توافق کنند. به بازیگران خصوصی از قبیل مؤسسات غیردولتی باید اجازه داده شود که اسناد خلاصه مدعو بی طرف (amicus curiae briefs) خود را ارائه کنند تا به مقامات قضایی در تصمیم گیری های شان کمک کنند.[۷] با توجه به اینکه ممکن است جمعیت متأثر برای حصول دسترسی به نظام عدلی مبارزه کنند، قدرتمندسازی جامعه مدنی در این راه می تواند به حفاظت از حقوق اجتماع مدنی کمک کند.

حکمیت یک سیستم خصوصی حل و فصل منازعات است که طی آن جناح ها می توانند بجای ارجاع به محکمه از آن استفاده کنند. از آنجا که حکمیت یک پروسه محرمانه است، از سوی شرکت هایی که خواهان توافق بر سر حل و فصل های الزام آور منازعات به شکل خصوصی هستند، به شکل گسترده ای استفاده می شود. اما، در مواردی که یکی از جناح های منازعه دولت است، استفاده از یک پروسه محرمانه به این معناست که اشخاص دولت به نمایندگی از آنها عمل می کند نمی توانند حل و فصل یا فیصله ای که می تواند پیامدهای عمده ای برای آنها داشته باشد را ببینند.
(کریدت:مکسر/shutterstock.com).

توصیه ها درباب طرزالعمل های طرح شکایت

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- تضمین کنند که میکانیزم جدید رسیدگی به شکایات در عینک با UNGP ها مطابقت دارد و در طراحی آن مشاوره با اجتماع محلی در نظر گرفته می شود.
- توافقنامه شرکت مبنی بر تبعیت از تصمیمات اتخاذ شده از طریق میکانیزم جدید رسیدگی به شکایات را منتشر بسازند.
- توافق کنند که تمام اقدامات حل و فصل منازعه قضایی به شکل عمومی خواهد بود، منتشر خواهد شد و حقوق نظارت بی طرفانه برای جامعه مدنی در آن گنجانده خواهد شد.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- تضمین کنند که قراردادهای واگذاری امتیاز در آینده شامل شروط مربوط به طرزالعمل های طرح شکایت طبق UNGP ها می باشد و از مشاوره های اجتماع محلی به شکل مناسب تبعیت می کنند.
- ارجاع میکانیزم رسیدگی به شکایات، بشمول این مسئله که آیا بر پروژه های همراه با معدن عینک مثل اعمار خط آهن، نیز تطبیق می شود یا خیر، را تصریح کنند.
- تضمین کنند که تمام قراردادهای واگذاری امتیاز مقرر می کنند که اقدامات قضایی عمومی هستند، منتشر می شوند و حقوق نظارت منحیث جناح بی طرف را برای جامعه مدنی دربر دارند.

اجتماع بین المللی باید:

- آموزش و پشتیبانی به GIRoA برای دخالت دادن مؤثر اجتماع محلی و ارائه میکانیزم های مناسب طرح شکایت ارائه کند.
- برای ارتقای ظرفیت پارلمان در امر نظارت بر طرح پروسه های مناسب طرح شکایت و پیگیری تشویش های مشخص شده از طریق این پروسه ها آموزش و پشتیبانی ارائه کند.
- به منظور ارتقای ظرفیت جامعه مدنی برای تضمین استفاده مؤثر از طرزالعمل های طرح شکایت و حقوق نظارت منحیث جناح ثالث آموزش و پشتیبانی ارائه کنند.
- میکانیزم های مکفی، معتبر، قابل دسترسی و مؤثر را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی به افغانستان بگنجاند.

۷: یک ناظر بی طرف، یک جناح ثالث است که برای ارائه نظر داوطلبانه به یک منازعه می پیوندد. نقش ناظر بی طرف عبارت است از کمک به محکمه یا حَکَم در تصمیم گیری در خصوص یک قضیه با ارائه معلومات و یک منظر متفاوت از منظر جناح ها.

جامعه مدنی می تواند نقش مؤثری در این طرزالعمل ایفا کند. برای مثال، در بیواتر گاوف (تانزانیا) لمیتد علیه جمهوری متحد تانزانیا پنج گروه جامعه مدنی یک خلاصه دعوای مکتوب مشترک درباب یک مناقشه مربوط به پروژه زیربنایی آب و رواناب در دارالسلام ارائه کردند. حکم محکمه در 24 جولای سال 2008 اعلام شد که مواد ارائه شده جامعه مدنی را منحیث موادی که "تخصص و رویکردهایی که اثبات شده که اساساً از رویکردهای دو جناح متخاصم تفاوت دارند [ارائه کردند] و به این ترتیب کمک مؤثری به این اقدامات قضایی ارائه کردند" توصیف کرد. قابل دسترسی در http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=CasesRH&actionVal=showDoc&docId=DC1589_En&caseId=C67
[آخرین تاریخ دسترسی 9 سپتمبر 2011].

4. شروط اقتصادی

بخش ذیل نشان می دهد که نرخ های حق الامتیاز بلند اعلی با شروطی که مذاکر مجدد را در آینده اجازه می دهند، و دوره های انحصار پیشنهاد برای سایر مواد معدنی و منابع در ساحه پروژه را اعطا می کنند، تضعیف می شود. این بخش همچنین نشان می دهد که برای ارزیابی اثر مجموعی اقتصادی به چه میزان معلومات بیشتر ضرورت است.

با نزدیک شدن به موعد گذار 2014 و کاهش مورد انتظار در کمک های خارجی، ضرورت به بسیج منابع داخلی افغانستان توجه فزاینده ای را به خود جلب می کند. ضوابط قرارداد در تعیین اینکه پروژه عینک چه منافعی را به بار می آورد نقش کلیدی دارند و مرجع مهمی را برای ساختار اقتصادی قراردادهای واگذاری امتیاز در آینده تشکیل می دهند. اصول شورای دولتی چین درباب سرمایه گذاری خارجی بر ضرورت "برابری. . انتفاع متقابل، متمم بودن و همکاری برد-برد" تأکید می کند."[96] تضمین اینکه منافع اقتصادی دو جناح قراردادکننده به شکل کامل ارزیابی و با دقت متوازن می شود در تضمین اینکه عینک یک پروژه واقعاً برد-برد برای GIRoA، مردم و افغانستان و کنسرسیوم است، ضروری می باشد.

ضرورت به معلومات کامل

طبق قرارداد، مشخص شده است که افغانستان از طرق ذیل به منافع مستقیم و غیرمستقیم دست می یابد:

- پاداش قرارداد- پرداخت های سه مرحله ای از جانب کنسرسیوم بالغ بر 808 ملیون دالر برای حق اکتشاف و بهره برداری از ذخایر؛[97]
- حق الامتیازها – یک مقیاس متغیر بین 3% و 19.5% قیمت مس، که نرخ آن وابسته به قیمت مس در بازار مبادله فلزات لندن است.[98]
- عواید مالیاتی- تابع محرک های مالیاتی ارائه شده به سرمایه گذاران صنعت مواد استخراجی؛[99]
- انکشاف زیربنا؛[100] و
- پروژه های انکشاف اجتماعی و استخدام.[101]

ظاهراً، نرخ های حق الامتیاز بسیار بلند به نظر می رسند، که پیشنهاد می کند که این حالت می تواند یک معامله مالی خوب از منظر طرف افغانی باشد. اما، کمبود شفافیت مانعی عمده بر سر راه ارزیابی درست منافع اقتصادی برای مردم افغانستان از پروژه عینک است.

برای ارزیابی کامل مزایای معامله، معلومات بیشتر درباره ذخایر بشمول تفصیلات درجه مس، عمر متوقعه معدن و ذخایر تخمینی ضروری است. اساساً، توافقنامه های فرعی باید مورد بررسی قرار گیرند تا که مزایای اقتصادی برای دو جناح که از پروژه های زیربنایی حاصل می شوند، و نیز مبنایی که کنسرسیوم بر طبق آن می تواند به سایر مواد معدنی برای پروژه دست یابد، را بتوان مد نظر قرار داد.

چه وقت یک نرخ حق الامتیاز، واقعاً یک نرخ حق الامتیاز نیست؟

همچنین یک تعداد شروط در قرارداد اصلی وجود دارند که می توانند منافع اقتصادی ناشی از پروژه را تضعیف بسازند.

یک ساحه عمده ریسک، ماده 20(c) است که می تواند به کنسرسیوم اجازه دهد که در شروط قرارداد برای نیل به نرخ های مطلوب تر تجدید نظر کند. این ماده بیان می کند که اگر GIRoA با یک جناح دیگر قرارداد استخراج معدن یا صنعتی عقد کند که "در قسمت ثبات ضوابط مالی یا سایر ضوابط مالیاتی دارایرویکرد مطلوب تری نسبت به ضوابط قراردادشده با کنسرسیوم تحت این قرارداد استخراج معدنباشد، جناح ها توافق می کنند که قرارداد استخراج معدن برای تطبیق رویکرد مطلوب تر بر کنسرسیوم اصلاح شود."

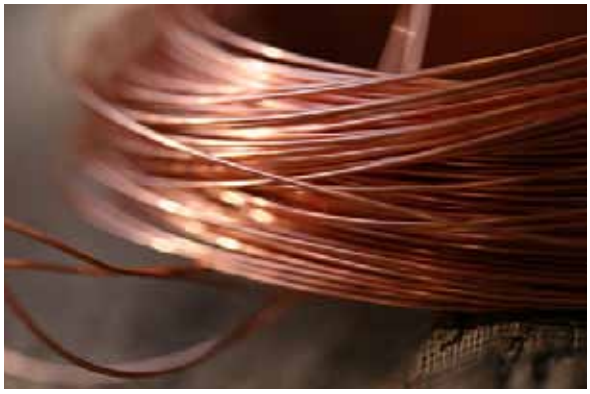

به نظر می رسد که نرخ حق الامتیاز برای مس تحت قرارداد عینک بسیار بلند است. کاهش این نرخ می تواند در آینده مورد مذاکره مجدد قرار بگیرد و مزایای اقتصادی معامله را کاهش دهد.
(کریدت: انگی شایریگ/Creative Commons).

چوکات شماره 7: درس هایی از لایبریا [102]

در اگست سال 2005، شرکت میتال استیل (Mittal Steel) یک قرارداد مهمی را برای بهره برداری از معادن واگذارشده سنگ آهن لایبریا منعقد کرد. انتظار می رفت که این معامله، با یک سرمایه گذاری حدود 900 ملیون دالر طی 25 سال، مزایای عمده اقتصادی را برای مردم لایبریا بشمول عواید، استخدام و بهبود زیربناها به بار آورد. اما، Global Witness با تحلیل قرارداد تعدادی از ضوابط را مورد ملاحظه قرار داد که خطر تضعیف منافع بالقوه اقتصادی برای کشور را ایجاد می کردند بشمول:

- آزادی شرکت در تعیین قیمت سقف سنگ آهن، و بنابراین مبالغ حق الامتیاز قابل پرداخت به دولت.
- ترتیبات رجحانی مالیات برای میتال بشمول مصونیت از مالیات قابل تمدید برای مدت حداقل پنج سال، که لایبریا را به شکل بالقوه از عواید ارزشمند مالیاتی محروم می ساخت.
- انتقال دو دارایی عمده- یک بندرگاه و یک خط آهن سراسری به شرکت میتال استیل. دولت لایبریا صرفاً در صورت وجود ظرفیت اضافی و با پرداخت مصارف می توانست به خط آهن دسترسی داشته باشد. این انتقال پوتنشیل محروم ساختن دولت از یک منبع مهم عواید ملی و در معرض خطر قرار دادن دسترسی اجتماع محلی به بازارهای خارجی، که برای انکشاف آنها ضروری بود، را به همراه داشت.
- یک ماده دقیق تثبیت که پوتنشیل تضعیف حق لایبریا در وضع مقررات درباره حقوق بشر، محیط زیست و مالیات بندی و برآورده سازی الزامات فعلی و آینده خود تحت قانون اساسی لایبریا و همچنین تعهدات مربوط به قانون بین المللی آن را دارا بود.
- حقوق تصاحب زمین های عامه و خرید اجباری زمین های خصوصی در نرخ تعیین شده از سوی شخص مورد توافق دولت لایبریا و میتال بدون دخالت مالک زمین به میتال داده شده بود. ریسک پرداخت غرامت ناکافی و مشاوره و میکانیزم های طرح شکایت ناکافی برای اشخاص متأثر می توانستند منبع بالقوه منازعه و خصومت باشند.

سرانجام، فشارهای وارده از جانب عموم مردم و جامعه مدنی منجر به مذاکره مجدد بر سر قرارداد میتال شد. این حالت نشان می دهد که چطور شرکت های چندملیتی چطور می توانند نسبت به این تشویش ها پاسخگو باشند.

برمبنای این ماده، اگر GIRoA در قرارداد حاجیگک یا هر قرارداد دیگر واگذاری امتیاز بر سر نرخ های پایین تر به توافق برسد، کنسرسیوم به شکل خودکار این استحقاق را می یابد که بر سر ضوابط اقتصادی مجدداً به مذاکره بپردازد، و می تواند به کاهش معتنابهی در، برای مثال، نرخ حق الامتیاز منجر شود.[103] علاوه بر این، اقدام حفاظتی در عبارات قرارداد برای جلوگیری از پیشنهاد کنسرسیوم، چه مستقیماً و چه از طریق یک شرکت تابعه، برای یک واگذاری امتیاز دگیر با ضوابط مطلوب تر اقتصادی، به منظور انفاذ ماده 20(c) وجود ندارد. **پیامد این حالت می تواند چنین باشد که مذاکرات آینده برای سایر معادن با ضرورت شامل ساختن نرخ های حق الامتیاز بسیار بلند که ممکن است برای آن ماده معدنی مناسب نباشد یا برای سرمایه گذاران بالقوه قابل پذیرش نباشد، محدود می شود.**[104]

یک ریسک دیگر این نوع طرح شروط این است که می تواند راه "گلچین کردن" بهترین شروط موجود را برای شرکت ها بگشاید. برای مثال، اگر یک واگذاری امتیاز دیگر با نرخ حق الامتیاز پایین تر و نرخ مالیات بالاتر اعطا شد، کنسرسیوم می تواند از این واگذاری منحیث دلیلی برای مذاکره بر سر کاهش نرخ حق الامتیاز استفاده کند- اما اساساً، بدون در نظر گرفتن تغییر در نرخ مالیات. به این طریق، شروطی مثل ماده 20(c) می تواند به "کاهش" شروط مالی در قراردادهای استخراج معدن، به ضرر دولت افغانستان منجر شود و باید از طرح آنها به طور کامل جلوگیری شود.[105]

تحت ضمیمه V قرارداد، کنسرسیوم موظف نیست که برای هر نوع مواد ساختمانی که از ساحه جواز عینک حاصل می کند و برای انکشاف زیربنا استفاده می کند حق الامتیاز پرداخت کند. این ماده باید در هر مورد بررسی قراردادهای زیربنایی فرعی مدنظر گرفته شود. اگر انتظار برود که اگر پروژه های زیربنایی پیشنهادی مقادیر معتنابه مواد مثل ریگ یا سنگ از ساحه جواز عینک به مصرف برسانند، این امر می تواند تضمناتی برای پرداخت های حق الامتیاز ناشی از پروژه داشته باشد.

آیا شروط مالی باید مورد مذاکره مجدد قرار بگیرند؟

یک ماده مهم دیگر ماده 10 است که اجازه بررسی برای حصول اطمینان از اینکه قرارداد "به شکل منصفانه و بدون ضرر عمده به منافع هر یک از دو جناح عمل می کند" را می دهد. جناح ها می توانند برای بازنگری شروط مالی و سایر شروط نظر به "شرایطی که تولید مواد معدنی تحت آن انجام می گیرد" توافق کنند. . .، کیفیت مواد معدنی، شرایط بازار برای مواد معدنی، قدرت خرید رایج پول و ضوابط و شرایط حاکم بر فعالیت های قابل مقایسه مواد معدنی". این پیشنهاد می کند که کنسرسیوم می تواند ضوابط مالی را بر مبنای، مثلاً، مصارف بالای پروژه، کیفیت پایین مس یا کاهش قیمت عمومی مس مورد مذاکره مجدد قرار دهد. این ماده همچنین می تواند به کنسرسیوم اجازه دهد که در برابر هرآن تغییر در پروژه که می تواند مصارف آن را افزایش دهد مقاومت کند. این می تواند مانعی برای تقویت شکاف های قرارداد باشد، چرا که بهبودی های مهم مثل وضع پروسه های

مؤثر شمول اجتماع و حل و فصل شکایات احتمالاً مصارف اضافی را افزایش می دهند.

در عمل، این ماده ممکن است قابل انفاذ نباشد چرا که صرفاً توافقی است از جانب جناح ها مبنی بر عقد یک توافقنامه جدید در آینده. اما، برای جلوگیری از منازعات در آینده، باید به این ماده رسیدگی شود، تا مشخص شود که مانعی برای بهبودی های ضروری پروژه نخواهد بود.

حقوق بر سایر مواد معدنی و منابع طبیعی

قرارداد همچنین شش ماه حق درخواست برای دسترسی به حقوق هرآن "ماده معدنی یا سایر منابع طبیعی" که در ساحه جواز عینک یافت می شود را به کنسرسیوم اعطا می کند. (ماده 6). اگر GIRoA و کنسرسیوم نتوانند بر سر ضوابط اکتشاف و بهره برداری از این منابع در طی این دوره به توافق برسند، آنگاه GIRoA می تواند آن را به یک پیشنهاددهنده دیگر اعطا کند. این ماده به شکل مؤثر یک دوره شش ماهه انحصار ارائه پیشنهاد برای منابعی که جدیداً کشف می شوند به کنسرسیوم می دهد.

اعطای حقوقی از این دست به شرکت ها برای اکتشافات مواد معدنی غیرمعمول نیست. اما، با توجه به ظرفیت معدنی گسترده افغانستان، که تاهنوز باید به شکل کامل مورد اکتشاف قرار گیرد، این ماده می تواند در مورد عینک بسیار پرارزش باشد- خصوصاً اگر مواد معدنی بسیار پرارزش مثل احجار کریمه در ساحه جواز کشف شوند. در نتیجه، حقوق دسترسی می تواند با نرخ های غیررقابتی به کنسرسیوم اعطا شود. ارزش بالقوه این دوره انحصار باید در هنگام ارزیابی تضمنات اقتصادی مجموعی پروژه عینک مد نظر گرفته شود.

رکن دوم ماده 6، که یک دوره انحصار درخواست برای حقوق دسترسی به "سایر منابع طبیعی" را مقرر می کند، غیرمعمول تر و بسیار پرمسئله است. از آنجا که این عبارت تعریف نشده است، راه مطالبه حقوق به یک سلسله منابع برای کنسرسیوم، مستقل از کار آن روی پروژه عینک، بشمول زغال، چوب و آب، باز است. این امر می تواند تضمنات جدی برای افغانستان داشته باشد و بر دسترسی مردم افغانستان به منابع کلیدی ضروری برای الزامات انرژی و معیشت در هردو سطح محلی و ملی اثرگذار باشد.

GIRoA حالا این فرصت را دارد که یک چوکات قراردادی و ساختارهایی را وضع کند که تضمین کنند که منافع اقتصادی ناشی از عینک و سایر پروژه های مواد استخراجی حقیقتاً به مردم افغانستان منفعت می رسانند. برای کنسرسیوم، این امر می تواند حمایت مردمی از پروژه عینک را به همراه بیاورد و، همراستا با رهنمودهای چین درباب مسئولیت اجتماعی برای شرکت های دولتی، به "ایجاد یک تصویر «مسئولیت پذیر» از تصدی های اصلی و افزایش نفوذ تصدی های چینی" و به "[ایجاد] تصویر از چین منحیث یک کشور رو به انکشاف مسئولیت پذیر" کمک کند."[106] بهبود ضوابط اقتصادی قرارداد و کمک به بهبود مدیریت عواید و نظارت نیز برای جامعه بین المللی اهمیت کلیدی دارد، و به تضمین اینکه سکتور استخراج معدن عملاً عواید ضروری برای کمک به تأمین مخارج آینده GIRoA را تأمین می کند، کمک می کند.

مصارف پروژه چیستند؟

برای ارزیابی درست از پروژه عینک، GIRoA ضرورت دارد که مصارف پروژه، هم برحسب اثرات بر فعالیت های اقتصادی و هم برحسب تمویل مستقیم مورد نیاز از جانب GIRoA برای پشتیبانی از پروژه، را مد نظر بگیرد.

برای فعالیت های اقتصادی، عینک و سایر معادن می توانند اثرات عمده ای بر منابع آب و استفاده از زمین داشته باشند. این امر می تواند به نوبه خود پیامدهای جدی برای فعالیت هایی که نقش محوری در معیشت اقتصادی دارند، مثل زراعت، مالداری و ماهیگیری به همراه داشته باشد.

GIRoA (و اصولاً دونرهایی که بودجه دولت افغانستان را تمویل می کنند) نیز مستقیماً وجه مالی برای پروژه فراهم می کند. MPU که امنیت محل عینک (و سایر مناطق استخراج معدن) را تأمین می کند، یک نیروی امنیتی دولتی است، و بنابراین باید از سوی دولت تمویل شود. همچنین گزارش شده است که وزارت مالیه نیز حدود 3 ملیون دالر برای اعمار تأسیسات زیربنایی در شهر محل استقرار مجدد اهالی قریه های منطقه عینک تخصیص داده است. مبلغ 2 ملیون دالر دیگر برای سال مالی جاری برای اعمار تأسیسات زیربنایی و تسهیلات اساسی در منطقه استقرار مجدد درخواست شده است.[107] سایر مصارف برای GIRoA شامل مصرف کارکنان و تجهیزات برای نظارت و رسیدگی به مشکلات اجتماعی در پروژه می باشند.

این کارتون استخراج معدن که مربوط به آسیای مرکزی است ریسک سرمایه گذاری های احتکاری شرکت های استخراج معدن را به تصویر می کشد- نشستن روی جوازهای خود و آنگاه فروش مجدد آنها تا که استخراج معدن اندکی صورت بگیرد و مالکین مکرراً تغییر کنند. این می تواند بدان معنا باشد که کشورها حاصلات اقتصادی را که از سکتورهای مواد استخراجی خود انتظار دارند تا سال های طولانی به چشم نمی بینند.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoi/ روسلان والیتو 2012).

تمام پروژه های جدید استخراج معادن مصارفی به همراه می آورند که افغانستان باید برعهده بگیرد. مهم است که این مصارف پیشاپیش و با صراحت مورد ارزیابی قرار بگیرند، و هنگام تصمیم گیری درباره اینکه آیا بهره برداری به لحاظ اقتصادی مناسب است یا خیر، مد نظر گرفته شوند.

کمک به مأمور مالیاتی

برای حصول اطمینان اینکه افغانستان عملاً حاصلات درآمدی ناشی از پروژه عینک را حصول می کند، نسبت به مالیات نیز باید به مثل حق الامتیازها توجه صورت گیرد. یک ساحه ریسک در اینجا این است که شرکت هایی که در پی کاهش بار مالیاتی خویش هستند گاهی از روش تمویل با استقراض برای کاهش مصنوعی عاید مشمول مالیات خود استفاده می کنند. اگر وجوه مالی پروژه منحیث یک قرضه تأمین شود، شرکت استخراج معدن ناگزیر خواهد بود که برای آن ربح تأدیه کند، که می تواند منجر به کاهش مالیاتی شود که ناگزیر به پرداخت آن است. این بدان معناست که در مواردی که سرمایه پروژه از سوی یک شرکت والد تأمین می شود، این تمویل غالباً منحیث "قرضه" سازماندهی می شود تا که گروه بتواند مالیاتی را که برای پروژه می پردازد به حداقل برساند. برای دولت مربوطه، این ساختار مصنوعی تمویل می تواند به این معنا باشد که آنها عواید مالیاتی که درغیراینصورت از پروژه دریافت می کردند را دریافت نمی کنند. اما، می توان اقدامات حفاظتی را برای حفاظت در برابر این برنامه های قرضه گنجاند، برای مثال با وضع یک حد مشخص بر تمویل از طریق قرضه.

توصیه ها درباب شروط اقتصادی

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- شروط مربوط به حق مذاکره مجدد بر سر ضوابط مالی برای کنسرسیوم طبق ماده 20(c) را، برای حفاظت بهتر از موقعیت اقتصادی GIRoA و مردم افغانستان مورد بازنگری قرار دهند؛ و ارجاع به "سایر منابع طبیعی" را از ماده 6 حذف کنند.
- بر سر یک طرزالعمل تفصیلی تر برای اکتشافات معدنی، به خصوص اکتشافات مربوط به منابع بسیار پرارزش مثل احجار کریمه، به توافق برسند و آن را منتشر بسازند.
- **تأیید کنند که تأدیات کنسرسیوم از پروژه عینک به یک حساب مشخص شده دولت افغانستان پرداخت خواهند شد.**
- معلومات موجود درباره ذخایر مس عینک و سایر منابع موجود در محل را منتشر کنند، و تضمنات اقتصادی پروژه عینک را عموماً مورد بررسی قرار دهند، بطوریکه هرآن مزایای اقتصادی به کنسرسیوم تحت توافقنامه های فرعی، هرآن حق بالقوه ارزشمند ارائه شده به کنسرسیوم و تمام مصارف به بار آمده برای GIRoA در رابطه با پروژه را مد نظر بگیرند.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- در مذاکرات قراردادهای آینده، اطمینان حاصل کند که ارزیابی های اقتصادی تمام جوانب بشمول پوتنشیل سایر یافته های مواد معدنی و منابع طبیعی، مصارف و منافع اقتصادی تعهدات مربوط به زیربنا و مصارف مربوط به پروژه که باید از سوی GIRoA متقبل شوند را مد نظر می گیرد.
- اقدامات حفاظتی، مثل وضع محدودیت بر تمویل از طریق قرضه، را برای حفاظت در برابر خطر استفاده شرکت های مواد استخراجی از ترتیبات تمویل از طریق قرضه برای کاهش مصنوعی مالیات قابل پرداخت برای پروژه های استخراجی طرح کند.
- در چارچوب بودجه، عواید صنعت مواد استخراجی را از سایر عواید داخلی جدا کند، و سطور اضافی برای پروژه های عمده مثل عینک و حاجیگک طرح کند، تا امکان نظارت بهتر بر عواید منابع را فراهم سازد.

اجتماع بین المللی باید:

- برای افزایش ظرفیت مذاکره مؤثر بر سر جنبه های اقتصادی عینک و قراردادهای آینده و برای بهبود مدیریت جریانات عواید و مخارج ناشی از پروژه های صنعت استخراجی، به GIRoA آموزش بدهند.
- برای ظرفیت سازی در ادارات GIRoA که مسئول بررسی و تصویب قراردادهای استخراج معدن هستند، بشمول IMC و پارلمان، پشتیبانی ارائه کنند.
- برای ظرفیت سازی برای پارلمان و جامعه مدنی محلی به منظور ارتقای سطح توانایی آنها در تأمین نظارت مؤثر بر جنبه های مالی پروژه عینک حمایت های لازم را تأمین کنند.

5. امنیت

بخش ذیل نشان می دهد که چطور قرارداد عینک به این خطر که ممکن است پروژه به یک منبع نزاع تبدیل شود و یا استفاده از نیروهای امنیتی می تواند فساد و سوء استفاده های حقوق بشری در اطراف محل را افزایش دهد به قدر کافی نمی پردازد.

در شرایط خصومت و ناآرامی مداوم، پروژه عینک خطر تبدیل شدن به یک نقطه کانونی برای صنعت را به همراه دارد. محل معدن قبلاً در معرض حملات راکتی بوده است، تهدیدات آدم ربایی علیه کارکنان کنسرسیوم صورت گرفته است، و گزارش هایی مبنی بر ترک کارمندان به دلیل شرایط ناپایدار امنیتی وجود داشته است.[108] انکشاف معدن و زیربنای مربوطه مقادیر عظیم منابع ارزشمند و قراردادهای فرعی را با خود به همراه می آورد. تجربه کمک بین المللی طی ده سال گذشته نشان داده است که بدون وجود اقدامات حفاظتی مناسب، مدیریت این منابع و قراردادهای فرعی می تواند منجر به تمویل سهوی خصومت ها شود.[w] عینک یک هدف شناخته شده برای حملاتی است که ممکن است با هدف جلب توجه یا ستاندن پول صورت بگیرد، و در عین حال نارضایتی اجتماعات اطراف معدن می تواند خصومت محلی را برانگیزد.

A police officer stands guard at Mes Aynak.
(Credit: Adam Ferguson/VII).

واحد اردوی اندونزیا. تحقیقات گذشته Global Witness در خصوص پروژه های استخراج معدن اندونزیا نشان داد که نیروهای امنیتی برای حفاظت شرکت مواد استخراجی در برابر گروه های مسلح یا اجتماعات محلی ناراضی از شرکت مطالبه پول می کنند و نیز دلالت احتمالی نیروهای امنیتی در سوء استفاده های حقوق بشری را آشکار ساخت.
(کریت: تیم هَترینگتون/ Magnum Photos).

برای تضمین امنیت اطراف عملیات های استخراج معدن، GIRoA یک واحد حفاظت از استخراج معدن (MPU) خاص را ترتیب داده است. اما تجربه بین المللی نشان داده است که این نیروها، بدون تدابیر حراستی، می تواند به بخشی از مشکل تبدیل شوند. این حالت می تواند به چند طریق رخ دهد – برای مثال، نیروهای امنیتی می توانند مرتکب سوء استفاده های حقوق بشری شوند، مستقیماً در خصومت ها شامل شوند و یا عواید خارج از بودجه از طریق اعمال کنترول بر محل یا مسیرهای تأمین برای خود ایجاد کنند.

درحالیکه قرارداد عینک کنسرسیوم را به اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر متعهد می سازد، ترتیبات گسترده تر امنیتی برای پروژه عینک در یک توافقنامه جداگانه که در دسترس عموم قرار نگرفته است، منتشر شده است. ممکن است نکات صلاحدیدی وجود داشته باشد که بنابه دلایل امنیت ملی باید محرمانه نگه داشته شوند، مثل معلومات درباره موقعیت های دقیق نیروهای امنیتی. اما، حائز اهمیت است که امنیت ملی به عذری برای جلوگیری از انتشار معلوماتی که مربوط به مصالح عامه است، تبدیل نشود. صرفاً از ارائه نکاتی که مطلقاً خطر امنیتی به بار می آورند باید خودداری شود، و تمام ارکان دیگر ترتیبات امنیتی منتشر شود. بالاخص، هر ضابطه ای که الزام نیروی حفاظت از معدن؛ استندردهایی که برآورده ساختن آنها الزامی است؛ ساختار گزارشدهی آن؛ مسئولیت های مربوطه شرکت و دولت در خصوص امنیت؛ و ابزارهای جبران خسارت در برابر سوء استفاده های صورت گرفته از سوی یک عضو نیروهای حفاظتی را بیان می کند.

1 :w طی ده سال گذشته گزارش های متعددی در این مورد ارائه شده است که چطور منابع اصلی تمویل کشور، کمک های بین المللی به شکل ناجا به بازیگرانی متهم به اشتراک در فساد و خصومت رسیده است. برای مثال رجوع کنید به گزارش سال 2010 کاتگرس ایالات متحده، "شرکت Warlord: غصب و فساد در زنجیره تأمین ایالات متحده در افغانستان". قابل دسترسی در http://www.cbsnews.com/htdocs/pdf/HNT_Report.pdf

با توجه به تعامل احتمالی نیروهای امنیتی و اجتماع محلی، وجود اقدامات حفاظتی کافی و صراحت در مورد نحوه حسابدهی نیروها در قبال سوء رفتارها از اهمیت خاص برخوردار است. مثال های بین المللی متعددی از مشکلاتی که ممکن است رخ دهد وجود دارد. برای مثال، در ترکیه شمالی در جریان اعمار پایپ-لاین باکو-تیبلیسی-سیهان BP، شکایت هایی از سوی اجتماع طرح شد مبنی بر اینکه نیروهای امنیتی محلی هنگامی که آنها برای پرداخت های غرامت منصفانه دعوا کردند،[109] آنها را با تهدید هراسان می ساختند، و نیز در پیرو معترضین علیه معدن مس مدعی بودند که مورد آزار و اذیت و سوء استفاده جنسی از سوی پولسی پیرو قرار گرفته اند.[110]

در افغانستان، در ماه می سال 2012 حکمی از جانب کابینه منتشر شد که ثبت می کرد که نیروهای امنیتی 83 "معدن غیرقانونی" را تصرف و بسته کرده بودند تا که بتوان آنها را برای تأمین منابع انرژی برای پروژه عینک به کنسرسیوم تحویل داد.[111] این عملیاتی است که می تواند از دست دادن وسیله معیشت معدنکاران غیررسمی و برخوردهای بالقوه بین اجتماع و نیروهای امنیتی را افزایش دهد، که می تواند اثرات نامطلوب جدی به بار آورد.

تطبیق مؤثر اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر گامی مهم در رسیدگی به این خطرات است. این اصول رهنمودهایی درباب اینکه شرکت های استخراج معدن چطور باید با نیروهای امنیتی تعامل داشته باشند و آنها چطور باید به اتهامات مربوط به سوء استفاده حقوق بشری پاسخ دهند، ارائه می کند. . اما، آنها صرفاً وقتی مناسب هستند که به اجرا گذاشته شوند و این به خواست و ظرفیت دولت بستگی دارد. برای آنکه این اصول مؤثر واقع شوند، تعهد قراردادی به اصول باید با یک پروسه توافق شده و منتشر شده برای اجرا همراه با الزامات گزارشدهی کامل، نظارت و بازبینی مستقل مورد حمایت قرار بگیرند. در غیر اینصورت، تعهد به اصول می تواند بی معنا باشد، خصوصاً از آنجا که شرکت های کنسرسیوم اشتراک کنندگان رسمی در پروسه اصول داوطلبانه نیستند و بنابراین حتی نمی توان آنها را در این مجمع مورد بازخواست قرار داد.
برای مثال، در برابر خطر حصول عواید خارج از بودجه از سوی نیروهای امنیتی یا دلالان قدرت کنترول کننده مسیرهای عرضه نیز باید محافظت صورت بگیرد. در DRC شرقی، اعضای اردوی کنگو و گروه های مسلح عایدات غیرقانونی از درَک کنترول سکتور استخراج معدن حاصل می کردند و از این وجوه هم برای مقاصد شخصی و هم منحیث ابزاری برای تمویل خصومت مسلحانه استفاده می کردند. آنها با تحمیل مالیات های غیرقانونی در محلات معدن و در طول مسیرهای حمل و نقل، و یا با توقیف و داد و ستد مستقیم مواد معدنی این کار را انجام می دهند.[112] شرکت هایی که منابع معدنی خویش را از DRC تأمین می کنند حالا مکلف هستند که تلاش مقتضی را برای تضمین اینکه خریداری های مواد معدنی آنها به خصومت یا سوء استفاده های حقوق بشری کمک نمی کند، انجام دهند.[x]

در شرایط افغانستان، که خصومت در آن جریان دارد و معادن معمولاً در تأمین مالی گروه های مسلح نقش داشتند،[113] تلاش مقتضی زنجیره تأمین از سوی شرکت ها در این مرحله گام مهمی محسوب می شود. OECD استندردهای تلاش مقتضی را طرح کرده است که بررسی ها و ارزیابی هایی

مردی که بدن وی خونریزی دارد و از سوی نیروهای دولت کنگو دستگیر شده است از سوی عساکر در یک چک-پاینت در کیووی شمالی برده می شود. انجام تلاش مقتضی از ابتدا می تواند به شرکت ها در شناسایی و جلوگیری از ریسک های حقوق بشری، و تضمین اینکه فعالیت های استخراج معدن به خصومت و سوء استفاده کمک نمی کند، چنانکه در کنگو این اتفاق رخ داده است، کمک کند. *(کریدت: کیت هولت).*

x: برای تحلیل تفصیلی اصول داوطلبانه درباب امنیت و حقوق بشر، و اقدامات اضافی ضروری برای پشتیبانی و تقویت آنها، رجوع کنید به: گزارش سال Global Witness 2007، "استخراج معدن و نفت در مناطق درگیر خصومت". قابل دسترسی در http://www.globalwitness.org/sites/default/files/pdfs/oil_and_mining_in_violent_places.pdf.

را بیان می کند که شرکت های استخراج معدن فعال در ساحات متأثر از خصومت و پرمخاطره باید برای تضمین اینکه فعالیت های آنها به خشونت یا سوء استفاده های حقوق بشری کمک نمی کند آنها را اتخاذ کنند.[114] پذیرش و اجرای این رهنمود OECD همچنین می تواند به شرکت ها در حفاظت از شهرت آنها در یک محیط پردشوار کمک کند، که به نوبه خود برای حفاظت پروژه های آینده و در نهایت بازار آنها حائز اهمیت دارد.

همچنین مهم است که از مشارکت اردو در تأمین امنیت برای پروژه های استخراج معدن جلوگیری شود. استفاده از اردو برای استخدام کارکنان MPU می تواند منجر به هدف قرار گرفتن محل معدن و اجتماعات از سوی شورشیان شود، و به افزایش خشونت کمک کند. در عوض، کارکنان MPU باید واحدهای پولیس ملی افغان باشند که به طور خاص آموزش دیده اند و تحت قوانین مدنی و جزایی افغانستان در قبال استفاده از زور کاملاً حسابده هستند.

توصیه ها درباب امنیت

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- توافقنامه امنیتی برای پروژه عینک را منتشر کنند.
- **مالکیت انتفاعی تمام شرکت هایی که به آنها معاملات مرتبط به پروژه عینک اعطا می شود را منتشر کنند.**
- **بر سر الزامات کامل گزارشدهی برای اجرای اصول داوطلبانه درباب حقوق بشر و امنیت به توافق برسند.**
- بر سر انجام تلاش مقتضی طبق استندردهای تلاش مقتضی OECD به توافق برسند تا تضمین کنند که علمیات های شرکت به مواد نقض حقوق بشر و یا خصومت کمک نمی کند.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- تفصیلات ترتیبات امنیتی برای تمام پروژه های فعلی و آینده استخراج معدن را منتشر کند.
- تفصیلات مالکیت انتفاعی تمام شرکت هایی که توافق های مرتبط با سکتور استخراجی به آنها اعطا شده است را منتشر کنند.
- میکانیزمی تحت نظارت یک جناح ثالث مستقل معتبر برای ثبت و انتشار خاستگاه ها، منابع و شدت خشونت در اطراف ساحه عملیات های استخراجی و اجتماعات ماحول آن طرح کنند.
- سیستمی تحت نظارت جناح های ثالث مستقل معتبر برای تحقیق و رسیدگی به شکایات و مواد سوء استفاده از سوی نیروهای امنیتی در اطراف معدن طراحی کنند.
- شرکت های استخراج معدن را ملزم بسازند که از اصول داوطلبانه درباب حقوق بشر و امنیت، که با الزامات گزارشدهی کامل پشتیبانی شود، تبعیت کنند، و استندردهای تلاش مقتضی OECD را برای تضمین اینکه عملیات های آنها به تخلفات حقوق بشری و یا خصومت ها کمک نمی کنند، برآورده بسازند.
- **تضمین کنند که نیروهای امنیتی محلات معدن از بین واحدهای پولیس ملی افغان که آموزش ویژه دیده اند، و هیچ نوع شمولیتی در اردو ندارند، استخدام می شوند.**
- تصریح کنند که نیروهای امنیتی چطور در قبال سوء رفتارهای احتمالی پاسخگو خواهند بود و تضمین کنند که در حداقل حالت، اشخاص مقصر در نقض قانون مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

اجتماع بین المللی باید:

- برای آموزش و نظارت بر نیروهای امنیتی ساحه معدن، و برای تحقیقات و رسیدگی به شکایات علیه این نیروها، حمایت های لازم را ارائه کنند.
- برای GIRoA و برای ادارات نظارتی مثل پارلمان، جامعه مدنی و رسانه درباره شناسایی و حفاظت علیه اثرات نامطلوب بر امنیت و حقوق بشر حمایت های لازم را ارائه کنند.
- اقدامات حراستی مناسب علیه سوء استفاده از سوی نیروهای امنیتی را در چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مشترک برای مساعدت انکشافی به افغانستان بگنجانند.

---

y: در فبروری سال 2012، دولت جمهوری دموکراتیک کنگو قانونی را به تصویب رساند که تمام شرکت های درگیر در استخراج و تجارت معدن که در این کشور فعالیت داشتند را موظف به برآورده ساختن استندردهای مقتضی OECD می ساخت. به تعقیب این امر، فعالیت های دو شرکت در می سال 2012 به دلیل عدم انجام تلاش مقتضی به حالت تعویق درآمد.

6. اقدامات حفاظتی زیست-محیطی

بخش ذیل اثرات بالقوه زیست-محیطی پروژه عینک را مورد ملاحظه قرار می دهد، و نشان می دهد که چطور می توان با تدابیری شامل ارزیابی های سالانه زیست-محیطی، و شمول عامه در انتخاب روش های استخراج معدن، پلان های دفع ضایعات و بسته کردن می توان اینها را کاهش داد. نقش وزارت معادن هم منحیث ناظم زیست-محیطی و هم طراح پروژه برای عینک نیز مورد سوال است.

سال های خصومت و بهره برداری نامدبرانه از منابع قبلاً خسارات بی اندازه ای به محیط زیست افغانستان وارد کرده اند، که اثرات آن شامل کمیابی و آلودگی آب های زیرزمینی، آلودگی خاک، آلودگی هوا و کاهش جمعیت حیات وحش می باشد. در سال 2003، برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) درباره "مهاجرین زیست-محیطی" افغانستان- اشخاصی که به دلیل کمبود مداوم آب یا از دست رفتن جنگل ها یا پوشش گیاهی- و این خطر که این حالت می تواند خصومت های جدید بر سر منابع کمیاب را افزایش دهد، گزارش می داد.[115]

استخراج معدن با اثرگذاری بر کیفیت آب، خاک و هوا، زیست-بوم حیوانات و ماهی ها، ایجاد صداهای ناهنجار و لرزه، و نشر مواد سمی، یک بُعد دیگر به این دینامیک می افزاید. این پیامدها ممکن است بسیار پردامنه باشند و به خودی خود می توانند منبعی برای خصومت باشند. برای مثال، در سیرالئون، اجتماعات در ساحات استخراج معدن تشویش هایی را در خصوص اثرات زیست-محیطی، از ذرات معلق در هوا که صحت عامه را متأثر ساخته است تا خسارت های وارده به مزارع و منابع تأمین آب، مطرح ساخته اند.[116] در سال 2007، این تشویش ها منجر به تظاهرات عمومی انجامید که به مرگ دو معترض و بستری شدن تعدادی دیگر منجر شد. متعاقباً، فعالیت های استخراج معدن به حالت تعقلیق درآمدند.[117]

پروژه عینک، با توجه به وسعت و موقعیت آن، احتمالاً اثرات زیست-محیطی جدی به همراه خواهد داشت. استخراج معدن مس به آب بسیار نیاز دارد و ضرورت تأمین آب برای معدن، کارگران آن و اجتماع مربوطه احتمالاً منابع تأمین آب را خصوصاً در لوگر و ولایت کابل (که ساحه عملیات عینک تا آنجا گسترش می یابد) تحت تأثیر قرار خواهد داد.[118] همچنین این پوتنشیل وجود دارد که فعالیت های استخراج معدن منجر به آلودگی منابع آبی شود. این امر، در عوض، می تواند اثرات سلسله وار برای سکتور زراعت که در حال حاضر 60% جمعیت شاغل افغانستان را در استخدام دارد، داشته باشد.[119] همچنین انشعابات بالقوه ای برای شهر کابل نیز وجود دارد، جایی که منابع آبی به دلیل رشد سریع جمعیت و خشکسالی های که به آلوده، خشک یا غیرقابل استفاده شدن چاه ها منجر شدند، و دسترسی به آب پاک را محدود می کنند، قبلاً تحت فشار است.[120]

به طور خلاصه، اثر زیست-محیطی فعالیت های سیاسی می تواند تضمنات مستقیم برای انکشاف اقتصادی آینده، صحت عامه و دسترسی به آب پاکیزه و زمین داشته باشد.

یک مرد افغان از یک دریای آلوده در کابل عبور می کند. سال های خصومت و بهره برداری بدون تدبیر از منابع قبلاً اثرات گسترده ای بر محیط زیست افغانستان داشته اند. با انکشاف سکتور مواد استخراجی، به اقدامات حفاظتی برای به حداقل رساندن صدمات بیشتر ضرورت است.
(کریدت: AP/انجمن مطبوعاتی).

یک دختر جوان کوچی مصروف چراندن گوسفند مگرآنکه کار استخراج معادن با دقت مدیریت شود، اثرات نامطلوب بر محیط زیست می تواند بسیار پردامنه باشد، و بر زمین، آب، مواشی و ماهیگیری که معیشت بسیاری از افغان ها به آنها وابسته است تأثیر بگذارد. *(کریدت:لن ام. تری/Creative Commons)*.

چه کسی از محیط زیست مراقبت می کند؟

طبق قانون مواد معدنی (هردو نسخه 2005 و 2010)، وزارت معادن مسئول تصویب و نظارت بر الزامات زیست-محیطی در پروژه عینک است. این مسئولیت با نقش اداره ملی حفاظت از محیط زیست (NEPA) منحیث اداره نخستین در امور زیست-محیطی تحت قانون افغانستان همپوشانی دارد.[121] طبق اظهارات بانک جهانی، وزارت معادن و NEPA این مشکل را با "توافق بر سر اینکه وزارت معادن مسئولیت اصلی مدیریت قرارداد [عینک] را برعهده خواهد داشت، و وزارت معادن و NEPA برای طرح یک توافقنامه مشابه درباب مسئولیت های مربوطه خویش در خصوص نظارت بر ارزیابی های اثرات زیست-محیطی/اجتماعی عینک دیدار کنند" رفع کرده اند.[122] از آنجا که این یک تغییر در چوکات مقرراتی برای پروژه به شمار می آید، مهم است که این توافقنامه ها در وبسایت وزارت معادن (که قبلاً تفصیلات قوانین، مقررات و پالیسی هایی که بر سکتور صنایع استخراجی تطبیق می شوند را منتشر می کند) به نشر برسند.

همچنین تضمنات اعطای مسئولیت اصلی مسائل زیست-محیطی مربوط به صنایع استخراجی به وزارت معادن نیز باید مورد ملاحظه جدی قرار بگیرد. این حرکت می تواند قلمروی برای تعارض منافع با سایر جنبه های نقش وزارت در پروژه (و خصوصاً ضرورت پیشبرد پروژه)، و نیز مشکلاتی در قسمت ظرفیت داخلی وزارت در ارزیابی و نظارت تبعیت از قوانین زیست-محیطی در چنین پروژه وسیع و پیچیده، ایجاد کند. از آنجا که NEPA مسئولیت مشکلات زیست-محیطی نامرتبط به استخراج معدن را حفظ خواهد کرد، اثر این انشعاب می تواند این باشد که دو اداره عامه برای تنظیم اثرات ملی زیست-محیطی وجود خواهد داشت. این امر خطر انفصال در رویکرد و استراتژی را به بار می آورد که می تواند سبب مشکلات جدی در بلندمدت شود.

انشعاب در مسئولیت می تواند تضمنات جدی برای تطبیق "قانون محیط زیست" بر پروژه نیز داشته باشد. طبق ماده 16 قانون محیط زیست، در صورتی که NEPA چنین تلقی کند که پروژه "اثرات نامطلوب معتنابه زیست-محیطی به بار خواهد آورد" یا تدابیر پیشنهادی برای کاهش اثرات، ناکافی هستند، می تواند از اعطای جوازهای ضروری خودداری کند.[123] NEPA همچنین می تواند بخاطر قصور در تبعیت از ضوابط آن از ارائه جواز خودداری کند. اینها اقدامات حفاظتی مهم زیست محیطی هستند اما طبق قانون محیط زیست انتظار می رود که تمامی آنها از سوی NEPA اعمال شوند. اگر وزارت معادن مسئولیت جنبه های زیست-محیطی پروژه عینک را اتخاذ کند، آیا قادر (و مشتاق) خواهد بود که این قدرت ها را اعمال کند؟ به همین نحو، کدام اداره مسئول انفاذ قانون محیط زیست (بشمول شروط مهم در خصوص مشارکت عامه) خواهد بود؟ یا آیا این خطر وجود دارد که تغییر در نقش های اداره خلأ ایجاد خواهد کرد؟

مهم است که اقدامات حفاظتی امنیتی برای حفاظت در برابر تعارضات در منافع در وزارت معادن، بشمول میکانیزم های نظارت، وضع شده باشد و طرزالعمل های مشخص، شفاف و کارآمد برای همکاری بین وزارت معادن و NEPA وجود داشته باشد. هرآن تغییر در مسئولیت اداره نباید به این معنا باشد که از اقدامات حفاظتی زیست-محیطی بیان شده در قانون صرفنظر می شد و یا تحت تأثیر ضروریات اقتصادی قرار می گیرد.

تعهدات زیست-محیطی

قرارداد عینک ضرورت رسیدگی به اثرات زیست-محیطی و اجتماعی را با تعهدات گسترده از سوی کنسرسیوم تصدیق می کند.

طبق ماده 3، "تمام عملیات ها و فعالیت ها تحت این قرارداد استخراج معدن طبق پلان های حفاظت و احیای زیست-محیطی تصویب شده از سوی وزارت معادن قبل از آغاز عملیات ها اجرا خواهند شد". ماده 15 انجام ارزیابی های اثر زیست-محیطی را الزامی می سازد و بیان می کند که "کنسرسیوم تعهدات گسترده ای به وزارت معادن در قسمت حفاظت از محیط زیست صورت داده است، بشمول، بدون محدودیت، تعهد آن به تبعیت از قوانین و مقررات قابل تطبیق زیست-محیطی افغانستان، رهنمودها و پالیسی های حفاظت از محیط زیست و اجتماع افغانستان، تمام پالیسی های حفاظت از محیط زیست و اجتماع بانک جهانی، اصول استوا. . ." برعلاوه، جناح ها توافق می کنند که "از سختگیرانه ترین استندرد قابل تطبیق برای حفاظت از محیط زیست و مردم افغانستان تبعیت کنند".

اما، طبق قرارداد الزامی برای به روز رسانی ارزیابی های زیست-محیطی همچنانکه پروژه پیشرفت می کند، وجود ندارد. با توجه به مقیاس واگذاری امتیاز عینک و این واقعیت که قرار است بهره برداری برای سال های بسیار ادامه یابد، این نکته اهمیت خاص دارد که اثرات زیست-محیطی به شکل مداوم مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان اثرات نامطلوب را شناسایی کرد و به زودترین فرصت به آنها رسیدگی کرد. حسابرسی های سالانه زیست-محیطی، همراه با نظارت و تفتیش مستقل دوره ای می تواند به این مسئله رسیدگی کند. **همچنین شرطی که تعویق عملیات های استخراج معدن که خسارات زیست-محیطی به بار می آورند یا طرزالعملی برای تعیین اینکه در صورت لزوم اصلاحات زیست-محیطی عملیات چطور اجرا شوند وجود ندارد.**

در لایبریا، قرارداد سنگ آهن سال 2009 با اتحادیه چین (China-Union) حاوی الزاماتی برای حسابرسی سالانه زیست-محیطی، به روز رسانی های منظم ارزیابی های اثر زیست-محیطی و پلان های مدیریت محیط زیست و تفتیش های دوره ای زیست-محیطی از سوی دولت است. این قرارداد همچنین اجازه می دهد که در صورت عدم تبعیت مادی از پلان مدیریت محیط زیست عملیات به حالت تعلیق درآید یا امکان اتخاذ اصلاحات زیست-محیطی را فراهم می سازد. [124]

پلان های پروژه و شمول اجتماع محلی

وزارت معادن اقدام ابتکاری و مثبت انتشار معلومات اساسی درباره پلان های پروژه و اثرات بالقوه استخراج معدن را اتخاذ کرده است.[125] اما، برخلاف استندردهای بین المللی و قانون محیط زیست افغانستان، الزامی در قرارداد برای شمول اشخاص متأثر، در شناسایی و تصمیم گیری درباره نحوه رسیدگی به خطرات زیست-محیطی وجود ندارد.

معدن عینک متشکل از دو ساحه است، که یکی از آنها باید منحیث یک معدن گودال باز، و دیگر منحیث یک معدن زیرزمینی، عملیات غار سطح فرعی، استخراج معدن شود.[127] طبق گزارش های وزارت، انتظار می رود که تولید حدود 60 ملیون تن ضایعات صخره ای و 9.7 ملیون تن پسماند (نوع دیگری از ضایعات استخراج معدن) در هر سال بزرگترین اثر زیست-محیطی پروژه باشد.[128] برای دفع این ضایعات، یک "بند پسماند" (ذخیره گاهی برای این نوع ضایعات) باید ایجاد شود.

استفاده از یک بند پسماند یکی از چندین گزینه برای دفع ضایعات است و الزاماً مناسب ترین گزینه زیست-محیطی نمی باشد. با وجود قانون افغانستان و استندردهای بین المللی، وزارت تفصیلات مربوط به اینکه چطور در خصوص روش استخراج معدن (یعنی، گودال باز برای یک بخش و زیرزمینی برای بخش دیگر) و انتخاب روش دفع ضایعات تصمیم گرفته شده است را منتشر نکرده است و نیز به نظر می رسد که این تصمیم با مشاوره یا دخالت عامه صورت نگرفته است.

نمای هوایی از معدن دره کِنِکات بینگهام. این یک معدن گودال باز مس در نزدیک شهر دریاچه نمک در اوتاه ایالات متحده است. استخراج معدن گودال باز شامل برداشتن لایه ها و مواد لایه های سطح (مواد رویی) برای رسیدن به مواد معدنی است، که این کار معمولاً با استفاده از ماشین آلات سنگین مثل بولدوزر و تراک های کمپرسی صورت می گیرد. در جاهایی که ذخایر دارای عمق قابل توجه باشند، استخراج معدن گودال باز معمولاً شامل پمپ کردن آب زیرزمینی به بیرون از راه [معدن] است تا امکان استخراج مواد معدنی فراهم شود. این شکل از استخراج معدن می تواند برای محیط زیست بسیار مخرب باشد، بنابراین تصمیم گیری در این مورد که آیا این مناسب ترین روش است یا خیر، و اگر چنین است، وضع اقدامات حفاظتی برای به حداقل رساندن اثرات زیست-محیطی از اهمیت خاص برخوردار است.
(کریت: The Stock Solution).

در مقایسه، به نظر می رسد که رویکرد باز تری در قسمت تصمیم گیری برای موقعیت محل بند پسماند در حال اتخاذ است. تفصیلات دو محل بالقوه که برای شمول در "مطالعه امکانپذیری" تأیید شده اند، همراه با دلیل انتخاب آنها، به نشر رسیده اند: ملاحظه خطر زلزله در ساحه؛ ضرورت به حداقل انقطاع در جمعیت ساکن؛ و عاری بودن از رویدادهای شناخته شده مصنوعات تاریخی.[129] طبق گزارش های وزارت معادن، ارزیابی اثر اجتماعی انجام شده است، که شامل یک سروی از اجتماع ساکن در ساحاتی که در تصمیم گیری وزارت معادن درباره محل مناسب کمک می کنند، می باشد.[130]

چوکات شماره 8: مشارکت عمومی – یک قاعده افغانی و بین المللی

قانون سال 2007 محیط زیست افغانستان

ماده 19

اشخاص متأثر می توانند نظر خویش درباره پروژه، پلان، پالیسی یا فعالیت پیشنهادی، ارزیابی مقدماتی، بیانیه اثر زیست-محیطی، ریکارد نهایی نظر و پلان جامع کاهش اثرات، قبل از تصویب پروژه، پلان، پالیسی یا فعالیت اظهار کنند، و متصدی اجرای کار باید به اداره ملی حفاظت از محیط زیست نشان دهد که اشخاص متأثر از فرصت های معنادار برای اظهار نظارت خود درباره این امور در وقت مناسب، از طریق مشاوره مستقل و مشارکت در استماعات عامه، برخوردار بوده اند.

در خصوص یک پروژه، پلان، پالیسی یا فعالیت پیشنهادی که احتمال دارد اثرات نامطلوب قابل توجه بر محیط زیست داشته باشد، به اشخاص متأثر باید فرصت داد شود که مشارکت کنند . . از سوی اداره ملی حفاظت از محیط زیست و نهادهای مرتبط.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست تا زمانی که متصدی اجرای کار با قناعت اداره ملی محیط زیست نشان نداده است که کاپی های اسناد را بین اشخاص متأثر توزیع کرده است، و عموم مردم را آگاه نساخته است که سند از طریق تبلیغ و نمایش یک کاپی از آن برای بازرسی، برای بررسی عمومی در دسترس قرار می گیرد در خصوص هیچ درخواست جوازی تصمیم نخواهد گرفت. . .

اعلامیه ریو [z]

اصل 10

مشکلات زیست-محیطی با مشارکت تمام شهروندان متأثر، در سطح مرتبط، به بهترین نحو اداره می شوند. در سطح ملی، هر شخص به معلومات مربوط به محیط زیست که در اختیار مقامات عامه قرار دارد، بشمول معلومات درباب مواد و فعالیت های پرخطر در اجتماعات آنان، دسترسی مقتضی را داشته باشد، و از فرصت مشارکت در پروسه های تصمیم گیری برخوردار باشد. دولت ها باید با نشر معلومات در سطح گسترده زمینه آگاهی و مشارکت مردم را فراهم کنند و آنها را در این زمینه تشویق کنند. دسترسی مؤثر به اقدامات قضایی و اداری، بشمول اصلاح و جبران خسارت، باید فراهم شود.

---

z: اعلامیه ریو از سوی 178 کشور در کانفرانس ملل متحد درباب محیط زیست و انکشاف، ریو دو جانیرو، جون 1992، پذیرفته شد.

با توجه به اندازه پروژه و اثرات بالقوه زیست-محیطی بسیار فراتر از ساحه بلافصل پروژه، اینها موضوعاتی هستند که باید با رویکردی باز و با دخالت مقتضی عموم مردم مورد رسیدگی قرار بگیرند، اقدامات برای نیل به این هدف می توانند شامل انتشار پیش نویس اسناد زیست-محیطی در یک محل مشخص شده عمومی (مثل وبسایت وزارت معادن) باشند، و دوره ای را برای ارائه تبصره های کتبی و برگزاری استماعات عمومی برای فراهم سازی امکان بیان نظرات عمومی اختصاص دهند.

در سطح گسترده تر، تاهنوز معلومات اندکی در خصوص سایر اثرات بالقوه زیست محیطی موجود است، و نیز در مورد نحوه رسیدگی احتمالی به این اثرات معلوماتی در دسترس نیست. **ارزیابی زیست-محیطی یک سند کلیدی است. این سند خطرات زیست-محیطی پروژه را بیان می کند. مهم است که در تهیه این سند ارزیابی اجتماع محلی و عموم مردم دخالت کامل داشته باشند، تا که حتی الامکان جامع و دقیق باشد. ارزیابی باید به مجرد نهایی شدن نیز باید منتشر شود تا بتوان آن را به شکل مستقل مورد بررسی قرار داد.**

یک کارتون استخراج معدن از آسیای مرکزی که نشان می دهد در مواردی که فعالیت های استخراج معدن سبب خسارت های زیست محیطی می شوند ممکن است نارضایتی محلی از این فعالیت ها پیش آید. به نفع تمام جناح ها است که به مردم افغانستان فرصت مشارکت از ابتدا داده شود، تا که اثرات بالقوه زیست-محیطی از آغاز کار شناسایی و درک شوند، و اقدامات برای رسیدگی به این اثرات با مشارکت محلی و عمومی همراه باشد. این کار، به مثل حفاظت از محیط زیست افغانستان، می تواند به تضمین حفظ روابط حسنه شرکت-دولت-اجتماع در سراسر پروژه کمک کند.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012)

چوکات شماره 9: تجربه پاپوآ گینه جدید

تجربیات سهمدار اکثریت کنسرسیوم، MCC، در معدن نیکل رامو نیکوی خود در پاپوا گینه جدید خطرات زیست-محیطی استخراج معدن و دشواری هایی که ممکن است هنگام انتقاد اجتماعات از عملیات های پلان شده بنابه دلایل زیست محیطی مطرح شوند را نشان می دهد.[aa131]

پروژه رامو نیکو وقتی که مالکین محلی زمین ها دعوایی را علیه شرکت استخراج معدن با اعتراض به پلان شرکت به دفع ضایعات از ماین از طریق "پلان پسماندهای اعماق دریا" (DSTP) طرح کردند، با جنجال مواجه شد.[132] پروژه مورد تصویب دولت قرار گرفته بود و شرکت استخراج معدن جوازهای ضروری را حاصل کرده بود، اما مالکین زمین های محلی شکایت کردند که روش DSTP دفع پسماندها سبب صدمه دیدن محیط زیست می شود و باید متوقف گردد.

در جریان اقدامات قضایی در محکمه عدلی ملی پاپوا گینه جدید، چنین استدلال شد که:

- ارزیابی زیست محیطی مناسبی برای ارزیابی خطرات بشمول خطرات DSTP وجود نداشته است؛ و
- دولت وعده می کند که یک بررسی مستقل از DSTP را منتشر کند قبل از پیشبرد پروژه در سطح وسیعی از مردم مشور بگیرد."[133]

محکمه دریافت که استفاده از DSTP برای پروژه احتمال دارد که اثرات زیست-محیطی نامطلوب و جدی را به همراه داشته باشد، بطوریکه ایکولوژی یک خلیج عمده را دگرگون بسازد، و احتمال دارد که ارگانیزم های دریایی را سمی بسازد و نیز خطر انتقال آلاینده ها به شهر و ساحل مجاور را نیز به همراه داشته باشد.[134]

محکمه دستور توقف موقت پروژه را صادر کرد،[135] اما در نهایت به نفع شرکت رأی صادر کرد و ستره محکمه از پذیرش تجدید نظر متعاقب امتناع ورزید.[136] محکمه ملی چنین حکم صادر کرد که MCC دلایلی داشت تا باور کند که از اجازه انجام بدون انقطاع برنامه DSTPبرخوردار بوده؛ که معیشت مردم وابسته به آغاز پروژه با منع دائمی تحت تأثیر قرار می گرفت؛ و که MCC و دولت تلاش های صادقانه ای برای طرح پروتکل های نظارتی مؤثر برای پروژه انجام می داد.[137] اما، به شرکت دستور داد که با مالکین زمین درباره ارائه به روز رسانی های سه ماهانه درباره دفع پسماندها و ضایعات در سراسر حیات معدن مشوره کند.[138]

اقدامات حقوقی سبب تأخیرهای قابل توجه در کار پروژه شدند و ذهنیت عمومی منفی از شرکت ایجاد کردند.[139] مصارفی که شرکت برای هر روز تأخیر متحمل می شد حدود 7 ملیون کینا (حدود 3.4 ملیون دالر) تخمین زده شد.[140] این مورد ضرورت به مشارکت اجتماع هنگام رسیدگی به اثرات زیست-محیطی را خاطرنشان می سازد و نوعی وضعیت را تجسم می کند که شرکت ها و دولت خواهان پیشگیری از وقوع آن در افغانستان هستند.

aa: پروژه رامو نیکو یک پروژه 1.5 ملیارد دالری معدن نیکل و کوبالت نزدیک منطقه مدنگ در کشور پاپوا گینه جدید می باشد. 85% این پروژه تحت مالکیت شرکت MCC رامو لمیتد قراردارد که خود این شرکت تحت مالکیت کامل «معدنکاری MCC-JJJ» قرار دارد که MCC یکی از سهمداران آن است. مدیریت رامو نیکو (MCC) لمیتد با انتصاب تمام شرکای سرمایه گذاری مشترک منحیث مدیر پروژه کار می کند. MCC رامو لمیتد مالکیت 85% پروژه را در اختیار دارد و منحیث مدیر پروژه عمل می کند. MCC رامو لمیتد تحت مالکیت کامل «معدنکاری MCC-JJJ» قرار دارد که MCC از سهمداران آن است.

اختتام و بعد از اختتام

غالباً، جدی ترین و پردامنه ترین اثرات پروژه استخراج معدن می تواند بعد از ختم عملیات های استخراج معدن رخ دهد. اگر به توده های صخره های ضایعاتی و سایر مواد باقیمانده، گودال های باز رهاشده و ذخیره گاه های پسماندها رسیدگی نشود، آنها می توانند فاضلاب سمی ایجاد کنند که می تواند صدمه جدی به منابع تأمین آب برای دهه ها، یا حتی قرن ها، وارد کند. **بنابراین، قبل از آنکه پروژه استخراج معدن مورد تصویب قرار بگیرد، به یک پلان تفصیلی، قابل تطبیق و با تمویل مناسب برای اختتام عملیات ها و احیای محل ضرورت است.** این پلان باید شرح دهد که چطور محیط زیست، تا حد امکان، به کیفیت قبل از استخراج معدن خود بازگردانده خواهد شد، و چطور از انتشار مواد سمی به شکل دائم جلوگیری خواهد شد.[141]

طبق قرارداد عینک، کنسرسیوم مکلف است که یک پلان مدیریت محیط زیست را که الزامات احیای مجدد و اختتام را تحت پوشش قرار دهد، قبل از آغاز عملیات های استخراج معدن یا تولیدات تجاری، ارائه کند (ماده 15(c) و ماده 17(b)). اما، ماده برای دخالت اجتماع یا عامه در تهیه پلان های اختتام و احیا وجود ندارد، که با توجه به اهمیت این پلان ها، بالاخص می توانند مشکل آفرین باشند.

توافقنامه مودل انکشاف استخراج معدن «انجمن بین المللی وکلا» آماده سازی یک پلان اختتام نهایی را با مشوره اجتماع محلی حداقل پنج سال قبل از ختم تولید در محل مقرر می کند.[142] این قرارداد همچنین مسئولیت های مربوطه شرکت سرمایه گذار و دولت را در خصوص مدیریت محیط زیست در جریان و بعد از اختتام پروژه را بیان می کند و تأسیس یک کمیته نظارت بعد از اختتام را از سوی شرکت در مشوره با اجتماع محلی مقرر می کند.[143] **جناح ها باید بر سر یک طرزالعمل مشخص برای دخالت اجتماع در طرح پلان های اختتام و احیا، و پروسه های نظارت بعد از اختتام تعهدات توافقنامه به توافق برسند.**

همچنین مهم است که تضمینات مالی برای پوشش دادن مصارف اختتام و بعد از اختتام تهیه شده باشد. این مصارف می توانند وسیع باشند. طبق بخش پالیسی نفت، گاز و استخراج معدن گروه بانک جهانی:[144]

"مصارف اختتام برای مسائل زیست-محیطی از کمتر از 1 ملیون دالر برای هر مسئله برای معادن کوچک در رومانیا الی صدها ملیون دالر برای معادن بزرگ زغال قهوه ای و تأسیسات مربوطه در آلمان را در بر می گیرد. به طور متوسط، مصارف اختتام ده ها ملیون دالر را در بر می گیرد."

قرارداد مقرر می دارد که شرکت تضمین مالی برابر با مبلغی که از سوی وزارت معادن تعیین می شود، و از سوی یک نهاد مورد تصدیق وزارت معادن تصدیق می شود را فراهم کند. اما، مهم است که مشارکت عمومی در ارزیابی اینکه مصارف اختتام احتمالاً شامل چه چیزهایی خواهند بود و اینکه آیا مبلغ با یک تضمین نامه مورد پشتیبانی قرار بگیرد و یا در یک حساب مشروط (escrow account) نگهداری شود، وجود داشته باشد.

یک کارتون استخراج معدن از آسیای مرکزی ضرورت به تضمین اینکه پلان های اختتام عملیات و احیای مجدد محل از ابتدا مورد توافق قرار می گیرد، و تضمینات مالی کافی وضع می شود، را نشان می دهد.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoi/ روسلان والیتو 2012).

توصیه ها درباب اقدامات حفاظتی زیست محیطی

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- تمام ارزیابی های زیست-محیطی، پلان های حفاظت از محیط زیست، پلان های اختتام و احیا، و هرآن گزارش تهیه شده درباب اثرات زیست-محیطی/ آبی پروژه عینک را منتشر بسازند.
- برای جلوگیری از ابهام، ایضاحات صورت گرفته در خصوص قرارداد، بشمول تعریفات واضح اسناد کلیدی بشمول پلان های زیست-محیطی و احیا به توافق برسند و آنها را منتشر بسازند.
- در منظر عموم تأیید کنند که ممیزی ها و مطالعات زیست-محیطی و پلان مدیریت زیست-محیطی انجام می شوند و برای طی دوره پروژه به شکل سالانه روزآمدسازی می شوند.
- برای فراهم ساختن امکان مشارکت مؤثر اجتماع محلی و عموم مردم در شناسایی اثرات بالقوه زیست-محیطی، طرح پلان های زیست-محیطی (بشمول پلان های اختتام و احیا) و توافق بر سر مبالغ تضمینات مالی در قسمت جنبه های زیست-محیطی اقدامات لازم را اتخاذ کنند.
- تضمین کنند که BFS مصارف مرتبط با به حداقل رساندن و کاهش خطرات زیست-محیطی و مصارف مربوط به اختتام استخراج معدن و مدیریت زیست-محیطی بعد از اختتام را مدنظر می گیرد.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- اثر تجمعی تمام واگذاری های امتیاز فعلی و پلان شده بر محیط زیست و، خصوصاً، بر منابع آبی و ضروریات آبی مردم افغانستان را قبل از اعطای هرآن امتیاز جدید که می تواند بازهم بر منابع فشار بیش از حد وارد کند را مورد ملاحظه قرار دهند.
- پروسه هایی برای مشارکت مؤثر و زودهنگام اجتماع محلی و عموم مردم در شناسایی اثرات زیست-محیطی (بشمول اثرات تجمعی) پروژه های پلان شده استخراج معدن، و در طرح پلان های زیست-محیطی و توافق بر سر تضمینات مالی برای رسیدگی به مصارف کاهش اثرات زیست-محیطی وضع کنند.
- **اقدامات حفاظتی، بشمول میکانیزم های نظارتی، در برابر تعارض منافع بین نقش وزارت معادن در موضوعات زیست-محیطی، و سایر جنبه های نقش آن در پیشبرد پروژه های استخراج معدن و طرزالعمل های واضح، شفاف و عملی برای هماهنگی بین وزارت معادن و NEPA را وضع کنند.**
- تضمین کند که تمام شرکت های مواد استخراجی تضمینات مالی کافی (با استفاده از اسناد تضمینی یا حساب های مشروط) از ابتدای کار برای پوشش دادن تمام مصارف بالقوه پروژه بشمول مصارف اختتام و احیا فراهم می کنند.

اجتماع بین المللی باید:

- برای GIRoA، پارلمان و جامعه مدنی به منظور ارتقای ظرفیت مدیریت و نظارت بر مسائل زیست-محیطی آموزش و حمایت ارائه کنند.
- معیارهای اداره زیست-محیطی را در چوکات های کاری مدیریت و ارزیابی دونر بگنجانند.

7. حقوق آب و زمین

در بخش ذیل بررسی می شود که اثرات پروژه استخراج معدن بر استفاده فعلی زمین و آب از سوی اجتماع اطراف معدن چگونه مورد رسیدگی قرار می گیرند.

در افغانستان، رقابت بین قبایل و گروه های قومی بر سر زمین و آب یکی از منشأهای دیرینه تنش و خصومت می باشد. در ولایت لوگر، این مسائل با توجه به وابستگی مردم محل به زراعت و مالداری از حساسیت خاصی برخوردار است.[145] یک پروژه استخراج معدن مس تقاضا برای زمین و مصرف آب در مقیاس وسیع را به همراه می آورد، و فشار مازاد بر منابع ضروری برای سکونت و معیشت وارد می کند. مگرآنکه اقدامات حفاظتی مبتنی بر قرارداد وضع شوند و مورد نظارت درست قرار گیرند، این خطر وجود دارد که جمعیت محلی زمین حقوق ضروری بر آب و زمین را از دست بدهند، که این امر موجب تضعیف فعالیت های اقتصادی در محل می شود و به شکل بالقوه سبب ایجاد ناآرامی و نارضایتی می گردد. برعلاوه، پروژه های مربوطه، مثل خط آهن پلان شده احتمالاً اثرات جدی خصوصاً بر زمین خواهند داشت، و این سوال که اقدامات حفاظتی شامل در قرارداد چطور بر پروژه های زیربنایی مربوطه انجام می شد همچنان باقی می مانند.

نظارت بر اقدامات حفاظتی

خطرات متوجه حقوق زمین و آب در چارچوب قرارداد تصدیق شده اند و تدابیری برای حفاظت از موقعیت جمعیت متأثر طرح گردیده اند. ماده 15(f) "پرداخت غرامت منصفانه" برای ضررهای ناشی از خسارت های وارد آمده به زمین یا آب، یا هرآن تداخل در حقوق استفاده را مقرر می دارد. باشندگان محلی که تحت تأثیرات نامطلوب قرار گرفته اند طبق "قانون قابل تطبیق افغانستان و اصول پذیرفته شده بین المللی انصاف و معقولیت" به آنها غرامت پرداخت می شود (ماده 23). در مواردی که باشندگان مکلف به جابجایی هستند، استقرار مجدد باید طبق رهنمودهای استقرار مجدد بانک جهانی صورت بگیرد و نباید اثر نامطلوب بر معیشت آنها داشته باشد و یا استندرد زندگی آنها را تقلیل دهد (ماده 23).

یک هلیکوپتر که بر فراز زمین های زراعتی در ولایت لوگر پرواز می کند. مدیریت نادرست صنایع استخراجی می تواند انشعابات جدی برای سکتور زراعت افغانستان که در حال حاضر 60% نیروی کار شاغل افغانستان را در استخدام دارد به همراه داشته باشد. اگر معیشت مردم افغانستان با استخراج معدن تهدید شود این حالت می تواند مخالفت ها و خصومت محلی را افزایش دهد.
(کریدت: اردوی ایالات متحده/ Creative Commons).

همانطور که این کارتون آسیای مرکزی نشان می دهد، منازعات بر سر حقوق بر زمین می تواند سبب نارضایتی محلی و رنجش بین شرکت های استخراج معدن و اجتماع ماحول شود.
(کریدت: شبکه محیط زیست Zoi/ روسلان والیتو 2012).

ملاحظه خاص باید حفاظت از طریقه زندگی اجتماعات متأثر مبذول شود. در ماده 23 تصدیق شده است که فعالیت های انکشافی کنسرسیوم بر قریه ها و باشندگان اطراف تأثیرگذار خواهد بود، و قرارداد کنسرسیوم را به تهیه و تمویل یک "برنامه کمک" برای منفعت آنها متعهد می سازد. همچنین محدودیت هایی در قسمت استفاده از آب وجود دارد، که مانع از آن می شود که کنسرسیوم آب زراعتی را به مصرف برساند، و یا کاربران محلی را از تأمین مقادیر موجه آب که معمولاً استفاده می کردند محروم بسازد (ماده (c)37). در ماده (b)19، کنسرسیوم همچنین ملزم می شود که زمینی را که دیگر به آن ضرورت ندارد رها کند. این به اجتماع اجازه خواهد داد که این زمین را بازپس گیرد، که زمینی را که برای آنها "منطقه ممنوعه" است را به مقداری که دقیقاً برای انکشاف معدن ضرورت است محدود می سازد. این شروط بسیار مثبتی هستند، اما اجرا و نظارت دقیق کلید موفقیت آنهاست.

گزارش های ارائه شده از سوی وزارت معادن نشان می دهند که بجای کنسرسیوم، این وزارت در حال پیشبرد اجرای الزامات استقرار مجدد بشمول تأسیس یک شهرک جدید برای اهالی جابجاشده قریه ها می باشد. یک مرجع پروژه- "مرجع عینک" - که بر تسهیل کار پروژه با حمایت از اقدامات انجام شده برای تأمین منابع بشمول زمین مورد ضرورت برای معدن تمرکز دارد، مقرر گردیده است.[146] در این حالت سوال این است که چه کسی بر اجرای اقدامات حفاظتی مبتنی بر قرارداد در قسمت زمین و آب نظارت خواهد کرد؟ در حال حاضر، به نظر می رسد که این کار نیز بر عهده وزارت معادن قرار دارد که سوالاتی را بر می انگیزد در مورد این که:

- آیا وزارت معادن از ظرفیت کافی برای مدیریت نظارت و همچنین اجرا و تسهیل برخوردار می باشد یا خیر؛ و
- آیا اقدامات حفاظتی برای حفاظت در برابر تعارض منافع بین کارکردهای دوگانه وزارت در اجرا و تسهیل پروژه از یک سو و نظارت بر اقدامات حفاظتی از سوی دیگر وضع شده است یا خیر.

استقرار مجدد

ماده 23 رهنمودهایی را با ارجاع به رهنمودهای استقرار مجدد بانک جهانی مقرر می دارد.[147] با توجه به اینکه احتمال دارد پروژه درگیر تصاحب زمین و بیجاشدگی فزیکی و/یا اقتصادی مردم شود، تبعیت از استندرد عملکرد شماره IFC 5 درباب تصاحب زمین و اسکان اجباری رهنمودهای بیشتری ارائه خواهد کرد.[148] **همچنین این شروط می توانند با الزامی ساختن حداکثر تلاش[bb] برای استقرار مجدد اجتماعات به مثابه یک کل، چنانکه مورد توصیه IFC،[149] است، و با مد نظر گرفتن امکان بسط عملیات های شرکت در آینده و هرآن اقدام استقرار مجدد جدید در آینده، هردو جمعیت اجتماعات محلی و کارگران مهاجر تقویت شوند.**

در مورد عینک، وزارت معادن حالا تفصیلات شهرک جدید، اصحاب بابا، که حدود 8-7 کیلومتر دورتر از محل معدن قرار دارد، منتشر کرده است. تمام اهالی قریه های متأثر در این شهرک جابجا خواهند شد. همچنین مسکن برای جریان ورودی مورد انتظار اشخاص در نتیجه عملیات های استخراج معدن.[150] در این شهر فراهم خواهد شد. گزارش ها حاکی از آن است که این موقعیت از سوی والی لوگر انتخاب شده است.[151] اما، معلومات درباره اینکه چطور زمین اسکان مجدد با زمینی که اهالی قریه قبلاً در اختیار داشتند مقایسه می شود، در اختیار قرار نگرفته است.

پرداخت غرامت

شروط قرارداد حاوی ضوابط متعددی است که نامشخص و مبهم هستند و یا اجتماع محلی را مستثنا می سازند. برای مثال، نرخ پرداخت غرامت برای زمین و ملکیت بدون دخالت اجتماع محلی، با ارجاع به "اصول پذیرفته شده بین المللی انصاف و معقولیت" مورد توافق GIRoA و کنسرسیوم قرار بگیرند. اصطلاحاتی مثل "انصاف" و "معقولیت" مکرراً در قراردادها استفاده می شوند، بنابراین اینها یک استندرد عمومی ارائه می کنند. اما این اصطلاحات اگر با تفصیلات بیشتر درباب اینکه کدام اصول برای ارائه حقوق مشخص و واقعی برای اشخاص متأثر در نظر گرفته شده اند، حمایت نشوند، بسیار مبهم هستند.

کنسرسیوم حق دارد که از زمین عمومی در قبال یک نرخ کرایه اسمی استفاده کند، اما باید به زمینداران خصوصی درقبال استفاده از زمین های آنها غرامت پرداخت کند (ماده (a)(i)37). سطح پرداخت غرامت از سوی یک "جناح ثالث مورد توافق جانبین" تعیین می شود، اما مشخص نیست که این عبارت چطور تفسیر می شود.

قرارداد مقرر نمی کند که پرداخت غرامت برای زمینی که مورد استفاده عرفی اجتماع محلی بوده است اما رسمیت قانونی نداشته است، به چه ترتیب خواهد بود. در خصوص پرداخت غرامتی که قبلاً تعیین شده است، وزارت معادن اقدام مثبت انتشار تفصیلات نرخ های تعیین شده و مبنای این نرخ ها را اتخاذ کرده است.[152] اگر این نرخ ها مورد پذیرش اجتماع محلی نباشند، میکانیزم جدید رسیدگی به شکایات باید راهی برای تشویش هایی که مطرح می شوند، ارائه کند. سوال این خواهد بود که آیا میکانیزم همانی است که مردم به آن اعتماد دارند و خواهان تبعیت از آن هستند یا خیر.

bb: اصطلاح "بیشترین تلاش" را می توان به معنای بکارگیری تلاش پایدار، با تعهد و عزم راسخ برای رسیدن به یک نتیجه مشخص دانست.

استفاده از آب

قرارداد حفاظت از حقوق آب که "از طریق عرف" وضع شده اند را مقرر می کند. (37(c)). اما، تفصیلاتی درباره اینکه برای تأسیس یک عرف به چه چیزی ضرورت است (برای مثال، آیا کاربرانی که گهگاه از آب استفاده می کنند و یا کوچی ها قادر خواهند بود که یک عرف تأسیس کنند؟) وجود ندارد، همچنین راه جبران خسارت برای کسانی که ممکن است اثبات اینکه کاربر عرفی هستند برای شان دشوار باشد بیان نشده است.

در صورتی که آب یک منبع محلی بنابه هر دلیلی به اتمام برسد، طبق ضوابط قرارداد جمعیت محلی حق اولویت بر استفاده از منابع آبی مجاور که حقوق عرفی بر آن ندارند را نخواهند داشت. همچنان، قرارداد فعلی حقی برای استفاده از آب برای مردم محلی باقی نمی گذارد وی می تواند امکان انکشاف اقتصادی یا جمعیتی جوامع مربوط را محدود نماید.

An Afghan boy draws water from a well. The Aynak community has already raised concerns that their water supplies have been affected by mining exploration activities. Such concerns need to be addressed and the reasons for water impacts investigated. Otherwise, they can fester and give rise to local opposition and protests.

افغان هایی که به شکل سنتی به منابع آبی دسترسی داشتند با اقدامات حفاظتی مهمی مورد حمایت قرار می گیرند... اما اگر آنها نتوانند قرارداد را ببینند، چطور می فهمند که از چه حقوقی برخوردار هستند؟ *(کریدت: جیمز گوروِن/ Creative Commons).*

توصیه هایی درباره حقوق ارضی و آبی

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- برای دعوی های آینده مربوط به زمین و آب، درباره توافق، قیمت و حقوق ارضی و آبی به طور آزادانه و با معلوماتدهی قبلی با طرزالعمل ها و زمانبندی های مشخص از مردم محلی اجازه بگیرند.
- درباره شفاف سازی ابهامات در قرارداد در جملاتی بشمول لغات "سفارشی" و "شخص ثالث با توافق طرفین" توافق کنند.
- **یقین حاصل نمودن از در نظر گرفتن ضروریات فعلی و آینده جوامع برای محافظت از منابع آب.**
- به نشر راپورهای مربوط به توافقات، تأدیات، تأثیرات پروژه عینک بالای زمین و آب و یقین حاصل نمودن از رفع مکمل این عوارض از طریق مشوره با جوامع در آینده دوام بدهند.
- در مورد جزئیات مربوط به طرز نظارت دولت جمهوری اسلامی افغانستان بر ضروریات قرارداد مربوط به زمین و آب را توافق نموده و آنها را نشر نمایند.
- با اجازه دادن به گروه های جامعه مدنی و پارلمانی برای دسترسی به معلومات مربوط به تطبیق پروژه، محل پروژه و قریه جات محلی، نظارت مستقل را تشویق نمایند.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- تمرکز برروی مساعی نظارت بر زمین و آب و یقین حاصل نمودن از وجود چک هایی برای جلوگیری از منازعات احتمالی بین "عملکرد اجرائیوی" وزارت معادن و "نظارت" برروی پروژه.
- برای تمامی قراردادهای معدنی آینده، به نکات ذیل در پروژه عینک توجه کنید:

- یقین حاصل نمودن از مطابقت توافقات، مصارف و حقوق ارضی و آبی با خوبترین اجراآت بین المللی و خاصتاً تطبیق استندردهای کلیدی مثل چوکات پایداری IFC یا طرزالعمل های شفاف.

- ایجاد ضرورت کسب اجازه آزادانه و آگاهانه قبلی از مردم محلی برای توافقات، تأدیات و حقوق ارضی و آبی با طرزالعمل ها و زمانبندی های شفاف.

- یقین حاصل نمودن از در نظر گرفتن ضروریات فعلی و آینده جوامع برای محافظت از منابع آب.

- در نظر گرفتن تجارب کسب شده از پروژه عینک برای مذاکره درباره پروژه های آینده.
- قبل از تطبیق پروژه های استخراجی دیگر، تصدیق کنید که دولت جمهوری اسلامی افغانستان ظرفیت کافی برای تطبیق و نظارت مؤثر بالای پروژه و محافظت از آن در مقابل تضاد منافع در طی عمر پروژه را دارد.

اجتماع بین المللی باید:

- برای افزایش ظرفیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان جهت اسکان مجدد مردم، تأدیه غرامت و تأثیرات واقعی و احتمالی پروژه بالای زمین و آب بر طبق خوبترین استندردهای بین المللی حمایت و ترنینگ ارائه نماید.
- برای افزایش ظرفیت نظارت بر مساعی کانگرس و دولت جمهوری افغانستان برای اسکان مجدد مردم، تأدیه غرامت و تأثیرات واقعی و احتمالی پروژه بالای زمین و آب، به پارلمان و جامعه مدنی خدمات حمایتی و ترنینگ ارائه نماید.
- برای ارائه اعطاآت انکشافی به افغانستان حقوق دسترسی به زمین و آب را در چوکات نظارت و ارزیابی مشترک را در نظر بگیرد.

8. ضروریات اجتماعی

بخش ذیل بعضی از مزایای مثبت قرارداد برای جامعه محلی، برای مثال در زمینه اشتغال، ترنینگ، تعلیمات و صحت را تشریح می کند. ولی همچنان عدم ارائه جزئیات کافی درباره ضروریات تطبیق پروژه و ضروریات مشورتی محلی را نیز ذکر می نماید که می توانند پروژه های بلااستفاده که مطابق با انتظارات مردم محلی نیستند را ایجاد نمایند و سبب نارضایتی گردد.

پروگرام مساعدتی

بر طبق ماده 23، کنسرسیوم برای تهیه و تأمین منابع مالی یک پروگرام مساعدتی جهت مقابله با تأثیرات انکشاف معدن بالای "قریه جات و باشنده گان اطراف" متعهد می گردد.

طرزالعمل های بین المللی مثل کتابچه IFC برای آماده سازی یک پلان اجرائیوی اسکان مجدد با مشوره مستقیم جمعیت تحت تأثیر، مشوره مستقیم با جمعیت تحت تأثیر را خوبترین روش برای طرح ریزی چنین پروگرام هایی می دانند.[153] در مقابل، بر طبق قرارداد عینک تنها تهیه بکسه سرمایه گذاری "با مشوره مسئولین دولتی مربوط" ضرورت دارد.

پلان گذاری و مشوره با جامعه تحت تأثیر، نمایندگان محلی و جامعه مدنی برای یقین حاصل نمودن از مطابقت بکسه با ضروریات محلی و پایداری آن به جای ایجاد پروژه های بلااستفاده که مطابق با انتظارات مردم محلی نیستند و سبب ایجاد نارضایتی می شوند ضرورت دارد.

اشتغال

در زمینه اشتغال، طی تحلیل های ما بعضی نکات مثبت و منفی مشخص گردید.

در جنبه مثبت قضیه، کنسرسیوم برای ترنینگ و استخدام فیصد مشخصی از اتباع افغان در سطوح مهارتی مختلف متعهد می گردد (مواد 39 و 40). این روش مهمی برای یقین حاصل نمودن از استفاده مردم از مزایای انکشاف معدن است. سرمایه گذاری در ترنینگ برای قادر ساختن مردم افغانستان برای کار و اجرای پروژه های استخراجی خود در آینده ضروری است. ولی کدام جزئیات درباره تعداد افغان هایی که تعلیم داده خواهند شد، مدت ترنینگ آنها و از همه مهمتر طرز انتخاب آنها اعلان نشده است. در ماده 40(a) مربوط به ترنینگ کنسرسیوم ذکر شده است "اشخاص مناسب با تابعیت افغان" ولی شرایط و طرز مشخص نمودن "مناسب" در آن ذکر نشده است. در ماده 40(b)ذکر شده است که "کنسرسیوم باید یک پروگرام ایجاد نماید که طی آن با اتباع افغان همکاری نموده و اعطاآتی به

یک کمپ که توسط کنسرسیوم در محل پروژه عینک در ولایت لوگر اعمار گردیده، کارگران را در معدن مس در خود جای داده است. کنسرسیون متعهد گردیده است که اتباع افغان را استخدام نماید ولی کارمندان افغان چطور انتخاب می شوند؟ آیا به جوامع محلی ترنینگ و صلاحیت های مورد ضرورت برای استفاده از فرصت های اشتغال موجود ارائه می گردد. *(کریدت: جروم استاکی).*

مؤسسات تعلیماتی افغانستان ارائه نماید". این یک ماده بسیار مثبت است ولی مجدداً جزئیات کافی درباره آن ارائه نشده است. مشخص نیست که چه تعداد افغان از این اعطاآت مستفید شده و نوع و مدت کورس های آنها چیست و طرز انتخاب اشخاص برای اشتراک نمودن در آنها چطور است. جزئیات معلومات ارائه شده توسط کنسرسیوم به گلوبال ویتنس درباره استخدام و ترنینگ افغان ها در حال حاضر در ضمیمه 3 ذکر شده است. خاصتاً کنسرسیوم اعلان نمود که آماده ارائه ترنینگ محافظت ماحولی و ارزیابی به شش نفر از مسئولین وزارت معادن است. این شروع خوبی است و کورس های بلندتر نیز خاصتاً برای افغان ها جهت انکشاف مهارت ها و کسب ترنینگ ضروری برای اداره صنعت استخراجی خود در آینده اهمیت دارد. ولی ممکن است تشویش هایی در زمینه طرز انتخاب اشتراک کنندگان در ترنینگ و کارمندان و خاصتاً اولویت صاحبان قدرت محلی نسبت به مردم عادی در این پروسس ایجاد شود. چنانچه چنین تشویش هایی وجود داشته باشد، یک تست مهم این است که آیا امکان طرح و حل رضایتبخش آنها از طریق میکانیزم های رفع اختلاف وجود دارد یا نی.

ولی متأسفانه، قرارداد بشمول قراردادی های فرعی نمی باشد و تعهدی برای اجرای ضروریات مثبت استخدامی در قراردادهای فرعی وجود ندارد.

ماده 39(a) به کنسرسیوم اجازه استخدام کارمندان افغان "بر اساس شرایط مورد تصدیق کنسرسیوم" را می دهد که ممکن است سبب ضرر رسیدن به مردم افغانستان گردد و باید شفاف گردد.

در بحث های انجام شده با جوامع محلی یک تشویش طرح شده با گلوبال ویتنس این است که جوامع اطراف معدن عینک خاصتاً در دهه های اخیر تحت تأثیر جنگ بوده اند و سکتور معارف در آنها ضعیف شده است. در نتیجه، تشویش هایی در زمینه عدم ارائه فرصت های تعلیمات و ترنینگ کنسرسیوم به اعضای جوامع محلی اعلان گردیده است چون آنها سطح اولی سواد و ترنینگ برای اشتراک نمودن در این پروگرام ها را ندارند. تشویش هایی مثل این مجدداً بر ضرورت مشوره جدی با جوامع محلی درباره ضروریات آنها و مزایایی که می خواهند از این پروژه کسب کنند تأکید می کنند.

صحت و مصؤنیت

برای کارمندانی که در پروژه کار می کنند، کنسرسیوم متعهد به استفاده از دستگاههای مصؤنیتی "مدرن بین المللی" و احتیاطات مصؤنیتی و "رعایت اجراآت معتبر بین المللی بشمول اقدامات میدریت ریسک برای محافظت از صحت عمومی و مصؤنیت کارمندان خود" می گردد. (مواد 3(b) و (c)).

کاریکاتور تجارب آسیای مرکزی در زمینه معدن ضرورت یقین حاصل نمودن از ارائه ترنینگ و تعلیمات به جوامع محلی جهت استفاده از فرصت های استخدامی در پروژه های معدنی را می دهد. *(کریدت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012).*

یک معدن دستکی در پنجشیر راپوردهی شده که معادن کوچک موجود شرایط کاری بسیار بدی دارند. تهیه طرزالعمل های شفاف صحی و مصؤنیتی برای سکتور استخراجی باید به یک اولویت بدل گردد.
(کریدت: کیت هولت).

این موضوع با توجه به راپورهای ارائه شده از شرایط بسیار بد معادن موجود در افغانستان،[154] و خطر وجود ماین های زمینی در محل پروژه و اطراف آن خاصتاً مهم است. طبق برآورد سال 2009، ماین های زمینی موجب مرگ 89 تن و جراحت 92 تن گردیده اند.[155] اخیراً گزارش داده شده است که دو کارگر افغان هنگام برخورد با یک ماین زمینی در مس عینک شدیداً جراحت برداشتند، و یک SUV مملو از کارگران کنسرسیوم با یک ماین زمینی برخورد کرد که موجب مرگ سرنشینان آن شد.[156] کار پاکسازی ماین های زمینی از ساحه جریان دارد اما خطر وجود ماین های پراکنده که سبب جراحت یا مرگ بیشتر کارگران در پروژه عینک می شود باید مورد ملاحظه و رسیدگی دقیق قرار گیرد.

یک متخصص ماین روبی، ماین های زمینی ضد نفر را برای پاکسازی در کندوز، افغانستان شناسایی می کند. در ارزیابی انجام شده از ساحه پروژه عینک مشخص گردید که 4.135 کیلومتر مربع با ماین های زمینی آلوده شده که ممکن است 1.4 کیلومتر مربع-آلوده به "بقایای مواد انفجاری [جنگ]"- نیز به آن علاوه گردد.
(کریدت: عکس از سازمان ملل متحد/جواد جلالی/کریتیو کامونز)

اقدامات صحی و مصؤنیتی انجام شده برای این پروژه هنوز مشخص نیست. با آنکه مطالب زیادی در ارتباط با صحت و مصؤنیت در قوانین و مقررات معدنی وجود دارد، طرزالعمل های دقیق صحی و مصؤنیتی مطابق با استندردهای بین المللی هنوز تعیین نشده است.

این یک عارضه بزرگ است که باید با حفظ اولویت رفع گردد. همچنان مهم است که این مواد قانونی مطابق با استندردهای خاص صحی و مصؤنیتی بین المللی مثل استندرد 2 مؤثریت IFC در زمینه شرایط کاری و ضروریات ترنینگ صحی و مصؤنیتی و نظارت مستقل، تقویت گردند.

مراقبت صحی

کنسرسیوم همچنان در ماده 25 توافق نمود که مصارف ارائه خدمات صحی مجانی را صرفاً برای کارمندان خود و خانواده های آنها تأمین نماید. این کار می تواند سبب ایجاد اختلافاتی در جامعه محلی بین اشخاص استخدام شده توسط کنسرسیوم و دیگران گردد و تأثیرات بالقوه جدی بالای گروههای در معرض خطر مثل زنان بیوه، اطفال یتیم و اشخاص بیکار داشته باشد. تأثیرات منفی صحی در نتیجه عملیات معدنی نیز می تواند این عارضه را تشدید نماید. برای رفع این عوارض، می توان معاینات منظم طبی را برای مثال جهت بررسی وضعیت صحی و ارائه مراقبت های اضطراری به باشنده گان محلی ترتیب کرد.

همزمان، خطرات مربوط به بدوش گرفتن مسئولیت های دولت توسط یک کمپنی سرمایه گذاری باید بررسی گردد. تأسیسات صحی و تعلیماتی باید توسط دولت و با استفاده از عواید مالیاتی تأسیس گردند. انتقال مسئولیت تأمین مصارف به یک کمپنی معدنی سبب سلب مسئولیت از دولت برای ارائه خدمات ضروری به مردم و تضعیف رابطه دولت-مردم می گردد. همچنان، چنانچه چنین امکاناتی منحیث یک امتیاز اعطاء شوند، می توانند بالای تصمیم ها و مشوره ها جامعه محلی تأثیر بگذارند چون جامعه محلی ممکن است برای یقین حاصل نمودن از دسترسی به خدمات صحی احساس کند که مجبور به قبول کردن چنین قراردادی است. به علاوه، با توجه به وجود تأسیسات صحی در ولایت، خطر انتقال کارمندان آنها به تأسیسات خصوصی نو (برای مثال به علت کسب معاش زیادتر) وجود دارد که می تواند سبب تضعیف تأسیسات دولتی گردد.

یک کلینیک صحی توسط یک کمپنی در شمال جمهوری دموکراتیک کنگو ایجاد شده است. با وجود کیفیت ضعیف کلینیک، جامعه محلی چاره ای جز مستفید شدن از آن ندارد. این یکی از چندین مثال از تعهدات کمپنی های بین المللی برای ایجاد تأسیسات اجتماعی برای جوامع زیان دیده است. ضرورت دارد که تعهدات مربوط به ایجاد تأسیسات اجتماعی بشمول تعهداتی برای حفظ کیفیت و نظارت مؤثر بالای آنها باشد.

تعلیمات

بر طبق ماده 26، کنسرسیوم توافق نمود که مصارف تأسیسات تعلیمات مکتب و لیسه را برای اطفال تمامی کارمندان و "باشندگان ساحات اطراف عینک که در راپور ارزیابی تصدیق شده تأثیرات اجتماعی ذکر گردیده" تأمین نماید. از این تعهد استقبال می گردد ولی استندردها، نتایج و تعاریف تأثیرات اجتماعی باید برای مشخص نمودن طرز تطبیق آن در عمل ارزیابی گردند. مسائلی ممکن است ایجاد شود برای مثال اگر ارزیابی های انجام شده سبب ایجاد یک سرحد گردند که بعضی از اشخاص را از این مزایا محروم نماید ممکن است درگیری هایی ایجاد شود. برای مثال ممکن است اشخاصی که مجدداً اسکان داده شده اند در خارج از چنین سرحدی قرار بگیرند. یقین حاصل نمودن از ارائه تعلیمات به تمامی افغان ها با ذکر شرایطی جهت جلوگیری از خطرات، برای مثال مستثنی شدن اطفال مؤنث، مهم است.

مسکن

بر طبق ماده 24، کنسرسیوم همچنان مصارف مسکن کارمندان و خانواده ها آنها با "نرخ کرایه معقول" را تأمین خواهد نمود. مجدداً، این یک شرط مهم است ولی باید نظارت کافی بالای آنچه نرخ معقول خوانده می شود انجام شود. این شرط همچنان ضرورت به مشوره با "مسئولین دولتی مربوط" برای تعیین تعداد، نوع و محل چنین خانه هایی دارد. برای تأکید، چنین مشوره هایی باید برای یقین حاصل نمودن از در نظر گرفتن ضروریات و جلوگیری از بروز نارضایتی در آینده با گروه تحت تأثیر نیز انجام شود. مرتبط نمودن مسکن خانوادگی با شغل این خطر را ایجاد می کند که وقتی که یک کارمند افغان کار خود را از دست بدهد، او و خانواده اش فوراً خانه شان را نیز از دست می دهند که احتمال افزایش درگیری را ایجاد می کند. همچنان این خطر وجود دارد که کارمندان احساس نمایند نمی توانند سوء رفتارها و یا عوارض شغلی خود را رفع نمایند چون در خطر از دست دادن خانه و تأسیسات صحی و تعلیماتی قرار می گیرند که وابسته به صاحب تصدی آنها است.

همچنان، مواد 27 و 28 مربوط به تأسیس مراکز تفریحی و اماکن مذهبی ضرورت به مشوره با مسئولین دولتی دارند. مجدداً، توصیه می شود خاصتاً با توجه به حساسیت مذهب و ضرورت یقین حاصل نمودن از مشوره با تمامی گروه های مذهبی، این شرایط برای مشوره با جامعه محلی تغییر یابد.

زیربنا و تأمین برق

در نهایت، شرایط واضحی در رابطه با زیربنا و تأمین برق که توسط کنسرسیوم انجام می شود وجود ندارد (بخش 5 قرارداد). خاصتاً، در قرارداد اصلی مشخص نیست که راه آهن در اختیار عموم قرار می گیرد یا نی و زمین مورد ضرورت برای راه آهن چطور تأمین می گردد و چه مشوره هایی برای آن انجام می شود. گروه هایی زیادی وجود دارند که ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرند و مهم است که همه آنها در نظر گرفته شوند. بدون پلان گذاری و مشوره مناسب، برای مثال ممکن است قبایل محلی نتوانند در ساحات مربوط حرکت کنند. در رابطه با تأمین برق، به تأمین برق برای پروژه و شهر کابل اشاره شده است ولی مشخص نیست که ساحات اطراف عینک نیز از آن مستفید خواهند شد یا نی. بدون دسترسی به قراردادهای فرعی، چنین موادی را نمی تون به طور صحیح ارزیابی نمود.

انجام تعهدات

تمامی زیربناهای اجتماعی و تعهدات مربوط به ارائه خدمات باید به طور مستقل بررسی شده و از کیفیت آنها (مطابق با استندردهای بین المللی) یقین حاصل گردد. پروژه های استخراج منابع طبیعی در کشورهایی مثل جمهوری دموکراتیک کنگو و لیبریا منجر به بدتر شدن جدی شرایط زندگی جوامع تحت تأثیر شده اند. تعهدات قراردادی ها برای تأدیه غرامت به جوامع محلی به شکل زیربناها و خدمات اجتماعی مثل تأسیسات تعلیماتی و صحی در بسیاری در موارد اجرا نشده است. این تجارب مکرراً منجر به رنجش جوامع محلی، مقابله مردم محلی با فعالیت های استخراج منابع و درگیری خشن گردیده است.

برای مثال در جمهوری دموکراتیک کنگو، گلوبال ویتنس در مورد تأثیرات چوب بری صنعتی بالای جنگل ها و جوامع محلی و کیفیت تعهدات انکشاف اقتصادی-اجتماعی انجام شده توسط کمپنی های چوب بری، تحقیق نمود.[158] جوامعی که از آنها بازدید شده شکایات متعددی را طرح نمودند. آنها ادعا می کنند که با وجود امضای توافقات اجتماعی، کمپنی ها مکاتب، شفاخانه ها و سرکهای وعده داده شده را اعمار نکرده اند. در مواردی که پروژه ها اجرا شده اند، جوامع از کیفیت ضعیف کارهای تعمیراتی و مکمل نشدن آنها شکایت کرده اند. این بدان معناست که تأسیسات ارائه شده کاربرد محدود و یا کوتاه مدت داشته و معمولاً رها می شوند. عدم تأمین انتظارات جوامع و عدم رعایت ضروریات قرارداد سبب افزایش اعتراضات مردم محلی گردیده که در نتیجه منجر به نقض حقوق بشر به علت استفاده از قوای امنیتی برای مقابله علیه ناآرامی می گردد که در اوج خود منجر به تجاوز و قتل نیز می گردد.[159] این نکات ضرورت ایجاد میکانیزم های مؤثر جلوگیری از نارضایتی و نظارت مؤثر بالای اجرای تعهدات انکشاف اجتماعی توسط سازمان های دولتی و سازمان های جامعه مدنی را مشخص می کند.

اگر پروژه تمام شود چه؟

باید به شرایط بعد از اتمام پروژه توسط کنسرسیوم و یا دور شدن کنسرسیوم از یک ساحه خاص نیز توجه شود. در لیبریا، گلوبال ویتنس مشاهده نموده که وقتی که کمپنی ها عملیات خود را مکمل می سازند یا مسئولیت پروژه ها انتقال می یابند چه اتفاقاتی می افتد.[cc] اشخاصی که قبلاً توسط کمپنی های معدنی استخدام شده و به آنها خانه داده شده بود پا برهنه

رها می شوند. کمپنی ها خدمات و زیربناهایی مثل شفاخانه را ارائه می کردند که امکان حفظ آنها وجود نداشت و وقتی که کمپنی های معدنی آنها را رها می کردند مخروبه می شدند. در عینک، پلان گذاری از ابتدا برای مقابله با خطر عدم حفظ زیربناها یا عدم تداوم ارائه خدماتی که مصارف آنها قبلاً توسط کنسرسیوم تأمین می شد بعد از بسته شدن پروژه ضرورت دارد. در غیر این صورت، ممکن است وضعیت جامعه محلی خاصتاً به علت سرمایه گذاری کمتر دولت در ساحه به علت سرمایه گذاری اجتماعی کمپنی قراردادی، بدتر از وضعیت قبل از پروژه گردد. **همچنان تجارب مشخصی از مسائل مربوط به حفظ پروژه های اجرا شده با استفاده از اعطاآت در افغانستان وجود دارد که دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید برای جلوگیری از تکرار اشتباهات به آنها توجه کنند.**

توصیه های مربوط به اقدامات اجتماعی

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- ایجاد یک پروسس برای هماهنگی سیستماتیک با جوامع جهت توافق درباره شکل بکسه های اجتماعی و تصدیق کتبی آنها توسط جوامع.
- شفاف سازی تعهدات استخدامی در قراردادهای فرعی و ارزیابی تعهدات استخدامی برای یقین حاصل نمودن از محافظت از افغان ها در مقابل قراردادهایی که به اختیار کمپنی لغو می شوند.
- ارزیابی پروگرام های ترنینگ برای کارمندان افغان جهت یقین حاصل نمودن از مفید بودن آنها برای افغانستان در بلند مدت.
- توافق درباره اجرای استندردهای صحی و مصؤنیتی مثل استندرد مؤثریت IFC 2 در پروژه و یقین حاصل نمودن از ارائه ترنینگ صحی و مصؤنیتی به کارمندان و نظارت مستقل بالای تطبیق استندردهای صحی و مصؤنیتی.
- ایجاد میکانیزم های نظارتی مؤثر برای درمان باشنده گان عینک.
- توافق درباره اجراآت جلوگیری از اختلاف بین باشنده گان محلی استخدام شده توسط کمپنی و سایر باشنده گان.
- یقین حاصل نمودن از شفاف سازی حقوق جامع محلی نسبت به پروژه های زیربنایی و انکشاف تولید برق.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- یقین حاصل نمودن از هماهنگی مؤثر و به وقت با جوامع درباره انکشاف تأسیسات اجتماعی و بکسه های مساعدتی و پلان گذاری دقیق با در نظر گرفتن تأثیرات خاتمه پروژه بالای جوامع محلی.
- منحیث یک اولویت، طرزالعمل های دقیق صحی و مصؤنیتی برای تمامی عملیات معدنی نشر گردد.
- مشخص نمودن تجاربی که باید برای مذاکره درباره قراردادهای بعدی و تعیین پارامیترهای ارزیابی اجتماعی در آینده از پروگرام مساعدت اجتماعی عینک کسب گردد از طریق مشوره با سهم گیرندگان عمده در پروژه عینک.
- توافق درباره اقداماتی که باید برای نظارت بر تأثیرات صحی بالقوه فعالیت های معدنی انجام شوند.

اجتماع بین المللی باید:

- برای رفع خطرات بالقوه پروگرام های اجتماعی بالای باشنده گان در بلند مدت به دولت جمهوری اسلامی افغانستان خدمات حمایتی و ترنینگ ارائه نماید.
- برای تقویت ظرفیت نظارت بالای پروگرام ها و رفع کمبودها به جامعه مدنی محلی، رسانه ها و پارلمان خدمات حمایتی و ترنینگ و ارائه نماید.
- همکاری مؤثری با جامعه برای طرح ریزی بکسه های اجتماعی و نظارت بر تأثیرات اجتماعی پروژه های معدنی با چوکات مشترک نظارت و ارزیابی برای اعطاآت به افغانستان انجام بدهد.

---

cc: در این مورد، فعالیت های استخراج معدن به دلیل خصومت ها متوقف شد، اما کارگران سابق و خانواده های آنها به زندگی در منازل تهیه شده از سوی شرکت در سراسر جنگ ادامه داند، و وقتی که ذخایر معدنی به Mittal Steel بعد از جنگ فروخته شده در معرض خطر اخراج قرار داشتند. این مسئولیت Mittal Steel نبود، اما ضروری است که دولت به اتباع خود که بر اثر بسته شدن معدن به هر دلیلی با خطر بی خانمان شدن مواجه هستند، کمک کند..

9. مسائل باستانی و سایر مسائل مربوط به ساحه

بخش ذیل موقعیت ساحات اطراف عینک را نشان می دهد که اهمیت تاریخی زیادی دارد و طرز رفع این تعارض را بررسی می کند.

طی چند سال اخیر، توجه عمومی به تأثیرات پروژه عینک بالای یکی از مهمترین آثار تاریخی افغانستان معطوف شده است. به طرز تشویش آمیزی، این مسئله در وقت امضای قرارداد در نظر گرفته نشده و به ارزیابی و رفع تأثیرات پروژه بالای آثار تاریخی اشاره ای نشده است.

عینک خانه آثار باستانی بودایی است که از زمانی که این ساحه مسیر انتقال بودائیسم به آسیای مرکزی و چین در 2000 سال قبل بوده باقیمانده اند.[161] این ساحه منحیث یک اثر باستانی در دهه 1960 شناسایی گردید ولی اولین بار یک تیم از انستیتوت باستانشناسی افغانستان در سال 2004 درباره آن تحقیق کرد.[162] حداقل، سه اثر بشمول شش عبادتگاه و تعداد زیادی اشیای باستانی در محل عملیات معدنی و یا اطراف آن شناسایی شده است.[163] ولی، قرارداد عینک بشمول موادی در رابطه با اکتشافات باستانشناسی نیست و روزنامه چاینا دیلی راپور داده که این کنسرسیوم در وقت امضای قرارداد از تاریخچه آن اطلاع نداشته است.[164] ولی، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم هر دو با انعطاف با مسئله آثار باستانی برخورد نموده اند و توافق شده که پروژه به تأخیر بیافتد تا باستانشناسان بتوانند محل را حفاری کنند.[165]

یکی از عبادگاههای باستانی افغانستان در مس عینک تحت حفاری است. محل این عبادگاهها تصادفی نیست. گمان می رود که راهبان بودایی دقیقاً به این علت در مس عینک (به معنای "چاه مس کوچک") ساکن شدند که در آن مس موجود بود و به آنها اجازه اعمار کردن عمارت های بزرگ را می داد. اگر چنین کاری در سراسر افغانستان انجام شود، اختلاف بین محافظت از میراث غنی کشور و استخراج ذخایر با ارزش آن چطور رفع می گردد؟
(کریدت: جونی ماهاری).

چوکات شماره 10: قوه میراث فرهنگی

میراث فرهنگی می توانند نقش مهمی در ایجاد اتحاد در کشوری مثل افغانستان داشته باشند و نقاط مشترکی برای یک حافظه گروهی برای مردمی باشند که نژاد، لسان و مذاهب مختلفی دارند و در صورت بروز درگیری نشانه ای از هویت آنها باشند: "وحدت در کثرت".[166]

درگیری های خشن در بوسنی و هرزگوین در دهه 1990 اهمیت میراث فرهنگی در هویت یک ملت را نشان داد. در آنجا، کتابخانه ها، آرشیوها، موزیم ها، آثار مذهبی و تاریخی عمداً مورد حمله گروه های معاند قرار گرفتند تا حافظه جمعی این ساحه را تخریب نمایند.[167] تخریب وسیع کتاب ها و آثار مذهبی مثل نوشته های[168] نفیس اسلامی بخشی از کوشش آنها برای نابودی شواهدی بود که "می توانست به نسل های آینده یادآوری کند که مردمی از اقوام و مذاهب مختلفی زمانی میراث مشترکی در بوسنی داشته اند.[169] بعد از جنگ، کوشش هایی برای بازسازی آثار تخریب شده در بوسنی برای "حفظ تاریخچه ای از یک جامعه چند فرهنگی با مدارا و نهادهایی که حافظه جمعی را در خود حفظ می کنند" هنوز در حال انجام است.[170]

موقع تأسیس عراق مدرن در سال 1921، ایجاد یک هویت ملی برای یک جمعیت متنوع با اختلافات قومی، مذهبی و لسانی بسیار سخت بود. تاریخ قدیم این سرزمین که به "گهواره تمدن" معروف بود، به ایجاد حس افتخار و وحدت در میان مردم مساعدت نمود.[171] دهه ها خشونت، درگیری و غارت سبب تخریب آثار باستانی عراق گردیده ولی میراث فرهنگی این کشور هنوز نقش مهمی در افکار مردم داشته و یکی از منابع عمده اقتصادی برای کشور محسوب می گردد و توریسم فرهنگی یکی از منابع بالقوه مهم عواید برای کشور محسوب می گردد.[172] ولی، مثل افغانستان، ضرورت به محافظت از سرمایه فرهنگی عراق در اولویت دوم نسبت به انکشاف سکتور معدنی قرار گرفته است. برای هر دو کشور، جمله مریم عمران موسی، مدیر آثار باستانی بابل حائز اهمیت است: "تیل و آثار باستانی هر دو ثروت ملی هستند ولی من یک نظر دارم: وقتی که تیل تمام شود ما هنوز آثار باستانی را داریم".[173]

مجسمه های باستانی بودا داخل یک معبد در مس عینک. محل معدن عینک همچنان حاوی مهمترین آثار باستانی افغانستان است. اهمیت تاریخی این محل قبل از امضای قرارداد عینک نامشخص بود. . . ولی هنوز چیزی در این مورد در قرارداد ذکر نشده است *(توسط: AP/اسوشیتد پرس).*

آثار بودایی در محل پروژه عینک ارزش تاریخی بسیار زیادی برای افغانستان و جهان دارند. در قانون اساسی افغانستان بر اهمیت میراث فرهنگی تأکید شده و افغانستان یکی از اعضای کنوانسیون میراث جهانی یونسکو است. یک کمپاین برای کسب وضعیت میراث جهانی برای این محل در حال انجام است که سئوالاتی را درباره ممنوعیت استخراج معدنی در این محل ایجاد می کند.[dd174] ولی از سال 2009، هیئت نمایندگی باستانشناسی فرانسه در افغانستان (DAFA) در حال استفاده از تخنیک های نجات آثار باستانی برای ارزیابی و استخراج بقایای باستانی با سرعتی بوده که گمان می رود راه را برای شروع عملیات استخراج معدن باز می کند.[175] به گفته بانک جهانی، DAFA همچنان در حال "ارزیابی از محل و تهیه پلان مدیریت میراث فرهنگی" است.[176]

"سخت است که شاهد تخریب بی رحمانه و حساب شده اموال فرهنگی باشیم که میراث مردم افغانستان و البته کل بشریت هستند. بوداهای بامیان در لست میراث فرهنگی جهانی نبودند ولی قطعاً لیاقت آن را داشتند که در این لست قرار بگیرند و تخریب آنها یک جنایت فرهنگی واقعی است. . . این زیان جبران ناپذیر است. تمامی اقدامات ممکن باید برای جلوگیری از تخریب زیادتر آن انجام شود"، رئیس سابق یونسکو آقای کوچیرو ماتسورا.[177]

در سال 2001، تخریب دو مجسمه عظیم بودا که 1400 سال بالای دره حاصلخیز بامیان در جاده ابریشم قرار داشتند توسط جامعه بین المللی محکوم گردید.[178] تصمیم رژیم طالبان برای تخریب مجسمه های باستانی با استفاده از دینامیت بر اساس یک حکم مذهبی مبنی بر حرام بودن حکاکی تصاویر بت ها انجام شد.[179] بیش از یک دهه بعد، ما شاهد قربانی شدن مجدد میراث فرهنگی مردم افغانستان هستیم ولی این بار به علت انکشاف اقتصادی.

مسائل مربوط به آثار باستانی باید قبل از برگزاری مناقصه عینک در نظر گرفته می شدند و قطعاً باید به کنسرسیوم MCC/JCL اطلاع داده می شدند تا اقدامات ضروری انجام شود: (1) برای ارزیابی اولویت عملیات معدنی نسبت به اهمیت فرهنگی بالقوه محل و (2) توافق برروی یک سلسله طرزالعمل های دقیق برای به حداقل رساندن تأثیرات بالای آثار باستانی بودایی و کشفیات انجام شده در حین عملیات استخراجی بشمول تعلیق کارها در صورت ضرورت. از آنجائیکه اقدامات فوق انجام نشده است، ایجاد پروسس های مناسب و مورد توافق طرفین ضروری است.

همچنان، تأثیر کشفیات باستانی بالای عملیات استخراج معدن تاکنون، اهمیت در نظر گرفتن خطرات بالقوه قبل از تعیین شرایط یا امضای یک قرارداد را مشخص می کند. تهیه پروسس هایی که مسائل در آنها از ابتدا مشخص شده و کاملاً رفع می گردند می تواند با اجازه دادن به سرمایه گذاران برای تخمین زمان و مصارف قراردادها و تقلیل خطرات پروژه، سبب تشویق سرمایه گذاری گردد.

دو زن از یک شکاف بزرگ که یکی از مجسمه های باستانی بودا در بامیان در آن ایستاده بوده گذر می کنند، 17 جون 2012. یک یادآوری تلخ از تخریب آن که هنوز بالای میراث فرهنگی افغانستان سنگینی می کند.
(کریت: بریدمن کن اسکار/کریتیو کامنز).

dd: این امر مطابق با بهترین رویه بین المللی است. برای مثال، حکم شماره 5 منشور منابع طبیعی بر اهمیت ارزیابی اثرات و نظارت متعاقب آن تأکید می کند و در این باره بیان می کند که "نظارت زیست-محیطی و اجتماعی باید در سراسر حیات پروژه طبق یک پلان برای به حداقل رساندن و تحقیق اثرات نامطلوب احتمالی حفظ شود". طبق UNGP ها، قرارداد باید همچنین انتظارات از مسئولیت های شرکت در خصوص احترام به حقوق بشر را تصریح کند و باید امکان نظارت کافی دولتی در خصوص حقوق بشر بشمول [نظارت] از طریق "چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مستقل" را فراهم کند.

توصیه هایی درباره مسائل مربوط به میراث فرهنگی و سایر خطرات ساحوی

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- توافق برای تحقیق از تأثیرات پروژه بالای آثار باستانی و مصارف انتقال آثار باستانی کشف شده.
- مشوره با وزارتخانه ها و متخصصین حفاری باستانشناسی بشمول وزارت معلومات و فرهنگ، انستیتوت ملی و DAFA برای یقین حاصل نمودن از در نظر گرفتن ضرورت پلان گذاری برای به حداقل رساندن تأثیرات باستانشناسی.
- نشر مدارک بروزرسانی شده بشمول جزئیات محل و زمان فعالیت های استخراج معدنی پلان گذاری شده برای اولویت بندی و مدیریت حفاری های باستانشناسی.
- **توافق برروی طرزالعمل های شفاف در صورت شناسایی بقایای زیادتر در مدت اجرای پروژه.**

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- برای اعطای امتیازات بعدی، خطرات بالقوه فرهنگی، تاریخی، طبیعی و اجتماعی ساحه تحت لایسنس از ابتدا در نظر گرفته شود و این خطرات در ارزیابی های کلی پروژه پیشنهادی قبل از تصمیم گیری برای انجام استخراج نیز در نظر گرفته شود.
- ضرورت به حداقل رساندن و رفع تأثیرات پروژه در ساحه در مذاکرات قرارداد خاصتاً ذکر شود.

اجتماع بین المللی باید:

- حمایت از تمامی مساعی انجام شده برای به حداقل رساندن تأثیرات باستانشناسی بالای محل پروژه و حفظ آثار باستانی کشف شده از آن.
- یقین حاصل نمودن از توجه به آثار باستانی و سایر مسائل در ساحه محلی توسط مشاورین و وکلاء و یقین حاصل نمودن از در نظر گرفته شدن این مسائل در پیش نویس قراردادهای آینده (و چوکات نظارتی) در پروژه های آینده.
- محافظت از میراث فرهنگی و تاریخی همراه با نظارت و ارزیابی مشترک از مساعدت های انکشافی به افغانستان.

A gold head excavated at Mes Aynak, Summer 2010. GIRoA and the Consortium are cooperating to ensure the archaeological site is excavated and that recovered artefacts are properly housed. But should the area be mined at all? *(Credit: Joanie Meharry).*

10. ارزیابی ها و نظارت

بخش ذیل چوکات ارزیابی و نظارت را تشریح نموده و اقدامات اضافی مورد ضرورت برای یقین حاصل نمودن از اجرای صحیح پروژه و رعایت تمامی تعهدات قراردادی را مشخص می کند.

مهم نیست که یک قرارداد معدنی چقدر برروی کاغذ خوب معلوم شود، فقط وقتی بدل به یک پروژه موفق می شود که شرایط مورد توافق به طور صحیح اجرا شده و اقدامات محافظتی و تعهدات مرتباً ارزیابی و نظارت شوند. برای نایل آمدن به این هدف، ضرورت دارد که از انجام ارزیابی های جامع به طور منظم یقین حاصل گردد و همچنان یقین حاصل گردد که کدام مانع مستقیم یا غیر مستقیم برای نظارت دولت و یا نظارت مستقل گروه های اجتماعی، جامعه مدنی، پارلمان و رسانه ها وجود ندارد.

چوکات شماره 11: دولت جمهوری اسلامی افغانستان تاکنون چه کرده است؟[180]

اقداماتی که دولت جمهوری اسلامی افغانستان با حمایت جامعه مدنی برای یقین حاصل نمودن از مدیریت و نظارت خوب بر پروژه عینک انجام داده بشمول موارد ذیل است:

- خلاصه معلومات مربوط به بعضی از شرایط قرارداد موجود است.
- جزئیات ارزیابی های اجتماعی انجام شده طی شش ماه گذشته و معلومات اولی درباره پلان های پروژه و تأثیرات مهم ماحولی آن نشر شده است.
- وزارت معادن یک پالیسی اجتماعی تهیه نموده و در حال ایجاد پروسس هایی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ماحولی پروژه معدنی است.
- وزارت معادن در حال ایجاد یک میکانیزم حل اختلافات برای پروژه است.
- وزارت معادن اداره عینک را تأسیس نموده که یک اداره برای مساعدت به کنسرسیوم در تمامی جوانب پروژه است. این اداره تاکنون بر خرید زمین و اسکان مجدد جوامع تحت تأثیر تمرکز نموده است.
- بانک جهانی در حال تأمین مصارف یک پروژه برای ایجاد ظرفیت در وزارت معادن و اداره ملی حفاظت محیط زیست (NEPA) است.
- از یک کمپنی قراردادی برای نظارت بر مسائل قراردادی، ماحولی، اجتماعی و محافظت فرهنگی در عینک به مدت پنج سال استفاده شده است.
- هیئت مشورتی بین المللی (IAP) بشمول یک گروه از متخصصان معدنی برای نظارت بر پروسس مناقصه عینک و ارزیابی قرارداد عینک تأسیس شده است.

ارزیابی ها

همانطور که مشخص است، این قرارداد ضرورت به انجام ارزیابی های اجتماعی و زیست-محیطی دارد اما الزامی برای به روزرسانی اینها وجود ندارد، و نیز ماده ای برای انجام ارزیابی های دیگر و یا هرآن اقدام حفاظتی برای استقلال وجود ندارد.

عدم وجود جزئیات در مدارک پروژه بشمول مطالعه امکانپذیری قابل پذیرش در بانک، پلان انکشاف معدنکاری و محتوای برنامه زمانبندی پروژه سبب می گردد که میزان در نظر گرفته شدن نتایج ارزیابی در این مدارک به طور واضح مشخص نگردد.

همچنان، بر طبق قرارداد، مسئولیت انجام ارزیابی های مستقل فقط بدوش وزارت معادن است که به علت تمرکز وزارت معادن بالای انکشاف استخراج و کسب عواید حاصل از آن به طور بالقوه می تواند سبب ایجاد اختلافات گردد. این با قانون ماحولی که تحت آن مسئولیت نظارت بر ارزیابی های ماحولی و اجتماعی بدوش NEPA است تناقض دارد. در سپتمبر 2011، بانک جهانی راپور داد که وزارت معادن و NEPA برای توافق درباره تقسیم مسئولیت های پاکسازی بین یکدیگر ملاقات خواهند کرد.[181] با فرض آنکه تاکنون درباره تقسیم وظایف توافق کرده باشند، این توافقات باید نشر شده و جزئیات طرز رفع تضاد احتمالی منافع آنها نیز اعلان گردد.

با توجه به وسعت تأثیرات احتمالی پروژه عینک، مهم است که یک ارزیابی اولی و بروزرسانی های منظم مربوط به مسائل اجتماعی، ماحولی، اقتصاد محلی، حقوق بشر، فرهنگی، فساد اداری و اختلافات به طور علنی انجام شود.[ee] اقداماتی باید برای یقین حاصل نمودن از محافظت از ارزیابی های مستقل در مقابل ارزیابی هایی که نتایج مثبت برای پروژه را به علت داشتن ارتباط مستقیم با دولت جمهوری اسلامی افغانستان یا کنسرسیوم ترجیح می دهند و یا با دوام یافتن پروژه امکان کسب حق کمیسیون خواهند داشت، انجام شود. از این ارزیابی ها باید برای پلان گذاری عملیاتی معدن استفاده گردد تا در صورت ضرورت تغییراتی در زمانبندی، محل و نوع کارهای پلان گذاری شده انجام شود.

نظارت

نظارت، عامل محافظت اصلی در مقابل قاچاقبری، تأدیات ثبت نشده و انتقال منابع مالی است که همگی آنها می توانند سبب عدم نایل آمدن دولت به عواید حاصل از استخراج معدن گردیده و سبب ایجاد اختلاف و فساد اداری گردند.

این قرارداد اجازه انجام بازدیدها و تفتیش ها توسط کارمندان مجاز دولت جمهوری اسلامی افغانستان را داده و ضرورت به راپوردهی به وزارت معادن دارد. کنسرسیوم همچنان موظف به تأمین سایر معلومات درخواستی وزارت معادن است. ولی کنسرسیوم موظف به ارائه این معلومات در یک مدت معین نشده است و اختیارات سایر سازمان های دولت جمهوری اسلامی افغانستان مثل NEPA برای کسب معلومات مورد ضرورت نامشخص است. با نگاه کردن به فراتر از قرارداد، یک سئوال مهم این است که آیا وزارت معادن و NEPA ظرفیت نظارت بر پروژه عینک در حال حاضر و آینده را دارند یا نی.

با آنکه یک "اداره پروژه" برای عینک تأسیس گردیده است، ولی وظایف آن فقط محدود به مساعدت به کنسرسیوم برای اجرای پروژه (مثل اخذ اجازه برای استفاده از زمین)،[182] به جای نظارت و ارزیابی قرارداد است.

بانک جهانی مصارف یک پروگرام را تأمین می کند که بخشی از آن بر ایجاد ظرفیت سازمانی در وزارت معادن و NEPA متمرکز است. این پروگرام خاصتاً بشمول افزایش ظرفیت برای "ایجاد یک رژیم ارزیابی و

بر اساس تجارب استخراج معادن در آسیای مرکزی، این کاریکاتور خطر ممانعت کمپنی های معدنی از انجام بازرسی ها از یک طرف و خطر تکرار بازرسی ها توسط سازمان های مختلف به علت عدم هماهنگی از طرف دیگر را نشان می دهد. در افغانستان، مهم است که تمامی قراردادهای استخراجی سازمان های نظارتی به محل و مدارک پروژه در صورت درخواست دسترسی داشته باشند. همزمان، برای تقلیل فشار بالای کمپنی، کارهای نظارتی باید به خوبی هماهنگ و راپوردهی شوند.
(کریدیت: شبکه محیط زیست Zoï/ روسلان والیتو 2012).

نظارت بر قرارداد دینامیکی بشمول حمایت وسیع از نظارت بر قراردادهای استخراجی عینک و حاجیگک است."[183] ولی در حال حاضر، یک قرارداد با یک کمپنی مشاوره برای "نظارت بر مسائل قراردادی، ماحولی، اجتماعی و محافظت از میراث فرهنگی در عینک به مدت پنج سال" منعقد شده است.[184] ارائه حمایت ها برای بهبودبخشی ظرفیت نظارتی مهم است ولی سبب وابستگی سازمان های افغان به مشاورین خارجی می گردد و مشخص نیست که ظرفیت آنها چطور برای بدوش گرفتن مسئولیت نظارت مؤثر در آینده انکشاف خواهد یافت. همچنان، این طور معلوم می شود که مسئولیت های زیادی در عینک بدوش کمپنی مشاوره قرار داده شده که سبب ایجاد سئوالاتی درباره کافی بودن کارمندان آن برای انجام تمامی مسئولیت های تعیین شده در این پروژه و همچنان نظارت بر سایر پروژه های استخراج معدن و تیل در کشور می گردد.

سایر منابع نظارتی پروژه محدود است. غیر از وزارتخانه، سهم گیری جامعه مدنی در سکتور استخراجی محدود به سازمان های بسیار کوچک است و این سکتور برای پارلمان یک سکتور نو است.

با گذر زمان و تقلیل حمایت بین المللی از افغانستان، چه کسی به نظارت بر پروژه در آینده دوام خواهد داد؟ آیا کارمندان و مهارت و تجربه کافی برای اداره چنین پروژه بزرگی را خواهند داشت؟ با ارائه امتیازات زیادتر، این پروژه های اضافی چطور در حال و آینده ارزیابی خواهند شد؟ بسیار مهم است که جامعه بین المللی که چنین نقش مهمی در فعال ساختن این سکتور ایفا نموده، کارهای مورد ضرورت برای یقین حاصل نمودن از کافی بودن ظرفیت از لحاظ تعداد و مهارت ها و تجارب کارمندان برای اداره این سکتور را انجام بدهد.

ee: این امر مطابق با بهترین رویه بین المللی است. برای مثال، حکم شماره 5 منشور منابع طبیعی بر اهمیت ارزیابی اثرات و نظارت متعاقب آن تأکید می کند و در این باره بیان می کند که "نظارت زیست-محیطی و اجتماعی باید در سراسر حیات پروژه طبق یک پلان برای به حداقل رساندن و تحقیق اثرات نامطلوب احتمالی حفظ شود". طبق UNGP ها، قرارداد باید همچنین انتظارات از مسئولیت های شرکت در خصوص احترام به حقوق بشر را تصریح کند و باید امکان نظارت کافی دولتی در خصوص حقوق بشر بشمول [نظارت] از طریق "چوکات های کاری نظارت و ارزیابی مستقل" را فراهم کند.

نظارت آزادانه و مستقل نیز برای محافظت از پروژه ضروری است. گروه هایی مثل جامعه مدنی، پارلمان، رسانه ها و گروه های اجتماعی می توانند نقش مهمی در نظارت بر پروژه و اعلان اخطارها در مراحل اولی و قبل از بدل شدن آنها به عوارض جدی ایفا نمایند. برای نایل آمدن به این هدف، مهم است که چنین گروه هایی بتوانند به معلومات و ساحه پروژه دسترسی داشته باشند و مواد مربوط در قرارداد از آنها حمایت نماید. آنها همچنان باید زمان و حمایت های ضروری برای انکشاف مهارت و ظرفیت و هماهنگی مساعی خود برای انجام نظارت مؤثر را دریافت نمایند. به خطرات امنیتی پیش روی گروه های فعال در این ساحه نیز باید توجه شود. انجام تحقیقات در ساحات معدنی، خاصتاً در کشوری مثل افغانستان می تواند خطرناک باشد.[185] لهذا برای عملکرد مؤثر گروه های جامعه مدنی، خطرات پیش روی آنها باید مشخص شده و رفع گردد تا در مقابل خطرات فزیکی، قانونی و سیاسی از آنها محافظت گردند.

طی ده سال گذشته، به طور اوسط یک نفر فی هفته در حال تحقیق یا گپ زدن درباره مسائل مربوط به منابع طبیعی در سراسر جهان کشته شده است.[186]

متأسفانه، روش اجرائیوی برای سهم گیری جامعه مدنی در سکتور استخراج معدن در افغانستان هنوز ضرورت به اصلاحات زیادی دارد. با آنکه جامعه مدنی مستقیماً از طریق پروسس EITI و از طریق پروسس های مشوره جامعه مدنی وزارت معادن در این کار سهم گیری می کند، این طور معلوم می شود که هماهنگی ها محدود است و سازمان های مختلفی برای سهم گیری در هر پروسس دعوت می شوند. این وضعیت با عدم وجود معلومات درباره زمان مشوره با گروههای جامعه مدنی و گروه های فعال تشدید می گردد. این روش باید اصلاح شود و تاریخ مشوره ها از قبل به طور مشخص اعلان گردد و تمامی گروه های جامعه مدنی با تجارب مربوط باید بتوانند در آنها اشتراک نمایند. در حال حاضر، یک مانع بزرگ پیش روی سهم گیری مؤثر جامعه مدنی، ترس از این موضوع است که اعلان عمومی مسائل می تواند این گروه ها را در معرض خطر حذف شدن از پروسس های رسمی قرار بدهد.این یک نقص است که باید منحیث یک اولویت مهم رفع گردد.

به طور وسیع تر، برای یقین حاصل نمودن از نظارت سیستماتیک بر تأدیات کنسرسیوم به دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قرارداد باید الزامی برای موظف نمودن کنسرسیوم به انجام تمامی تأدیات به یک حساب مشخص دولتی باشد. وزارت مالیه اقدامات خوبی برای اضافه کردن یک سطر و توضیحات مربوط به آن درباره پروژه عینک در بودجه ملی انجام داده که امکان نظارت خوبتر بر کسب عواید را فراهم می کند.[188] با انکشاف این موضوع، توصیه می شود که در بودجه ملی عواید صنعت استخراجی از سایر منابع عایدات داخلی جدا گردد و جزئیات زیادتری درباره پروژه های عمده مثل عینک ارائه گردد.

هیئت های مسلکی مستقل

مدیریت عواید و مصارف پروژه را می توان با استفاده از یک هیئت مسلکی مستقل با اختیاراتی برای رفع عوارض مربوط به بخش های اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشری، فرهنگی و ماحولی پروژه بهبود بخشید. برای مثال در اندونزیا، یک هیئت مشورتی مستقل برای پروژه گاز طبیعی مایع تانگو در پاپوای غربی تأسیس گردیده که اختیار رسیدگی به مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دارد. این هیئت تحت اختیارات خود درباره طرز تقویت سیستم مدیریت عواید به نفع مردم محلی مشوره ارائه کرده

در غنا، یکی از اعضای جامعه مدنی یک کارت راپور را ارائه می کند که شفافیت سکتور جنگلی کشور را ارزیابی می کند. این بخشی از یک پروژه در حال اجرا برای حمایت از گروه های مدنی محلی در کشورهای دارای جنگل های غنی برای معلوماتدهی به سیاستگذاران و حمایت از حکومتداری و حسابدهی در سکتور جنگلی است. به همین شکل، جامعه مدنی می تواند نقش مهمی در تقویت حکومتداری در صنعت در حال انکشاف استخراج معادن در افغانستان، خاصتاً با نظارت بر اجرای قراردادهای استخراجی ایفا نماید.

و توصیه هایی را برای بهبودبخشی شفافیت، رفع ضعف های موجود در سیستم ممیزی و حمایت از جامعه محلی از طریق ایجاد یک صندوق وجه امانت انکشاف اجتماعی ارائه نموده است.[189]
بانک جهانی در حال حاضر مصارف یک هیئت مسلکی (IAP) بشمول متخصصان معدنی بین المللی با هدف نظارت مستقل بر پروسس های مناقصات را تأمین می نماید.[190] IAP قبلاً در پروژه عینک درگیر شده و نظراتی را درباره "عادلانه" بودن قرارداد ارائه نموده و همچنان "توصیه های سازنده ای برای یقین حاصل نمودن از مطابقت اعمار تأسیسات و تولیدات اولی با ضروریات قرارداد" ارائه نموده است.[191]

وزارت معادن به گلوبال ویتنس اعلان نمومده که این نظرات در ویب سایت وزارتخانه نشر خواهند شد.[192] ولی، ما نتوانستیم آنها را طی دوازده ماه گذشته در ویب سایت بیابیم لهذا این طور معلوم می شود که مدتی قبل از آن از ویب سایت حذف شده اند. این وضعیت سبب تضعیف مزایای نظارت مستقل می گردد چون مردم افغانستان نمی توانند عوارض شناسایی شده توسط این سازمان مستقل و یا اقدامات انجام شده درباره آنها در پروژه و یا در حین مذاکره درباره قراردادهای بعدی را مشاهده نمایند. گلوبال ویتنس یک کاپی از راپور IAP درباره قرارداد عینک را بدست آورده که در ویب سایت ما موجود است. تمامی سایر راپورهای IAP نیز باید به همراه سابقه حرفه ای اعضای آن نشر گردند.

یک تشویش دیگر در خصوص IAP رابطه آن با وزارت معادن است. درخواست های ملاقات با IAP یا اخذ یک کاپی از شرایط قرارداد ضرورت به تصدیق وزارتخانه دارند که نشان می دهد این رابطه به طور بالقوه می تواند سبب تقلیل قابلیت های IAP منحیث یک سازمان مؤثر و واقعاً مستقل نظارتی گردد.[193] **مهم است که شرایط قرارداد IAP بررسی گردد تا یقین حاصل گردد که می تواند درباره ملاقات های خود بدون رجوع به وزارت معادن توافق نماید و شرایط توافقات آن نیز به طور عمومی نشر می گردد.**

بعد از رفع تشویش های فوق درباره IAP، یک روش برای انکشاف نظارت در سکتور استخراجی می تواند انکشاف اختیارات آن برای نظارت مکمل در پروژه عینک و سایر پروژه های معدنی باشد. چنانچه اختیارات این هیئت به وضوح تعریف شود و اعضای آن دانش و تجربه کافی را داشته باشند، چنین سازمانی می تواند نظارت مستقل در مسائل ماحولی، حقوق بشری، اقتصادی و سیاسی انجام بدهد.

اعضای گروه مشورتی بین المللی مقرر داشتند که از نظارت بر راهپیمایی "پروژه پایپلاین و نفتی شده (Oilified) چاد-کامرون" به سوی کمپ باگیلی (پایجیمی) در کیریبی کامرون حمایت کنند. گروه مشورتی متشکل از متخصصین بین المللی با دانش حکمرانی، مدیریت مالیه عمومی، مسائل زیست-محیطی، انکشاف اجتماعی، و انکشاف اجتماعاتی بودند. *(کریدت: IAG چاد-کامرون).*

توصیه هایی درباره ارزیابی و نظارت

برای پروژه عینک، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم باید اجراآت ذیل را تطبیق نمایند:

- اصلاح قرارداد عینک برای اضافه کردن مواد مربوط به بروزرسانی ارزیابی های ماحولی و اجتماعی برای انجام ارزیابی های اضافی از تأثیرات احتمالی پروژه بالای اقتصاد محلی، حقوق بشر و آثار مهم فرهنگی و نظارت مستقل و مداوم از اجرای تعهدات قراردادی درباره این مسائل.
- یقین حاصل نمودن از در نظر گرفته شدن مسائل ماحولی، اجتماعی، حقوق بشری، فرهنگی و مسائل اقتصادی محلی در MDP، BSF و زمانبندی پروژه و نشر و امکان دسترسی عمومی به تمامی ارزیابی ها بعد از مکمل شدن.
- نشر جزئیات ترکیب فعلی IAP و تمامی راپورهای نشر شده درباره پروژه عینک. ارزیابی (و نشر) لایسنس های IAP که اجازه استقلال آن از دولت جمهوری اسلامی افغانستان و امکان انجام نظارت مؤثر را می دهد.
- چنانچه توصیه های فوق تطبیق گردند، اختیارات و ترکیب IAP برای انجام نظارت های مستقل اجتماعی، ماحولی، حقوق بشری، فرهنگی و اقتصاد محلی انکشاف می یابد.
- دوام دادن به نشر مکمل جزئیات ارزیابی های انجام شده از معدن و راه آهن و سایر زیربناهای مربوط.
- اضافه کردن ماده مربوط به انجام تأدیات کنسرسیوم از پروژه عینک به یک حساب دولتی خاص.

در صنایع مواد استخراجی GIRoA باید:

- یقین حاصل نمودن از انجام تمامی ارزیابی های ماحولی، اجتماعی و اقتصاد محلی در نتیجه عملیات معدنی قبل از شروع استخراج و نشر عمومی آنها و سهم گیری جامعه در تصمیم گیری در مورد دوام یافتن استخراج.
- نشر جزئیات هر نوع توافق بین وزارت معادن و NEPA درباره انتصاب مسئولین معدن و نشر جزئیات اقدامات انجام شده برای جلوگیری از تضاد منافع بین بخش های جذب سرمایه گذاری و نظارتی وزارت معادن.
- یقین حاصل نمودن از متعهد شدن کمپنی های استخراجی در قراردادها برای اجازه دادن به مسئولین جهت نظارت بر دسترسی به محل و اعزام ناظرین با معلومات و مدارک درخواستی در یک دوره خاص و معقول.
- نشر تمامی راپورهای تهیه شده توسط IAP و سایر سازمان های نظارتی مستقل در رابطه با سکتور استخراجی.
- بررسی امکان استفاده از یک هیئت مشورتی مستقل برای پروژه های آینده.

اجتماع بین المللی باید:

- اولویت بندی ظرفیت تعمیراتی برای ارزیابی و نظارت پروژه های فعلی جهت مساعدت به انکشاف پروژه های نو.
- ارائه منابع مالی و مساعدت های تخنیکی برای تعلیم کارمندان افغان جهت نظارت بر پروژه عینک و سایر پروژه های معدنی در طی عمر هر پروژه و دوره بعد از مکمل شدن آنها.
- همکاری و حمایت از دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کنسرسیوم برای ایجاد یا انکشاف اختیارات هیئت مشورتی مستقل فعلی و ارائه مشوره درباره جوانب اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشری، فرهنگی، ماحولی و سیاسی پروژه عینک. یقین حاصل نمودن از نشر به وقت و قابل دسترسی نتایج هیئت.
- درخواست از مشاورین حقوقی بین المللی در قراردادهای جدید برای اضافه کردن موادی به قرارداد که سبب یقین حاصل نمودن از دسترسی دولت و هیئت های مستقل به معلومات و محل های فزیکی مورد ضرورت برای نظارت مؤثر بالای هر پروژه می گردد.
- ارائه ترنینگ و حمایت از جامعه مدنی، اعضای پارلمان، گروههای اجتماعی محلی و بهبودبخشی قابلیت های آنها برای نظارت بالای فعالیت های دولت جمهوری اسلامی افغانستان در رابطه با همکاری با جامعه محلی و شناسایی و به حداقل رساندن و رفع تأثیرات احتمالی پروژه و تصمیم گیری برای انجام استخراج.
- تعیین معیارهای ارزیابی و نظارت مستقل در چوکات مدیریتی دونرها و ارزیابی چوکات اجرائیوی آنان.

نتیجه گیری

اهمیت پروژه عینک برای آینده افغانستان اساسی است. اگر این پروژه خوب اداره شود می تواند مزایای عمده اقتصادی و اجتماعی در سال های آینده داشته باشد. اگر این پروژه بد اداره شود، می تواند تأثیرات بسیار بدی بالای امنیت و انکشاف در بلند مدت گذاشته و سابقه بدی برای سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در آینده که افغانستان به آنها شدیداً ضروت دارد ایجاد نماید. همانطور که تحلیل نشان می دهد، یکی از اجزای اساسی پروژه یعنی قرارداد آن ضرورت به تقویت دارد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، کنسرسیوم و جوامع محلی و بین المللی همگی در یقین حاصل نمودن از تبدیل شدن این پروژه به یک پروژه برد-برد برای تمامی سهم گیرندگان نقش دارند. رئیس جمهور کرزی در فرمان اخیر خود برای شفافیت مکمل قراردادها بر حسابدهی و حکومتداری خوب تأکید نموده است و ما از او و دولتش درخواست می کنیم که به انجام اجراآت ضروری جهت نایل آمدن مکمل به این اهداف دوام بدهد. **اولین گام باید نشر قرارداد مکمل و نهایی شده عینک و تمامی توافقات مربوط به آن باشد.**

بعد از عینک، فشار برای یافتن منابع مالی بعد از انتقال در افغانستان سبب تسریع اعطای امتیازات می گردد. طی سال گذشته، یک سلسله قرارداد مورد توافق قرار گرفته و تعداد زیادتری نیز طی ماههای آینده مورد توافق،[ff] قرار خواهند گرفت. همزمان، پروژه عینک به وضوح پیچیدگی هایی را در انکشاف صنایع استخراجی در ماحول بی ثبات نشان می دهد. ضرورت دارد که این تجارب تحت فشار برای کسب سریع عواید داخلی از دست نروند. بالعکس، اگر از این تجارب استفاده شده و پروسس ها تقویت شوند، تأثیرات آنها بالای عواید ملی و خصوصی در بلند مدت مثبت خواهد بود. اکنون وقت آن است که افغانستان از تجارب کسب شده در عینک به طور مثبت مستفید گردد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان اکنون این فرصت را دارد که برای آینده افغانستان بعد از انتقال پلان گذاری نماید. دولت جمهوری اسلامی افغانستان می تواند بر اساس تعهدات خود برای حکومتداری خوب در کنفرانس های بن و توکیو می تواند با شرکای بین المللی برای تعیین معیارهای ضروری جهت انکشاف یک سکتور به نفع مردم افغان کوشش نماید. با دوام یافتن خروج جامعه بین المللی از افغانستان، یک فرصت تاریخی برای ایجاد یک سابقه مثبت ایجاد شده است. با قرار دادن صنایع معدنی در مسیر صحیح، افغانستان می تواند از مزایای حمایت و ترنینگ بین المللی برای ایجاد ظرفیت در افغانستان در این دوره حساس مستفید شده و مسیر را به سوی یک آینده مستقل و موفق هموار سازد. افغانستان و شرکای آن باید هر کاری که می توانند را برای یقین حاصل نمودن از این کار انجام بدهند.

رییس جمهور کرزی (راست جلو) و رییس جمهور وقت چین هوجینتائو (چپ جلو) در مراسم استقبال در بجینگ در گرامیداشت دیدار رییس جمهور کرزی از چین در جون 2012 (کریدیت: *AP/ Press Association*)

ff: قراردادهای اعطاشده طی 18 ماه گذشته شامل قرارداد اعطای امتیاز طلای قره زاغان در ولایت بغلان، قرارداد سمنت هرات، امتیاز کرومیت گداخیل در ولایت پروان، امتیاز میدان نفتی انگوت در ولایت سرپل و یک قرارداد نفت برای سه بلاک حوزه آبی آمودریا در شمال غرب افغانستان می باشند.

ضمیمه 1: جدول مناقصه عینک

جدول مقایسوی وزارت معادن برای مناقصه پروژه عینک بشمول پیشنهاد کنسرسیوم برنده

کمپنی	MCC (کنسرسیوم)	Hunter Dickinson Inc.	Kazakhmys Corporation, LLC	Phelps Dodge Corporation, LLC	Strikeforce Limited Cyprus
کل سرمایه گذاری	2.9 ملیارد دالر امریکایی	1.7 ملیارد دالر امریکایی	2.2 ملیارد دالر امریکایی	0.9 ملیارد دالر امریکایی	2.4 ملیارد دالر امریکایی
پروسس تولید (مراحل)	تمامی مراحل تولید کنسانتره، ذوب و کاتد مس در افغانستان انجام خواهد شد.	مراحل تولید اولی کنسانتره و کاتد مس از طریق SX/EW در افغانستان انجام شده و امکان استفاده از روش تصفیه کنسانتره انحصاری نیز وجود دارد.	تمامی مراحل تولید، ذوب و کاتد مس در افغانستان پروسس خواهد شد.	مراحل تولید اولی کنسانتره و کاتد مس از طریق SX/EW در افغانستان انجام شده و امکان استفاده از روش تصفیه کنسانتره انحصاری نیز وجود دارد.	تولید کنسانتره در افغانستان
شروع تولید	تولید تصفیه اولی، SX/ EW، پنج سال، بر اساس سال ششم REF	سال هفتم	2 سال تصفیه عمده 4 سال کنسانتره سازی	سال ششم	سال چهارم
حداکثر فیصد حق الامتیاز	19.5%	15%	18.1%	12.5% حداکثر به مبلغ 100ملیون دالر امریکایی فی سال	7,5%
تولید انرژی	400 میگاوات	100 میگاوات	350 میگاوات	15 میگاوات	تورید برق از خارج
ماحول	استندردهای میانی بانک جهانی	استندردهای میانی بانک جهانی	بدون تعهدات	استندردهای میانی بانک جهانی	استندردهای میانی بانک جهانی
پاداش به دولت افغانستان بر حسب ملیون	808 دالر 3 قسط	100 دالر چندین قسط	2 دالر 1 قسط	243 دالر چندین قسط	238 دالر چندین قسط
زیربنا (سرمایه گذاری در راه آهن)	بلی	نی	بلی	نی	نی

ضمیمه 2: معلومات عمومی درباره شرایط قرارداد عینک[194]

شروط اقتصادی

- کنسرسیوم متعهد به تأدیه به وقت 808 ملیون دالر برای نایل آمدن به معیارهای انکشافی گردید:
  - 80.8 ملیون دالر در وقت امضای قرارداد در سپتمبر 2008؛
  - 161.6 ملیون دالر قابل تأدیه بعد از تحقیقات اولی مورد تصدیق بانک و
  - 565.6 ملیون دالر بعد از شروع تولید تجاری.
- حداکثر فیصد حق الامتیاز: 19.5%
- کل سرمایه گذاری کمپنی: 2.9 ملیارد دالر.

ضروریات اجتماعی

کنسرسیوم تعهد می کند که به انکشاف خدمات اجتماعی و زیربناها در ساحه پروژه بشمول موارد ذیل مساعدت نماید:

- پلان اسکان مجدد و تأدیه غرامت:
  - کنسرسیوم باید به تمامی باشنده گان محلی که تحت تأثیر فعالیت های معدنی قرار گرفته و یا در اطراف عینک ساکن هستند غرامت تأدیه نماید.
  - مبلغ غرامت باید بر اساس قوانین عینک و اصول تصدیق شده بین المللی تعیین گردد.
  - باشنده گان باید در محلی اسکان داده شوند که شرایط آن سبب تقلیل استندرد زندگی آنان نشود و تأثیر منفی بالای معاش آنها نداشته باشد.
  - اسکان آنها باید بر اساس طرزالعمل های اسکان مجدد بانک جهانی انجام شود.
  - برای رفع تأثیرات عملیات و انکشاف معدن بالای قریه جات و باشنده گان اطراف، کنسرسیوم با مشوره دولت یک پروگرام مساعدت مالی برای قریه جات و باشنده گان اطراف ایجاد می کند.
- مزایای محلی و ساحوی:
  - برای رفع تأثیرات اجتماعی پروژه و به حداکثر رساندن و حفظ مزایای اقتصادی و اجتماعی ساحوی که پروژه ایجاد می کند، کنسرسیوم باید تمامی تحقیقات مربوط به تأثیرات زیربنایی پروژه را با تحقیقات انجام شده توسط دولت با هدف تجمیع زیربناهای عملیاتی کنسرسیوم با زیربناهای موجود در سطح ولایت، ساحه و کشور هماهنگ نماید.
  - کنسرسیوم همچنان به دولت برای پلان گذاری انکشاف زیربنایی و ساحوی که می تواند برای پروژه و انکشاف اقتصادی ساحه مفید باشد مساعدت خواهد نمود.
- مسکن و تأسیسات طبی:
  - کنسرسیوم باید مسکن کارمندان خود و خانواده های نزدیک آنها را با نرخی معقول تأمین نماید.
  - تعداد، نوع و محل دقیق چنین تأسیساتی باید بر اساس ارزیابی انجام شده توسط MCC و با مشوره دولت تعیین گردد.
  - کنسرسیوم همچنان باید خدمات و مراقبت های طبی به کارمندان خود و خانواده های آنها و تمامی مسئولین دولتی در ساحه مربوط به قرارداد ارائه نماید.
  - کنسرسیوم کارمندان، دواخانه و تأسیسات کلینیک و شفاخانه را تأمین خواهد نمود.
- مکاتب:
  - کنسرسیوم باید تعلیمات مکتب ابتدایی و لیسه را به تمامی اطفال کارمندان خود و باشنده گان ساحه اطراف عینک بر اساس ارزیابی تأثیرات اجتماعی ارائه نماید.
  - کنسرسیوم باید مکاتب کافی برای ارائه تعلیمات اولی و لیسه را اعمار نباید.
  - کنسرسیوم تأسیسات مهدکودک کافی را برای استفاده کارمندان خود ارائه خواهد نمود.
- تفریح و خرید:
  - کنسرسیوم با مشوره مسئولین دولتی مربوط، مراکز تفریحی کافی مثل ورزشگاه و زمین ورزش را برای استفاده کارمندان خود و باشنده گان محلی اعمار و اداره خواهد نمود.
  - کنسرسیوم باید یک بازار/مرکز خرید برای استفاده و آسایش کارمندان خود و باشنده گان محلی اعمار نماید.
  - کنسرسیوم باید محل های خاص برای انجام فعالیت های مذهبی کارمندان و خانواده های آنها ایجاد نماید.
- استخدام اتباع افغان:
  - کنسرسیوم موظف است که برای اداره پروژه عینک، تا حد امکان از کارمندان افغان مستفید شود.
  - این بشمول استخدام 100 فیصدی اتباع افغان برای کارهای غیر تخصصی است.
  - فیصد مشخصی از تمامی مناصب بشمول مناصب مسلکی، اداری، تخنیکی و مدیریتی به اتباع افغان اختصاص خواهد یافت.
- ترنینگ:
  - کنسرسیوم باید اقداماتی را برای تعلیم نیروهای کاری[99] محلی جهت بهبودبخشی مهارت های آنها و انتصاب آنها در مناصب مسلکی، نظارتی، تخنیکی و مدیریتی در پروژه انجام بدهد.
  - به همین منظور، کنسرسیوم باید تأسیسات کافی برای ترنینگ عملی ایجاد نماید.
  - کنسیرسیوم به ایجاد یک پروگرام و مساعدت به آن جهت اعطای بورس های تحصیلی خارجی و قرضه های تحصیل داخلی به اتباع افغان مساعدت خواهد نمود.

- تأدیه غرامت حوادث به کارمندان:
  - کنسرسیوم مصارف طبی و درمان معلولیت را برای کارمندانی که در حین انجام وظایف خود در پروژه کنسرسیوم مجروح شده اند را تأمین خواهد نمود.
  - کارمندان مجروح شده همچنان باید حق بازگشت به وظیفه خود و یا وظایف متشابه بعد از درمان جراحت را داشته باشند.
  - چنانچه یک کارمند در حین انجام وظایف خود در پروژه کشته شود، کنسرسیوم مسئول تأدیه غرامت مرگ به خانواده نزدیک او خواهد بود.

- جاده دسترسی:[hh]
  - کنسرسیوم یک جاده دسترسی از جاده اصلی کابل-لوگر به ساحه معدن عینک اعمار خواهد کرد.
  - این جاده به جوامع محلی برای انجام وظایفشان در لوگر و سایر ساحات مساعدت خواهد کرد.

قراردادهای فرعی[ii195]

از می 2008 تا آگست 2010، وزارت معادن با مساعدت گوستاوسون با کنسرسیوم مذاکره نمود و 5 قرارداد فرعی بشمول قراردادهای مربوط به امنیت، برق و معادن ذغال سنگ و سایر منابع معدنی و راه آهن را امضاء نمود.

- راه آهن:
  - توافقنامه راه آهن کنسرسیوم را موظف به اعمار یک راه آهن در مسیر پروژه عینک و سایر بخش های افغانستان می کند.
  - این توافقنامه در تحقیق نهایی اعمار راه آهن پیش بینی شده بود و یک توافقنامه نیز برای به اشتراک گذاردن مصارف و دسترسی اشتراکی در دست مذاکره است.
  - کنسرسیوم متعهد به اعمار راه آهن مربوط به پروژه با مصارف خود است.
  - خط راه آهن به بهبودبخشی ارتباطات و انکشاف اقتصادی در ساحه عینک مساعدت خواهد نمود که در نتیجه به نفع باشنده گان ساحه است.

- تأمین برق:
  - کنسرسیوم یک فابریکه تولید برق ذغال سنگی 400 میگاواتی برای تأمین برق معدن و شهر کابل را اعمار خواهد نمود. از برق تولید شده برای تأمین برق ساحات اطراف عینک نیز استفاده خود شد.
  - در توافقنامه های فرعی برق و معدن ذغال سنگ، بر ضرورت اعمار یک فابریکه برق ذغال سنگی 400 میگاواتی و معدن ذغال سنگ برای تغذیه آن تأکید شده است.
  - خطوط انتقال برای انتقال 200 میگاوات برق به عینک اعمار خواهد شد و 200 میگاوات دیگر برای استفاده مصرف کنندگان خصوصی در شبکه ملی توزیع خواهد شد.

- تأمین آب:
  - کنسرسیوم چاه های تأمین آب و سیستم های خطوط نل را برای تأمین آب مورد ضرورت پروژه در اطراف آن اعمار خواهد نمود.
  - این کار به انکشاف منابع آب محلی نیز مساعدت خواهد نمود.
  - کنسرسیوم سایر تأسیسات تأمین آب بشمول بندها، استیشن های پمپاژ، سیستم های تصفیه و خطوط توزیع را نیز تأمین خواهد نمود. این کار به بهبودبخشی وضعیت تأمین آب در قریه جات عینک مساعدت خواهدنمود.

---

gg: باید یادآور شد که قرارداد به "آموزش اشخاص مناسب از بین اتباع افغانستان" ارجاع می دهد و نی "نیروی کار محلی". ممکن است که بعد از عقد قرارداد، بر سر تمرکز فرصت های آموزشی بر اعضای اجتماع محلی توافق شده باشد، اما، اگر چنین است، این نکته باید صریحاً بیان شود و تفصیلات درباره اینکه دقیقاً چه کسانی مشمول اصطلاح "نیروی کار محلی" هستند ارائه شود.

hh: ارجاعی به یک جاده دسترسی در چارچوب قرارداد عینک که Global Witness آن را بررسی کرده است، وجود ندارد. تفصیلات مربوط به جاده دسترسی بشمول تفصیلات مصارفی که برای این کار وضع می شود، و هرآن تعهد برای تضمین اینکه اجتماع محلی از دسترسی رایگان و نامحدود به این جاده برخوردار می باشد، باید در اختیار عموم قرار داده شود.

ii: این قراردادهای فرعی در اختیار عموم قرار نگرفته اند، و Global Witness نیز کاپی های آنها را ندیده است. در نتیجه، بیانیه های عمومی درباب ضوابط این قراردادهای فرعی را نمی توان مورد بررسی قرار داد.

ضمیمه 3: روابط کنسرسیوم با جامعه محلی

در یک نامه مورخ 28 اپریل 2012، کنسرسیوم جزئیات روابط خود با جامعه محلی عینک را به شرح ذیل به گلوبال ویتنس ارائه نمود:

- کنسرسیوم مشوره های سیستماتیکی را با جامعه محلی انجام داده که احتمالاً تحت تأثیر فعالیت های پروژه قبل و در حین توافقات قرارداد معدن عینک قرار خواهد گرفت. برای مثال، کنسرسیوم به HBP اجازه اجرای ESIA برای پروژه را می دهد که یک بخش مهم از ارزیابی تأثیرات اجتماعی بشمول مصاحبه با باشنده گان قریه جات و قبایل اطراف معدن عینک است که مرتباً از بزرگان قبایل و بزرگان محلی درخواست ارائه نظرات درباره پیشرفت پروژه، استخدام محلی و ترنینگ و غیره را می کند.
- بر طبق قرارداد کنسرسیوم موظف به انجام ارزیابی های حقوق بشری برای پروژه نمی باشد. ولی، طرفین قرارداد اقدامات خاصی را برای تأمین مصؤنیت، محافظت ماحولی، استخدام محلی و غیره پروژه انجام داده اند.
- کنسرسیوم و جوامع محلی توانسته اند به طور هماهنگ عمل کنند. کدام شکایت در رابطه با پروژه از تاکنون از جوامع محلی دریافت نشده است.
- کنسرسیوم با اعضای جامعه محلی که تشویش هایی توسط آنها مطرح شده بود ملاقات نموده است. برای مثال، در رابطه با فعالیت های پروژه که بالای قبرستان محلی تأثیر دارند.
- بر اساس قرارداد معدنی، کنسرسیوم ضرورت به استخدام کارمندان محلی در دوره اعمار و تولید دارد و نسبت های استخدام مختلف به وضوح در قرارداد معدنی برای دوره های مختلف در قرارداد ذکر شده است. در حال حاضر طرفین قرارداد معدنی را به دقت اجرا نموده اند.
- تعداد کارمندان افغان فعلی کنسرسیوم حدود 260 نفر است. این کارمندان بشمول مدیران، ترجمان ها، دریورها، طباخ ها، پولیس های داخلی و نظافتچی ها با قراردادهای 1 ساله هستند که به طور سالانه تمدید می شود. کارمندان موقت قراردادهای 3 ماهه دارند. کنسرسیوم لغو قرارداد را از قبل به کارمندان افغان اطلاع می دهد و طرزالعمل لغو قرارداد را بر اساس قانون کار افغانستان و ضروریات مربوط اجرا می کند.
- تا 31 مارچ 2012، مجموعاً حدود 260 کارمند افغان با قراردادهای تمام وقت استخدام شده بودند. معاش آنها بین 300 تا 2500 دالر امریکایی بر اساس پیچیدگی کار و ضروریات تخنیکی یا مدیریتی متغیر است. بعضی از کارمندان، کارمندان مدیریت ارشد یا میانی با معاش زیادتر هستند. کارمندان افغان در پروژه عینک از 29 قبیله اطراف معدن استخدام می شوند و کارمندان در کابل اغلب باشنده گان کابل هستند. آنها منحیث مدیر، ترجمان، دریور، کارگر و مساعدت کننده استخدام می شوند. از آنجائیکه پروژه هنوز رسماً آغاز نشده است، مشاغل موجود اغلب مربوط به اعمار تأسیسات موقت هستند.
- کنسرسیوم در حال حاضر کورس های ترنینگ را برای تعلیم تکنالوژی، مدیریت، امور مالی، تولید و لسان چینی برگزار می کند.
- کنسرسیوم پروگرام تمام وقت تخنیک های پایه استخراج منابع مس را برای 20 نفر به مدت 3 ماه از جولای تا اکتوبر 2011 برگزار نموده است که مصارف آن به طور مکمل توسط کنسرسیوم تأمین می گردد. کنسرسیوم برای تعلیم 90 نفر در سال 2012 پلان گذاری نموده است و اولین صنف برای 30 نفر در تاریخ 15 اپریل 2012 آغاز می گردد. ذینفعان توسط دولت محلی و بزرگان قبایل معرفی می شوند و بعد از مصاحبه توسط کنسرسیوم انتخاب می شوند. پروگرام ترنینگ به طور مداوم با پیشرفت پروژه دوام می یابد.
- کنسرسیوم در حال حاضر برای ارائه ترنینگ به 6 نفر از مسئولین وزارت معادن در زمینه محافظت ماحولی و ارزیابی از طریق اعزام آنها به کمپنی Jiangxi Copper Company Limited برای اشتراک نمودن در ترنینگ اداره محافظت ماحولی چین، آماده می شود. پروگرام ترنینگ در حال حاضر در دست تهیه و پروسس است. ذینفعان آن توسط دولت افغانستان انتخاب می شوند.
- بکسه اجتماعی پروژه بشمول ایجاد تأسیسات تعلیماتی، طبی، تفریحی و مذهبی است که مصارف آنها توسط کنسرسیوم تأمین خواهد شد. بر اساس قرارداد معدنی، کنسرسیوم باید قبل از اعمار این تأسیسات با دولت ها و قبایل محلی مشوره نماید و کنسرسیوم باید این تعهدات را به تدریج در حین اجرای مکمل پروژه انجام بدهد.
- کنسرسیوم تجهیزات مصؤنیتی و خدمات مراقبت طبی مورد ضرورت را در اختیار کارمندان کنسرسیوم قرار می دهد. از آنجائیکه تأسیسات تعلیماتی، طبی، تفریحی و خرید زیادتری در مرحله بعدی ایجاد خواهد شد، اختصاص این تأسیسات توسط کنسرسیوم بر اساس قرارداد معدنی خواهد بود. کنسرسیوم برای تأسیس یک مسجد یا مکتب برای مردم محلی پلان گذاری نموده و اکنون در حال مشوره با دولت محلی و بزرگان قبایل است.
- کنسرسیوم مساعی دولت برای محافظت از میراث فرهنگی را درک کرده و به آن احترام می گذارد و تمامی کوشش خود برای مساعدت به این سکتور را انجام می دهد. در مراحل اولی، ما تأسیسات و سامان آلات مورد ضرورت برای استخراج میراث فرهنگی مثل کانتینر، جنریتر، کمره، بیسیم، خیمه و غیره را در اختیار کارگران قرار داده و مسکن و سالن غذاخوری در اختیار کارگران مسلکی قرار می دهیم.

نوت های پایانی

1. Global Witness, *Getting to Gold: How Afghanistan's first mining contracts can support transparency and accountability in the sector,* April 2012. Available at http://www.globalwitness.org/sites/default/files/library/Getting%20to%20Gold_1.pdf.

2. World Bank, *Afghanistan in Transition: Looking Beyond 2014, Volume 2,* May 2012. Available at http://siteresources.worldbank.org/AFGHANISTANEXTN/Images/305983-1334954629964/AFTransition2014Vol2.pdf. [Accessed: 19 June 2012].

3. Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22weboct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

4. State Council of the People's Republic of China, *Nine Principles on Encouraging and Standardizing Foreign Investment,* 25 October 2007. Unofficial translation available from http://www.kongo-kinshasa.de/dokumente/ngo/gw_gui_0311_en.pdf.

5. Institute for the Study of the Ancient World. *New Archaeological Discoveries in Afghanistan: Mes Aynak, Tepe Naranj and Buddhist Art of the Kabul River Valley,* November 2011, New York University. Available at http://isaw.nyu.edu/events/archive/new-archaeological-discoveries-in-afghanistan-mes-aynak-and-the-buddhist-art-of-the-kabul-river-valley. [Accessed: 13 August 2012].

6. Zelikow, P. et al., *The 9/11 Commission Report,* 2004, National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States. Available at http://live.belfercenter.org/publication/1941/911_commission_report.html?breadcrumb=%2Ftopic%2F2%2Fnuclear_issues%3Fgroupby%3D0%26%3D%26filter%3D1983. [Accessed: 29 September 2011].

7. Shahrani, M., *Mining Investors' Forum for Afghanistan, Brussels. Outlook for the Mining Industry in Afghanistan,* [presentation], 26 October 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Minister's%20Presentation%20in%20Brussel%20on%20Outlook%20for%20the%20Mining%20Industry%20in%20Afghanistan,%20Oct%202011.pdf. [Accessed: 13 August 2012].

   Ministry of Mines, *Mes Aynak Development and Progress Matrix, Activities and Progress to date*, July 2012.

8. This foreign aid figure relates to civilian and security-related aid but excludes expenditure on international military forces.

   World Bank, *Afghanistan in Transition: Looking Beyond 2014, Volume 2,* May 2012. Available at http://siteresources.worldbank.org/AFGHANISTANEXTN/Images/305983-1334954629964/AFTransition2014Vol2.pdf. [Accessed: 19 June 2012].

9. Ibid.

10. World Bank, *Afghanistan: Resource Corridor, Technical Summary* [presentation], July 2012. Available at http://siteresources.worldbank.org/SOUTHASIAEXT/Resources/223546-1328913542665/8436738-1341156360475/Afghanistan-Resource-Corridors-Technical-Summary.pdf. [Accessed: 28 July 2012].

    Hormats, R.D., *The United States' "New Silk Road" Strategy: What is it? Where is it headed?,* 29 September 2011, US Department of State. Available at http://www.state.gov/e/rls/rmk/2011/174800.htm. [Accessed: 27 July 2012].

11. GIRoA Media and Information Center, *30 per cent of Afghanistan's soil mineral reserves worth three trillion USD*, [press release], January 2011. Available at http://www.gmic.gov.af/english/index.php?option=com_content&view=article&id=174:30-percent-of-afghanistans-soil-mineral-resources-worth-three-trillion-usd-&catid=38:news&Itemid=87. [Accessed: 19 June 2012].

    Task Force for Business Stability and Operations, *Afghan Economic Sovereignty: Establishing a Viable Nation,* June 2010. Available at http://www.defense.gov/news/d2010614slides.pdf. [Accessed: 17 January 2011].

    Shahrani, W., *Mineral Resources of Afghanistan, Driver for Regional Economic Development,* [presentation], June 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Resources%20of%20Afghanistan%20Driver%20for%20Regional%20Economic%20Development.pdf. [Accessed: 5 September 2011].

12. World Bank, *Afghanistan in Transition: Looking Beyond 2014, Volume 2,* May 2012. Available at http://siteresources.worldbank.org/AFGHANISTANEXTN/Images/305983-1334954629964/AFTransition2014Vol2.pdf. [Accessed: 19 June 2012].

13. Ibid.

14. DuPee, M., *Afghanistan's Conflict Minerals: The Crime-State-Insurgent Nexus, Combating Terrorism Center at West Point,* February 2012. Available at http://www.ctc.usma.edu/posts/afghanistans-conflict-minerals-the-crime-state-insurgent-nexu. [Accessed: 23 March 2012].

    US Department of Defense, *Report on Progress Toward Security and Stability in Afghanistan,* November 2010. Available at http://www.defense.gov/pubs/November_1230_Report_FINAL.pdf. [Accessed: 4 July 2012].

    Tolo News, *Chromite daily smuggled out of Afghanistan,* 5 September 2010. Available at http://www.tolonews.com/en/business/458-tonnes-of-chromite-daily-smuggled-out-of-afghanistan-. [Accessed: 4 July 2012].

    Pakistan Tribune, *Plunder of gold, uranium reserves continues unabated,,* 8 September 2005. Available at http://www.pajhwok.com/en/2005/09/07/plunder-gold-uranium-reserves-continues-unabated. [Accessed: 4 July 2012].

15. Corbett, A., *Afghanistan Peace and Reintegration Program* [presentation], March 2012, Force Reintegration Cell, NATO ISAF HQ.

    ISAF, *ISAF Reintegration Guide,* November 2010, Force Reintegration Cell, NATO ISAF HQ. Available at http://info.publicintelligence.net/ISAF-ReintegrationHandbook.pdf. [Accessed: 28 June 2012].

16. Mom.gov.af, *World Bank Support to Ministry of Mines and British Government's Department for International Development (DFID)* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/6821 and http://mom.gov.af/en/page/1403. [Accessed: 5 July 2012].

    usgs.gov, *USGS Projects in Afghanistan: A Brief History,* [online], undated. Available at http://afghanistan.cr.usgs.gov/background. [Accessed: 5 July 2012].

    tfbso.defense.gov, *About Us* [online], undated. Available at http://tfbso.defense.gov/www/about.aspx. [Accessed 19 August 2012].

Consortium GIZ-IS/Projekt Consult, *Implementation of Capacity Building Measures in the Afghanistan Geological Survey,* undated. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Capacity%20Building%20in%20the%20Afghan%20Geological%20Survey.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

Ellison, R., *Open report OR/11/038, Report on the BGS work in Afghanistan 2004-2008. Prepared for the visit of H.E. Minister Shahrani to BGS, 22 June 2010. British Geological Survey Project on Institutional Strengthening of the Afghanista Geological Survey 2002-2008,*, June 2010. Available at http://nora.nerc.ac.uk/14493/1/OR11038.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

17. On 8 July 2012, the Afghan government and the international community met to set out their joint commitments during the 'transformation decade'of 2015 to 2024. The text of the Tokyo Declaration agreed at the conference is available at http://president.gov.af/Content/files/Tokyo%20Declaration%20-%20Final%20English.pdf. [Accessed: 8 July 2012].

18. Office of the President, *Decree on the execution of content of the historical speech of June 21, 2012 in the special session of the National Assembly,* July 2012. Available at http://president.gov.af/Content/files/Final%20Dari%20version%20of%20Decree.pdf. [Accessed: 31 July 2012].

19. Mof.gov.af, *Ministries of Finance and Mines partner for increased revenue and fighting corruption,* February 2011. Available at http://mof.gov.af/en/news/529. [Accessed: 5 September 2011].

20. Ibid.

21. Shahrani, W., *Natural Resource Charter, Presentation, Annual Technical Workshop Plenary Session* [presentation], June 2011.

22. Shahrani, W., *Mineral Resources of Afghanistan, Driver for Regional Economic Development,* [presentation]., June 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Resources%20of%20Afghanistan%20Driver%20for%20Regional%20Economic%20Development.pdf. [Accessed: 5 September 2011].

23. Engel, N, *New excavations in Afghanistan, Mes Aynak.* 2011, DAFA Available at http://nationalmuseum.af/images/stories/PDF/mes%20aynak.pdf. [Accessed: 13 August 2012].

    Ministry of Mines, *Rapid Archeological Assessment of Aynak Ancient Sites* [online], 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Aynak_Archeological_Assessment-Final.pdf. [Accessed: 28 August 2011].

24. Letter from MJAM to Global Witness dated 28 April 2012 confirming that the *'Aynak project is held by the joint-venture company MCC-JCL Aynak Minerals Company Limited (MJAM)'.*

25. On its corporate website, MJAM notes that President Karzai commented at the inauguration of the project that MJAM " ... *was selected as a preferred bidder in (sic) transparent bidding process. The Contract was signed according to the laws of Afghanistan and international practices.* See MCC.com.cn, *Aynak Project Forges Ahead Despite Difficulties* [online], 21 November 2009. Available at http://www.mcc.com.cn:8018/english/ShowArticle.asp?ArticleID=43367. [Accessed: 7 September 2011].

    Similarly, the Ministry of Mines website contains descriptions of the Aynak bidding process which emphasise its transparency and conformance with international best practice. Ministry of Mines, Aynak Tender Process History [online]. Available at http://mom.gov.af/en/page/1401. [Accessed: 20 July 2011].

26. Yaegar, J., *Implications for Afghanistan and the West,* October 2009. Available at http://www.scribd.com/doc/22004530/The-Aynak-Copper-Tender-Implications-for-Afghanistan-and-the-West http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/11/17/AR2009111704198.html. [Accessed: 26 September 2011].

    PartlowJ., *Afghan minister accused of taking bribe,* November 2009. Available at http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/11/17/AR2009111704198.html. [Accessed: 26 September 2011].

27. British Geological Survey, *Progress in Afghanistan: Aynak Copper Tender Commences.* [press release], 2006. Available at http://www.bgs.ac.uk/afghanminerals/docs/tenders/Aynak/Aynak_tender_announcement.pdf. [Accessed: 5 September 2011].

28. This figure is based on the price of copper in September 2010.

    Ministry of Mines, *Note on Resettlement of People Affected by Mining at Aynak,* March 2010. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Resettlement_of_People_Affected_by_Mining_in_%20Aynak.pdf. [Accessed: 28 June 2012].

29. The Ministry of Mines has published on its website a *Comparative Table of Bidding Companies for (Aynak Copper Mine),* which puts the value of MJAM's original proposed investment at $2.9 billion. Available at http://mom.gov.af/Content/files/List%20of%20Companies%20for%20Aynak.pdf. [Accessed 7 July 2011].

    More recent statements, however, suggest that the capital investment may be as much as US $5 billion. See, for example, the June 2011 London presentation by Minister Shahrani, available at http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Resources%20of%20Afghanistan%20Driver%20for%20Regional%20Economic%20Development.pdf. [Accessed 5 September 2011].

    Adding in proposed investments in infrastructure and operations in connection with the project (railway building, coal mine exploitation and power plant and steel works construction) is reported to bring the total investment up to $10 billion. Huasheng, Z., China and Afghanistan: *China's interests, stances and perspectives,* March 2012, Center for International and Strategic Studies. Available at http://csis.org/files/publication/120322_Zhao_ChinaAfghan_web.pdf [Accessed: 19 July 2012].

30. Ibid.

31. Plenary Meeting of Council of Minister Meets, *Bakhtar News Agency,* 13 September 2011. Available at http://bakhtarnews.com.af/en/index.php?news=6507. [Accessed: 20 September 2011].

    Report of rocket attacks and abduction threats confirmed in letter from MJAM to Global Witness dated 28 April 2012.

    China Daily, *Copper deal helps Afghan's future,* 21 September 2011. Available at http://www.chinadaily.com.cn/usa/china/2011-09/21/content_13745143.htm. [Accessed 26 September 2011].

    See also Aftenposten, *"15.10.2009: Security and Social Issues at the Aynak Copper Mine,* January 2011. Available at http://www.aftenposten.no/spesial/wikileaksdokumenter/article3992389.ece. [Accessed: 7 June 2011].

32. Yam, P., *Jiangxi Copper hopes Afghan, Peru mines to start in 2014-2016,* 28 March 2012, Reuters. Available at http://www.reuters.com/assets/printaid=USL3E8ES2M20120328. [Accessed: 25 May 2012].

33. The Sustainability Framework produced by the International Finance Corporation consists of: (1) the Policy on Environmental and Social Sustainability; (2) Performance Standards; (3) Guidance Notes; and (4) Environmental, Health and Safety Guidelines. The 2012 Edition of the Framework is available at http://www1.ifc.org/wps/wcm/connect/Topics_Ext_Content/IFC_External_Corporate_Site/IFC+Sustainability/Risk+Management/Sustainability+Framework/Sustainability+Framework+-+2012/#AIP.

34. International Council of Mining and Metals, *Sustainable Development Principles,* 2003 – as clarified by subsequent position statements. Available at http://www.icmm.com/our-work/sustainable-development-framework/10-principles.

35. The *Natural Resource Charter* is made up of 12 precepts for governments and societies on how best to manage the opportunities created by natural resources for development, and with suggested strategies to increase the prospects of sustained economic development for natural resource exploitation. Available at http://naturalresourcecharter.org/.

36. The *Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations "Protect, Respect and Remedy" Framework* were proposed by UN Special Representative John Ruggie and endorsed by the United Nations Human Rights Council in 2011. Available at http://www.business-humanrights.org/media/documents/ruggie/ruggie-guiding-principles-21-mar-2011.pdf.

37. International Bar Association, *Model Mine Development Agreement 1.0,* 4 April 2011. Available at http://www.mmdaproject.org/presentations/MMDA1_0_110404Bookletv3.pdf.

38. The Voluntary Principles on Security and Human Rights is an initiative established in 2000 by governments, NGOs and companies to provide guidance to extractive companies on maintaining the safety and security of their operations within an operating framework that ensures respect for human rights and fundamental freedoms. Available at http://www.voluntaryprinciples.org/principles/index.php.

39. OECD, *OECD Due Diligence Guidance for Responsible Supply Chains of Minerals from Conflict-Affected and High-Risk Areas,* 2011. Available at http://www.oecd.org/dataoecd/62/30/46740847.pdf.

40. Environmental Law Alliance Worldwide. *Guidebook for Evaluating Mining Project EIAs,* July 2010. Available at http://www.elaw.org/files/mining-eia-guidebook/Full-Guidebook.pdf. [Accessed: 20 July 2012].

41. These are the principles produced by the International Association for Impact Assessment, the global network on the use of impact assessment, available at www.iaia.org.

42. Miranda, M. et al., *Framework for Responsible Mining: A Guide to Evolving Standards,* 19 October 2005. Available at http://www.framework-forresponsiblemining.org/pubs/Framework_20051018.pdf.

43. Global Witness meeting with Minister Shahrani in April 2011.

44. Global Witness meetings with Ministry of Mines staff and advisors in October 2011.

45. Global Witness review of website of international advisor concerned, and exchanges with the advisor and with the Ministry of Mines, July and August 2012.

46. Ministry of Mines, *Aynak Tender Process History and Executive Summary Regarding Tender Process of Aynak Copper,* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/1401 and http://mom.gov.af/en/page/1392 respectively. [Accessed: 20 July 2011]. See Annex 1 to the Summary for the Comparative Table of Bidding Companies for Aynak.

47. Ministry of Mines, *Executive Summary Regarding Tender Process of Aynak Copper* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/1392. [Accessed: 20 July 2011].

    International Advisory Council on Sustainable Resource Development for Afghanistan, *Fairness Opinion on the Aynak Mining Contract,* 14 July 2009.

48. Rosenblum P. & Maples S.,*Contracts Confidential: Ending Secret Deals in the Extractive Industries,* 2009. Revenue Watch Institute. See Pages 44 and 45 for background on BTC contract disclosure. Available at http://www.revenuewatch.org/files/RWI-Contracts-Confidential.pdf. [Accessed: 9 September 2011].

    Heller, P., An Emerging Norm of Contract Transparency, October 2011. Available at: http://www.revenuewatch.org/news/blog/emerging-norm-contract-transparency. [Accessed 29 June 2012].

    Pellegrini, M., Promoting Contract Transparency, December 2011. Available at: http://www.revenuewatch.org/sites/default/files/RWI_Parliamentary_Briefing_ContractTransparency.pdf. [Accessed: 29 June 2012].

    Revenue Watch Institute, *Revenue Watch Index. Transparency: Governments and the Oil, Gas and Mining Industries,* 2010. [Available at: http://www.revenuewatch.org/rwindex2010/pdf/RevenueWatchIndex_2010.pdf. [Accessed: 29 June 2012].

49. Revenue Watch Institute, *New Niger Constitution Includes Landmark Transparency Measures,* 5 November 2010. Available at: http://www.revenuewatch.org/news/new-niger-constitution-includes-landmark-transparency-measures. [Accessed: 29 June 2012].

    Ministry of Mines, *Summary of the contract for prospecting, exploration and exploitation of the Qara-Zaghan gold mine in Doshi district in Baghlan province between the Ministry of Mines and Afghan Krystal Natural Resources Company,,* 16 January 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Sumary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf [Accessed: 18 January 2012].

50. For further details, see *Global Witness, Global Witness welcomes DR Congo's decision to publish resource contracts* [press release], 3 June 2011. Available at http://www.globalwitness.org/library/global-witness-welcomes-dr-congo%E2%80%99s-decision-publish-resource-contracts. [Accessed: 8 September 2011].

51. The *Act Establishing the Liberia Extractive Industry Transparency Initiative* was approved on 10 July 2009. It is available at http://www.leiti.org.lr/doc/act.pdf. [Accessed: 29 June 2012].

52. Rosenblum P. & Maples S., *Contracts Confidential: Ending Secret Deals in the Extractive Industries,* 2009, Revenue Watch Institute. See Pages 44-45 for background on BTC contract disclosure. Available at http://www.revenuewatch.org/files/RWI-Contracts-Confidential.pdf. [Accessed: 9 September 2011].

53. See Precept 2 (accountability) of the Natural Resource Charter. Available at http://naturalresourcecharter.org/content/precepts/precept-2. [Accessed: 13 August 2012].

54. Ministry of Mines, *Qara Zaghan Gold Project Contract between Afghan Natural Resources Company and the Ministry of Mines,* 10 January 2011. See Article 14(1). Available at: http://mom.gov.af/Content/files/QaraZaghan-Contract-2.pdf.

    Ministry of Mines, *Summary of the contract for prospecting, exploration and exploitation of the Qara-Zaghan gold mine in Doshi district in Baghlan province between the Ministry of Mines and Afghan Krystal Natural Resources Company,* 16 January 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Sumary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf [Accessed: 18 January 2012].

55. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed 29 May 2012].

56. Rosenblum P. & Maples S., *Contracts Confidential: Ending Secret Deals in the Extractive Industries,* 2009, Revenue Watch Institute. See Pages 44-45 for background on BTC contract disclosure. Available at http://www.revenuewatch.org/files/RWI-Contracts-Confidential.pdf. [Accessed: 9 September 2011].

57. MercoPress, *Peru announces 28bn dollars in mining projects despite growing social unrest,* 18 June 2012. Available at http://en.mercopress.com/2012/06/18/peru-announces-28bn-dollars-in-mining-projects-despite-growing-social-unrest. [Accessed: 5 July 2012].

58. Mof.gov.af, *Ministries of Finance and Mines partner for increased revenue and fighting corruption,* [online], 1 February 2011. Available at http://mof.gov.af/en/news/529. [Accessed: 5 September 2011].

59. Shahrani, W., Natural Resource Charter, *Annual Technical Workshop Plenary Session* [presentation]. June 2011.

60. For further information on elite capture of valuable contracts in Afghanistan, see The Recovery & Development Consortium, *Growth Diagnostic Scoping Study Final Report – Technical,* November 2008. Available at http://s3.amazonaws.com/zanran_storage/www.cowiprojects.com/ContentPages/810523786.pdf. [Accessed 26 September 2011].

61. The Republic of South Sudan, Petroleum Act 2012, Article 79.

62. Global Witness, *Rigged: The Scramble for Africa's Oil Gas and Minerals,* February 2012. Available at http://www.globalwitness.org/rigged/index.html. [Accessed 5 July 2012].

    Global Witness, *Diamonds: A Good Deal for Zimbabwe,* February 2012. Available at http://www.globalwitness.org/sites/default/files/library/A%20GOOD%20DEAL%20FOR%20ZIMBABWE_0.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

63. US Commission on Wartime Contracting, *Transforming Wartime Contracting. Controlling costs, reducing costs,* 31 August 2011. Available at http://www.wartimecontracting.gov/index.php/reports. [Accessed: 25 September 2011].

    US House of Representatives Subcommittee on National Security and Foreign Affairs, *Warlord, Inc. Extortion and Corruption Along the US Supply Chain in Afghanistan,* June 2010. Available at http://www.cbsnews.com/htdocs/pdf/HNT_Report.pdf. [Accessed: 25 September 2011].

64. Global Witness meeting with Minister Shahrani in April 2011.

    Global Witness meeting with Task Force for Business Stability and Operations in June 2012.

    Mayer Brown, Afghanistan Mineral Tender Project Support. Increasing Global Presence/Executing a Transparent Tender Process [presentation], June 2011.

65. International Advisory Council on Sustainable Resource Development for Afghanistan (IAP), *Fairness Opinion on the Aynak Mining Contract,* July 2009.

66. Exhibit III to the Equator Principles of July 2006 has been updated this year to take account of amendments to the IFC Performance Standards which underpin the Equator Principles and which were updated and re-launched in January 2012. The current version of the Equator Principles is available at http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/05/15/000333037_20110515234914/Rendered/INDEX/613970PJPR0P110e0only0900BOX358355B.txt.

    The Equator Principles themselves are currently being updated, following a review of key thematic areas including human rights, reporting and transparency, stakeholder engagement and governance. For further details, see *About Equator Principles (EP III) Update Process and Timeline* at http://www.equator-principles.com/index.php/ep3/process-and-timeline.

67. MCC, *Social Responsibility Report 2010,* 31 December 2010. Available at http://www.mcc.com.cn/UploadFiles/ZSSCWDBC-QWS/2011/2/201111221406199711.pdf [Accessed: 18 July 2012].

68. FG Hemisphere Associates LLC v Democratic Republic of Congo and others [2009] 43 CACV. Available at http://www.360doc.com/content/11/1013/22/747074_155878287.shtml. [Accessed: 17 August 2012].

69. The principle of absolute sovereign immunity in China was considered most recently on 7 June 2011 in the case of *Democratic Republic of the Congo v FG Hemisphere Associates LLC* (FACV Nos 5, 6 & 7 of 2010).

70. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

71. Material taken from the World Food Programme Logar profile, in turn taken from the Ministry of Rural Rehabilitation and Development, *Provincial Development Plan, Logar Provincial Profile.* Available at http://www.foodsecurityatlas.org/afg/country/provincial-Profile/Logar. [Accessed: 14 August 2011].

72. Wiley, L.A., *Land Rights in Crisis: Restoring Tenure Security in Afghanistan,* March 2003, Afghanistan Research and Evaluation Unit. Available at http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/apcity/unpan016656.pdf. [Accessed: 15 September 2010].

    UNHRC, *National Report Submitted in accordance with paragraph 15(a) of the annex to Human Rights Council Resolution* 5/1, 24 February 2009. Available at http://lib.ohchr.org/HRBodies/UPR/Documents/Session5/AF/A_HRC_WG6_5_AFG_1_E.pdf. [Accessed: 15 September 2011].

73. Material taken from the World Food Programme Logar profile, in turn taken from the Ministry of Rural Rehabilitation and Development. *Provincial Development Plan, Logar Provincial Profile.* Available at http://www.foodsecurityatlas.org/afg/country/provincial-Profile/Logar. [Accessed: 14 August 2011].

74. Integrity Watch Afghanistan, *Aynak Copper Mine, Opportunities and Threats for Development from a Sustainable Business Perspective,* August 2007. Available at Lhttp://www.iwaweb.org/reports/PDF/TheAynakCopperMineAssessmentofThreatsAndOpportunitiesForDevelopment2008.pdf. [Accessed: 14 July 2011].

75. China Daily, *Copper deal helps Afghan's future,* 21 September 2011. Available at http://www.chinadaily.com.cn/usa/china/2011-09/21/content_13745143.htm.. [Accessed: 26 September 2011].

76. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan, January* 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

77. Ministry of Mines, *Progress of Social Activities under SDNRP from September 2010 to February 2012* [online]. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Social%20Development%20Initiatives%20under%20SDNRP.pdf. Accessed: 20 March 2012].

78. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan*, January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

79. Ibid.

80. Ibid, Section 5.5 and appendices.

81. Ibid, Sections 3, 5 and appendices.

82. International Advisory Council on Sustainable Resource Development for Afghanistan (IAP), *Fairness Opinion on the Aynak Mining Contract,* 14 July 2009, p.8.

83. MJAM, *Aynak Project Forges Ahead Despite Difficulties* [online], undated. Available at http://www.MJAM.com.cn:8018/english/ShowArticle.asp?ArticleID=43367. [Accessed: 7 September 2011].

84. Equator Principle 5, Consultation and Disclosure, June 2006. Available at http://www.equator-principles.com/resources/equator_principles.pdf. [Accessed: 8 September 2011].

85. Environment Act 2005, Article 5 (17) and Article 22. Environment Law 2007, Article 5 (10) (Fundamental Principles) and Article 19 (1) (Public Participation).

86. Afghanistan supports the United Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, adopted on 13 September 2007. This declaration explicitly recognises the principle of free, prior and informed consent for indigenous peoples.

87. UN Conference on Environment and Development, *Rio Declaration on Environment and Development,* 1992. Available at http://www.unep.org/Documents.Multilingual/Default.asp?documentid=78&articleid=1163. [Accessed: 3 August 2012].

    For further information on the measures which the People's Republic of China has adopted to encourage public participation on issues such as environmental protection, see china.org.cn, *Environmental Science and Technology, Industry and Public Participation.* Available at http://www.china.org.cn/english/MATERIAL/170390.htm. [Accessed: 3 August 2012].

88. United Nations Human Rights Council, *Statement of People's Republic of China at Human Rights Council session* [video], 30 May 2011. Available at: http://www.business-humanrights.org/SpecialRepPortal/Home/ReportstoUNHumanRightsCouncil/2011#70979. [Accessed: 23 September 2011].

89. MJAM letter dated 28 April 2012 responding to written questions put forward by Global Witness.

90. Nissenbaum, D., *Afghanistan mining wealth thwarted by delays,* June 2012. Available at http://www.theaustralian.com.au/business/wall-street-journal/afghanistan-mining-wealth-thwarted-by-delays/story-fnay3ubk-1226395155692. [Accessed 19 July 2012].

91. Aynak contract, Clause 28.

92. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012, Section 8. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed 29 May 2012].

93. Ibid.

94. MJAM letter dated 28 April 2012 responding to written questions put forward by Global Witness, and Global Witness meetings with community members in October/November 2011.

95. Bogere, H., *Uganda: Oil Disputes Should be Settled Locally – Attorney General,* 7 December 2011. Available at http://allafrica.com/stories/201112081362.html. [Accessed: 24 February 2012].

    Namutebi, J., *Auditor General opposes London oil arbitration,* 27 March 2012, New Vision.

96. State Council of the People's Republic of China, *Nine Principles on Encouraging and Standardizing Foreign Investment,* October 2007. Unofficial English translation.

97. Aynak contract, Clause 16.

98. Aynak contract, Clause 21.

99. Aynak contract, Clause 20.

    For taxation rules for 'Qualifying Extractive Industry Taxpayers' see Afghan Income Tax Law 2009, Chapter 12. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Income_Tax_Law.pdf. [Accessed: 21 June 2011]

100. Aynak contract, Clauses 30 – 32.

101. Aynak contract, Clauses 24-28 and 39-40.

102. For further details, see Global Witness, *Heavy Mittal? A State within a State: The Inequitable Mineral Development Agreement between the Government of Liberia and Mittal Steel Holdings NV,* October 2006. Available at http://www.globalwitness.org/library/heavy-mittal. [Accessed: 19 June 2012].

103. International Advisory Council on Sustainable Resource Development for Afghanistan (IAP), *Fairness Opinion on the Aynak Mining Contract,* 14 July 2009, pp. 3-4.

104. Global Witness meeting with international advisors to the Ministry of Mines in June 2012.

105. Advice from legal/economic expert to Global Witness, October 2011.

106. People's Republic of China State-Owned Assets Supervision and Administration Commission of the State Council, *Guidelines on Fulfilling Social Responsibility by Central Enterprises,* 29 December 2007. Unofficial English translation.

107. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

108. Brazier, J., *Global Insight: Afghanistan Promises Tighter Security at Chinese-Run Mine,* 11 July 2012.

109. UN National Contact Point, *OECD UK National Contact Point – Revised Final Statement. Specific Instance: BTC Pipeline,* 8 March 2011. Available at http://www.thecornerhouse.org.uk/sites/thecornerhouse.org.uk/files/BTC%20Revised%20Final%20Statement%20-%20embargoed%20until%208%20March-1.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

    Corporate Responsibility Coalition, *Company failed to respond to alleged intimidation by Turkish security forces along its UK-backed Caspian Oil Project,* 9 March 2011. Available at http://corporate-responsibility.org/bp-violating-human-rights-rules-says-uk-government/. [Accessed: 5 July 2012].

110. Leigh Day & Co, *Peruvian torture claimants compensated by UK mining company,* July 2011. Available at http://www.leighday.co.uk/News/2011/July-2011/Peruvian-torture-claimants-compensated-by-UK-minin. [Accessed: 5 July 2012].

    Tyler, K. and Chambers, R., Rights, Regulation and Remedy: The Extractive Sector and Development, 23 March 2012.

111. Ministry of Mines, 83 *illegal coal mines and tunnels were closed in Bamyan province* [press release], May 2012.

112. Global Witness, *Coming Clean: How supply chain controls can stop Congo's minerals trade fuelling conflict,* May 2012. Available at http://www.globalwitness.org/sites/default/files/120531_Coming%20Clean_lowres.pdf. [Accessed: 3 August 2012].

113. DuPee, M., *Afghanistan's Conflict Minerals: The Crime-State-Insurgent Nexus, Combating Terrorism Center at West Point,* 16 February 2012. Available at http://www.ctc.usma.edu/posts/afghanistans-conflict-minerals-the-crime-state-insurgent-nexu. [Accessed: 23 March 2012].

114. OECD, *OECD Due Diligence Guidance for Responsible Supply Chains of Minerals from Conflict-Affected and High-Risk Areas,* 2011. Available at http://www.oecd.org/dataoecd/62/30/46740847.pdf. [Accessed: 23 March 2011].

115. UNEP, *Afghanistan's Environmental Recovery. A post-conflict plan for people and their natural resources* [online], undated. Available at http://postconflict.unep.ch/publications/UNEP_afghanistan_lr.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

UNEP, *Afghanistan: Post-Conflict Environmental Assessment, 2003.* Available at http://postconflict.unep.ch/publications/afghanistan-pcajanuary2003.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

116. Heilmann, J., *Sierra Leone Police Open Fire on Locals Protesting Mining Practices,* 14 December 2007, Voice of America. Available at http://www.voanews.com/content/a-13-2007-12-14-voa41/400801.html. [Accessed: 3 November 2011].

Awoko Business, *Curfew in Konon as ... Police shoot nine,* 14 December 2007. Available at http://www.awoko.org/2007/12/14/curfew-in-kono-as%E2%80%A6-police-shoot-nine/. [Accessed: 3 November 2011].

117. Manson, K., *Sierra Leone halts mining after 2 die in diamond riots,* 14 December 2007. Available at http://www.minesandcommunities.org/article.php?a=8351. [Accessed: 3 November 2011].

IRIN, *Government probes unrest in diamond-mining area,* 20 December 2007. Available at http://www.irinnews.org/Report/75952/SIERRA-LEONE-Government-probes-unrest-in-diamond-mining-area. [Accessed: 3 November 2011].

Bagree, S. and Beckley, P., *Diamonds are for never,* 1 January 2009. Available at http://www.newint.org/columns/currents/2009/01/01/corporations/. [Accessed: 3 November 2011].

118. Peters, S.G., King, T.V.V., Mack, T.J., and Chornack, M.P., (eds.), and the U.S. Geological Survey Afghanistan Mineral Assessment Team, *Summaries of important areas for mineral investment and production opportunities of nonfuel minerals in Afghanistan: U.S. Geological Survey Open-File Report 2011–1204, 1,810 p. plus appendixes on DVD,* 2011. Available at http://pubs.usgs.gov/of/2011/1204/pdf/02C.pdf [Accessed: 20 July 2012].

119. World Bank, *Afghanistan in Transition: Looking Beyond 2014, Volume 2,* May 2012. Available at http://siteresources.worldbank.org/AFGHANISTANEXTN/Images/305983-1334954629964/AFTransition2014Vol2.pdf. [Accessed: 19 June 2012].

120. US Geological Survey, *Availability of Water in the Kabul Basin, Afghanistan,* 2010. Available at http://pubs.usgs.gov/fs/2010/3037/pdf/fs2010-3037.pdf [Accessed: 20 July 2012].

121. Environmental Law 2007, Article 3 *(Implementing Agency).*

122. Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22weboct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

Arlo, J., *Dumping System Harmful,* 5 July 2010, PNG Post-Courier (Australia).

Evara, R., *Deep sea tailings bid,* 26 May 2010, PNG Post-Courier (Australia).

123. Environment Law 2007, Article 16 (Approval Procedure).

124. See the Mining Development Agreement between the Government of Liberia, China-Union (Hong Kong) Mining Co. Ltd and China-Union Investment (Liberia) Bong Mines Co.. Ltd dated 19 January 2009. Available at http://www.mmdaproject.org/presentations/MMDA%20Liberia-China%20Union%20Investment-1.pdf. [Accessed: 20 August 2012].

125. Ministry of Mines, *Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project. Project Overview*, May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

126. Environmental Law Alliance Worldwide, *Guidebook for Evaluating Mining Project EIAs,* July 2010. Available at http://www.elaw.org/files/mining-eia-guidebook/Full-Guidebook.pdf. [Accessed: 20 July 2012].

127. Ministry of Mines, *Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project. Project Overview,* May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

128. Ibid.

129. Ministry of Mines, *Aynak compliance monitoring project status report,* July 2012, para 2.2. Available at http://mom.gov.af/en/page/5962. [Accessed: 19 August 2012].

Ministry of Mines, *Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project. Project Overview,* May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

130. Ministry of Mines, *Progress of Social Activities under SDNRP from September 2010 to February 2012* [online]. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Social%20Development%20Initiatives%20under%20SDNRP.pdf. Accessed: 20 March 2012].

131. Information taken from project website www.ramunico.com and project updates released by minority project shareholder Highlands Pacific at http://www.highlandspacific.com/ramu.html.

132. Highlands Pacific, *Ramu Nickel Project – Update, Positive Supreme Court Decision* [release], 22 December 2011.

The National website, Port Moresby, *Developers warn on viability of Papua New Guinea-China nickel project,* 20 July 2010, BBC Monitoring Asia Pacific.

Barter, P (former regional member of Madang), *'Madang mine at risk!',* PNG Post-Courier (Australia), 23 June 2010.

133. Louis Medaing et al v Ramu Nico Management (MCC) Limited et al [WS NO 1192 of 2010] in the National Court of Australia.

134. Ibid.

135. Papua New Guinea Post-Courier, *Miner's deepsea waste disposal scheme to hold,* 22 March 2010.

136. Louis Medaing et al v Ramu Nico Management (MCC) Limited et al [WS NO 1192 of 2010] in the National Court of Australia.

Highlands Pacific, *Ramu Nickel Project – Update. Positive Supreme Court Decision* [release], 22 December 2011.

137. Louis Medaing et al v Ramu Nico Management (MCC) Limited et al [WS NO 1192 of 2010] in the National Court of Australia

138. Ibid.

139. The National/BBC Monitoring, *Developers warn on viability of Papua New Guinea-China Nickel project,* 20 July 2010.

Barter, P (former regional member of Madang), *Madang mine at risk!,* PNG Post-Courier (Australia), 23 June 2010.

Highlands Pacific, *Ramu Nickel Project – Update* [release], 22 December 2011.

140. Based on August 2012 US dollar/PNG kina exchange rate of 1:0.486.

Barter, P (former regional member of Madang), *Madang mine at risk!,* PNG Post-Courier (Australia), 23 June 2010.

Highlands Pacific, *Ramu Nickel Project – Update Positive Supreme Court Decision.* [release], 22 December 2011.

141. Environmental Law Alliance Worldwide, *Guidebook for Evaluating Mining Project EIAs,* July 2010. Available at http://www.elaw.org/files/mining-eia-guidebook/Full-Guidebook.pdf. [Accessed: 20 July 2012].

142. The International Bar Association, *Model Mining Agreement* 1.0, 4 April 2011, Clause 26.0. Available at http://www.mmdaproject.org/presentations/MMDA1_0_110404Bookletv3.pdf. [Accessed: 1 June 2011]. Note that at the time of writing, the Model Mining Agreement is still being developed and may be further revised and updated.

143. Ibid.

144. Environmental Law Alliance Worldwide, 2010. *'Guidebook for Evaluating Mining Project EIAs',* July 2010. Available at http://www.elaw.org/files/mining-eia-guidebook/Full-Guidebook.pdf. [Accessed: 20 July 2012].

145. World Food Programme, *Provincial Development Plan, Logar Provincial* Profile [online], undated. Available at http://www.foodsecurityatlas.org/afg/country/provincial-Profile/Logar. [Accessed: 14 August 2011].

146. Ministry of Mines, *Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project. Project Overview,* May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

147. Assumed to be the World Bank's Involuntary Resettlement bank procedure and operational policy 4.12, revised December 2001. Available at http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/PROJECTS/EXTPOLICIES/EXTOPMANUAL/0,,contentMDK:20064610~menuPK:4564185~pagePK:64709096~piPK:64709108~theSitePK:502184,00.html. [Accessed 14 August 2011].

148. IFC Performance Standard 5: Land Acquisition and Involuntary Resettlement. Available at http://www.ifc.org/ifcext/sustainability.nsf/Content/Publications_PS5_LandAcquisition [Accessed 14 August 2011].

149. IFC Handbook for Preparing a Resettlement Plan, 36, available at http://www.ifc.org/ifcext.nsf/AttachmentsByTitle/p_resettle/$FILE/ResettlementHandbook.PDF. This states that the *"two most critical concerns in selection of a resettlement site are* ***location and community preservation*** *... Resettlement options should avoid breaking up communities because the maintenance of social networks linking members of the affected communities may be more successful to the adaption of those communities to their new circumstances ...Though community preservation is a primary concern, some members of a community may have other settlement preferences, including a preference not to remain part of the affected community. For this reason, all community members must be consulted and provided with appropriate options for resettlement."*

150. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Aynak%20RAP%20_14th%20April%202012_.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

151. Ibid.

152. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

153. IFC, *Handbook for Preparing a Resettlement Action Plan.* Available at http://www.ifc.org/ifcext/enviro.nsf/AttachmentsByTitle/p_resettle/$FILE/ResettlementHandbook.PDF. [Accessed: 20 July 2012].

154. Landay, J., *McClatchy's Jonathan Landay visits a desolate coal mining facility in Afghanistan,* [video], 15 November 2010, McClatchy/Video by Tish Wells, Available at: http://www.youtube.com/watch?v=yu68lBQ0yZ4. Accessed: 3 May 2012.

Landay, J., *Factory, coal mine show connections matter most in Afghan business,* 14,November 2010, McClatchy. Available at: http://www.mcclatchydc.com/2010/11/14/103393/afghan-business-model-connections.html. [Accessed: 3 May 2012].

Nissenbaum, D., *Teenager Films Afghan Child Labor. School Documentary Project Seeks to Illuminate Open Secret: Young Boys at Work in Remote Coal Mines,* 14 July 2012, Wall Street Journal. Available at http://online.wsj.com/article/SB10001424052702303640804577491511393159548.html. [Accessed: 13 August 2012].

155. Mine Action Coordination Centre of Afghanistan, *Aynak copper mine predicted to create 8,000 direct jobs once landmines are cleared,* 27 August 2009. Available at www.macca.org.af/file.php?id=149. [Accessed: 13 August 2012].

156. Huffman, B., *Are Chinese Miners Destroying a 2,000-year-old Buddhist Site in Afghanistan?,* 17 May 2012, Asia Society. Available at http://asiasociety.org/blog/asia/are-chinese-miners-destroying-2000-year-old-buddhist-site-afghanistan-images. [Accessed: 8 July 2012].

Global Witness telephone meeting with Ministry of Mines advisor, July 2012.

157. Mine Action Coordination Centre of Afghanistan, *Aynak copper mine predicted to create 8,000 direct jobs once landmines are cleared,* 27 August 2009. Available at www.macca.org.af/file.php?id=149. [Accessed: 13 August 2012].

158. Global Witness, *We are People Already Sold,* [video], September 2011. Available at http://www.youtube.com/watch?v=qxn5jfgED1w. [Accessed: 29 July 2012].

Similarly, in Liberia, local civil society has raised concerns over the state of social infrastructure provided by companies. Housing has been

criticised as sub-standard, lacking indoor latrines, bathing facilities and electricity. Other concerns include the supply of clean water, and the state of educational facilities (teacher shortages, few and poorly equipped schools and some children unable to obtain IDs needed to attend schools). Samfu Foundation, *The Heavy Load – A Demand for Fundamental Changes at Bridgestone/Firestone Rubber Plantation in Liberia,* June 2008. Available at http://www.samfu.org/downloads/the_heavy_load_2008.pdf. [Accessed: 15 September 2011].

159. Global Witness, *We are People Already Sold* [video], September 2011. Available at http://www.youtube.com/watch?v=qxn5jfgED1w. [Accessed: 29 July 2012].

160. Engel, N., *Mes Aynak: New excavations in Afghanistan,* June-July 2011, Afghan Scene.

Bezhan, F., *Aynak ore creates dilemma for treasure,* 15 February 2012, Asia Times. Available at http://www.atimes.com/atimes/South_Asia/NB15Df01.html. [Accessed: 13 August 2012].

BBC, *Mining threat to ancient Afghan monastery at Mes Aynak,* 13 June 2011. Available at http://www.bbc.co.uk/news/world-south-asia-13717471. [Accessed: 13 August 2012].

Heritage Daily, *Scrambling to preserve Afghanistan's heritage,* 7 June 2012. Available at http://www.heritagedaily.com/2012/06/scrambling-to-preserve-afghanistans-heritage/. [Accessed: 13 August 2012].

161. DAFA, *Rapid Archaeological Assessment of Aynak Ancient Sites* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Aynak_Archeological_Assessment-Final.pdf. [Accessed: 6 July 2011].

Speech of Dr Raheen, Minister of Information and Culture on 1 May 2012. Available at http://www.bakhtarnews.com.af/eng/culture/item/2247-full-text-speech-of-dr-raheen-in-aynak-copper-mine-and-archeological-sites-meeting.html. [Accessed: 19 August 2012].

162. Engel, N., *New excavations in Afghanistan, Mes Aynak,* 2011. Available at http://nationalmuseum.af/images/stories/PDF/mes%20aynak.pdf. [Accessed: 29 July 2012].

163. Ibid.

164. China Daily, *Copper deal helps Afghan's future,* 21 September 2011. Available at http://www.chinadaily.com.cn/usa/china/2011-09/21/content_13745143.htm. [Accessed: 26 September 2011].

165. Al Arabiya, *Aynak copper mine delayed: Afghan mining minister,* 5 December 2010. Available at http://www.alarabiya.net/articles/2010/12/05/128565.html. [Accessed: 1 November 2011].

Yam, P., *Update 1 – Jiangxi Copper hopes Afghan, Peru mines to start in* 2014-16, 28 March 2012, Reuters. Available at http://www.reuters.com/assets/print?aid=USL3E8ES2SM20120328 [Accessed: 25 May 2012].

Ministry of Mines, *Initiatives on Protection of Cultural Antiquities at Aynak* [website], 17 July 2011. Available at http://mom.gov.af/en/news/2253. [Accessed: 25 July 2012].

166. Teijgeler, R., *So Yesterday Was the Burning of Books – Wartime in Iraq* [lecture], 11 August 2005, Responsible Stewardship Towards Cultural Heritage Materias, Preconference of the IFLA Rare Books and Manuscript Section, Copenhagen. Available at http://iwa.univie.ac.at/teijgeler.html. [Accessed: 27 August 2012]

167. Supple, S, *Memory Slain: Recovering Cultural Heritage in Post-war Bosnia,* 2005, UCLA Journal of Education and Information Studies. Available at http://escholarship.org/uc/item/28c783b6. [Accessed: 27 August 2012].

168. Ibid.

169. Riedlmayer, A, *Erasing the Past: The Destruction of Libraries and Archives in Bosnia-Herzegovina,* Harvard University, Middle East Studies Association Bulletin, July 1995. Available at http://www.openbook.ba/wenzel/ar_mela.htm. [Accessed: 27 August 2012].

170. Ibid.

171. Bernhardsson, M, *The Sense of Belonging. The Politics of Archaeology in Modern Iraq from Selective Remembrances. Archaeology in the Construction, Commemoration, and Consecration of National Pasts,* 2007, University of Chicago Press.

172. Teijgeler, R (former Senior Advisor to the Iraqi Ministry of Culture), *'So Yesterday Was the Burning of Books' – Wartime in Iraq* [lecture], 11 August 2005, Responsible Stewardship Towards Cultural Heritage Materias, Preconference of the IFLA Rare Books and Manuscript Section, Copenhagen. Available at http://iwa.univie.ac.at/teijgeler.html. [Accessed: 27 August 2012]

173. Kami, A, *In Iraq, a clash of treasures past, present and future,* 23 May 2012, Reuters. Available at http://www.reuters.com/article/2012/05/23/iraq-antiquities-idUSL5E8GD0OL20120523. [Accessed: 27 August 2012]

174. International Council on Mining & Metals, *Mining and Protected Areas, Position Statement,* September 2003. Available at www.icmm.com/document/43. [Accessed: 15 July 2012].

175. Engel, N., *New excavations in Afghanistan, Mes Aynak,* 2011. Available at http://nationalmuseum.af/images/stories/PDF/mes%20aynak.pdf. [Accessed: 29 July 2012].

176. World Bank, *Emergency Project Paper on a Proposed Grant in the Amount of SDR 32.8 million (US$52 million equivalent) to the Islamic Republic of Afghanistan for a Second Sustainable Development of Natural Resources Project,,* 6 May 2011. Available at http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/05/15/000333037_20110515234914/Rendered/INDEX/613970PJPR0P110e0only0900BOX358355B.txt. [Accessed: 25 May 2012].

177. UNESCO, *Cultural Landscape and Archaeological Remains of the Bamiyan Valley,* [website], undated. Available at http://whc.unesco.org/en/list/208. [Accessed 27 August 2012].

Morgan, L., The Buddhas of Bamiyan, 3 May 2012, Profile Books.

178. UNESCO, *Director-General condemns Taliban's crime against culture* [online], 12 March 2012. Available at http://www.unesco.org/bpi/eng/unescopress/2001/01-38e.shtml. [Accessed: 27 August 2012].

Rashid, A., *After 1,700 years, Buddhas fall to Taliban dynamite,* 12 March 2001, The Telegraph. Available at http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/asia/afghanistan/1326063/After-1700-years-Buddhas-fall-to-Taliban-dynamite.html. [Accessed: 27 August 2012].

179. UNESCO, *Director-General condemns Taliban's crime against culture* [online], 12 March 2012. Available at http://www.unesco.org/bpi/eng/unescopress/2001/01-38e.shtml. [Accessed: 27 August 2012].

180. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].
Ministry of Mines, Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project.

Project Overview, May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].
Ministry of Mines, Social Policy Guidelines for Mining Sector in Afghanistan, 2011. Available at http://mom.gov.af/Content/files/Social_Policy_Guidelines.pdf. [Accessed: 3 July 2012].

Stanley, M. and Ekaterina, M., Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan, September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

World Bank, Emergency Project Paper on a Proposed Grant in the Amount of SDR 32.8 million (US$52 million equivalent) to the Islamic Republic of Afghanistan for a Second Sustainable Development of Natural Resources Project, 6 May 2011. Available at http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/05/15/000333037_20110515234914/Rendered/INDEX/613970PJPR0P110e0only0900BOX358355B.txt. [Accessed: 25 May 2012].

181. Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

182. Ministry of Mines, *Sustainable Development of Natural Resources Program (SDNRP), Aynak Copper Mine. Compliance Monitoring Project. Project Overview,* May 2012. Available at http://mom.gov.af/Content/files/AYNAK_PROJECT_UPDATE_MAY_2012.pdf. [Accessed: 29 May 2012].

183. World Bank, *Emergency Project Paper on a Proposed Grant in the Amount of SDR 32.8 million (US$52 million equivalent) to the Islamic Republic of Afghanistan for a Second Sustainable Development of Natural Resources Project,* 6 May 2011. Available at http://www-wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2011/05/15/000333037_20110515234914/Rendered/INDEX/613970PJPR0P110e0only0900BOX358355B.txt. [Accessed: 25 May 2012].

184. Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

185. In June 2012, Global Witness published a report highlighting the dangers for individuals defending their human rights or the human rights of others in relation to natural resources. We found that there is an average of more than one killing a week world-wide of such individuals, including through targeted killings and violent clashes. For further details, see Global Witness, 2012. *A Hidden Crisis: Increase in killings as tensions rise over land and forests,* June 2012. Available at http://www.globalwitness.org/sites/default/files/library/A_hidden_crisis-FINAL%20190612%20v2.pdf.

186. Global Witness, *A Hidden Crisis: Increase in killings as tensions rise over land and forests,,* June 2012. Available at http://www.globalwitness.org/sites/default/files/library/A_hidden_crisis-FINAL%20190612%20v2.pdf.

187. For further information, see the 'Making Forest Sector Transparent' project, see http://www.foresttransparency.info/.

188. Ministry of Finance, *1390 National Budget,* 2011. Available at http://mof.gov.af/Content/files/1390_English_BudgetDocument_25th%20May%202011.pdf. [Accessed: 20 July 2012].

189. Tangguh Independent Advisory Panel, *First Report on Operations Phase of the Tangguh LNG Project,* January 2011. Available at http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/indonesia/STAGING/home_assets/downloads/t/TIAP_Report_2010.pdf. [Accessed: 26 September 2011].

190. Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

191. Ministry of Mines, *Executive Summary Regarding Tender Process of Aynak Copper* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/1392. [Accessed: 20 July 2011].

192. Email from the Ministry of Mines to Global Witness, August 2012.

193. Ministry of Mines email to Global Witness in August 2012 confirming that, *'in principle, any external request for meetings with the IAP should be subject to the prior approval of the Ministry of Mines'.*

Global Witness has also submitted requests to the World Bank, which funds the IAP, for a copy of its terms of reference but has been referred to the Ministry of Mines on this point.

194. Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed 29 May 2012]

Ministry of Mines, Executive Summary Regarding Tender Process of Aynak Copper [online] undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/1392. [Accessed: 20 July 2011].

Stanley, M. and Ekaterina, M., Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan, September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

195. Ministry of Mines, *Aynak Tender Process History* [online], undated. Available at http://mom.gov.af/en/page/1401. [Accessed: 20 March 2012].

Stanley, M. and Ekaterina, M., *Mineral Resource Tenders and Mining Infrastructure Projects Guiding Principles. Case Study: The Aynak Copper Deposit, Afghanistan,* September 2011, World Bank. Available at http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/EITI22we-boct17.pdf. [Accessed: 5 July 2012].

Ministry of Mines, *Mining for Sustainable Development of Afghanistan, Resettlement Action Plan,* January 2012. Available at http://mom.gov.af/en/announcement/10786. [Accessed: 29 May 2012].

گلوبال ویتنس یک
سازمان غیر دولتی
است که تحقیقات
و کمپاین هایی را
برای جلوگیری از بروز درگیری های مربوط به منابع طبیعی
و فساد اداری و سوء استفاده های
ماحولی و حقوق بشری
انجام می دهد.

مراجعی که در این راپور به
گلوبال ویتنس اشاره نموده اند
مربوط به کمپنی گلوبال ویتنس با مسئولیت محدود هستند
که در انگلستان ثبت شده است
(نمبر کمپنی 2871809)

ISBN 978-0-9570101-9-2

Global Witness Limited
Buchanan House
30 Holborn
London
United Kingdom
EC1N 2HS
www.globalwitness.org

Cover illustration and design - **www.NickPurser.com**

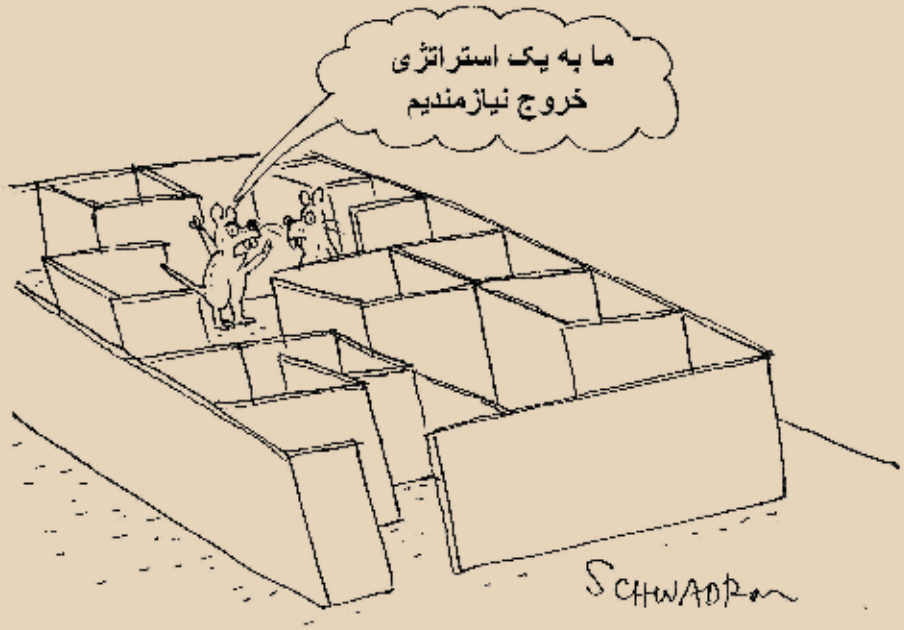

ولی آیا ثروت معدنی افغانستان راه نجات است؟

(کریدت: هارلی شادرون از CartoonStock).